

سَمَاءُ الْحَمْدِ

رشد
آموزش

فصلنامه
۳۵

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

دوره نهم / شماره ۲ / زمستان ۱۳۹۰ / صفحه ۶۴
فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۱۵۸۵

تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۸۲۱۱۱۱ (داخلی ۲۵۲)

تلفن مستقیم: روزهای سه شنبه ۸۸۲۰۵۷۷۱

پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۲۰۱۴۸۲

مدیر مسئول: ۱۰۲ / دفتر مجله: ۲۵۲ / امور مشترکین: ۱۱۴

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: goran@roshdmag.ir

تلفن امور مشترکین: ۷۷۲۲۱۱۵۱، ۷۷۲۲۱۱۵۵

شمارگان: ۱۲۵۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: دکتر سید محسن میر باقری

مدیر داخلی: یونس باقری

هیئت تحریریه: فریبا انجمنی، یونس باقری،

سید مهدی سیف، دکتر زهرا کاشانی ها، دکتر مجید معارف،

دکتر سید محسن میر باقری، سید محمد حسین میر باقری

و مسعود وکیل

طراح گرافیک: نوید اندرودی

ویراستار: کبری محمودی

سرمقاله / ۲

امام خمینی (ره) و آداب تلاوت/ تهمینه یزدان پناه سامانی/ ۴

آشنایی با تفسیر صافی/ مصطفی آل حبیب و حسین رجب زاده/ ۸

در اوصاف قرآن کریم/ محمود جهاننیده/ ۱۴

بایسته های پاسخگویی به پرسش های دینی و قرآنی کودکان و نوجوانان/ غلامرضا حیدری ابهری/ ۱۶

اگر نتوانستید، سوره حشر را بخوانید/ ۲۵

مطالعه انتقادی برنامه درسی دینی و قرآن/ مرتضی شعبانی/ ۲۶

کارگاه حل مسئله/ مهدی مروچی/ ۳۳

گفت و گو / سازمان دارالقرآن الکریم آماده همکاری با آموزش و پرورش است/

رمضانعلی ابراهیم زاده- یونس باقری/ ۳۰

عصر طلایی قرائت قرآن در مصر/ ۴۲

گفت و گو / قرآن کریم در جمهوری اسلامی ایران بدون غلط چاپ می شود/

رمضانعلی ابراهیم زاده- یونس باقری/ ۴۴

جدول/ اعظم مشیری دزفولیان/ ۵۲

مفهوم شناسی آیه گامی در برداشت از قرآن/ دکتر حسین مرادی زنجانی و فاطمه آذرخش / ۵۴

معرفی کتاب/ فریبا انجمنی/ ۶۰

اسامی و مشخصات موسسات عضو اتحادیه تشکل های قرآنی کشور/ ۶۲

قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران:

مجله رشد آموزش قرآن، نوشته ها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت به ویژه معلمان دوره های مختلف را در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می پذیرد. لازم است در مطلب ارسالی، موارد زیر رعایت شود.

چکیده ای از کل محتوای ارسال شده حداکثر در ۱۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. پی نوشت ها و منابع کامل باشد و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه مورد استفاده باشد. در متن های ارسالی تا حد امکان از معادل های فارسی واژه ها و اصطلاحات استفاده شود. اصل مقاله ای ترجمه شده به پیوست آن، ارسال شود. نثر مقاله روان و از نظر دستوری فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت شود. شکل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها و تصاویر به، پیوست در حاشیه مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان و در یک رو کاذب نوشته و در صورت امکان تایپ شود. مطالب مندرج در مجله، الزاماً مبنی نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسئولیت پاسخگویی به پرسش های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. مقاله های دریافتی در صورت پذیرش یا رد، بازگشت داده نمی شود. مجله در پذیرش، رد، ویرایش و یا تلخیص مقاله های رسیده مجاز است.

بیداری مردم،

وظیفه دبیران قرآن در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی چیست؟

نماینده‌ای علوی چون مالک دارید، ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم و جامعه‌ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش او را رها نمی‌کند: «من نام لم ینم عنه» [نهج البلاغه، نامه ۶۲، بند ۱۴]. اگر می‌خواهید انقلاب اسلامی در مصر مستقر شود و عمرو عاص‌ها در قلمرو دین طمع نکنند، بیدار باشید تا دشمن بیدار نتازد. این بیان نورانی، شعار انقلابی رهبر مسلمین، حضرت امیرالمؤمنین (ع) است: «هر آن غافل زید، غافل خورد تیر».

شیطان، چه در جهاد اصغر و چه در جهاد اکبر، از راهی می‌آید که انسان از او غفلت دارد: «آه پراکم هو و قبيله من حیث لاترونهم» [اعراف/ ۲۷]: شیطان و ستادش از راهی بر شما می‌تازند که شما آنان را نمی‌بینید. بنابراین، اگر حضرت علی (ع) آن نامه تاریخی را برای رهبر مصر، مالک اشتر (رض)، مرقوم فرمود، نامه جداگانه‌ای نیز برای مردم مصر نوشت که در آن فرمود، شما هرگز صحنه را ترک نکنید، زیرا «و ان أخوا الحرب الارق، من نام لم ینم عنه» [نهج البلاغه، نامه ۶۲، بند ۱۴]. مرد جنگ‌جو بیدار است و جنگ و جهاد، با خوابیدن نمی‌سازد. جامعه جنگ‌آور، همواره بیدار است و از همه ابعاد کشور خود با خبر است. چنین جامعه‌ای، هم می‌داند که در داخل چه می‌گذرد و چه باید بشود، و هم می‌داند که از خارج چه می‌آید که نباید بیاید.

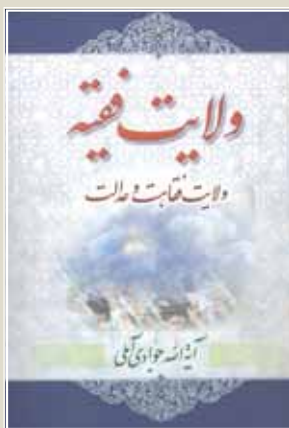
آن‌گاه حضرت علی (ع) دستوری به سربازان و رزمندگان اسلام می‌دهد: «لا تذوقوا التوم إلا غاراً أو مضمضة» [همان، نامه ۱۱، بند ۴]: همان‌گونه که هنگام وضو گرفتن، آبی را در فضای کام خود می‌ریزید و آن را مضمضه می‌کنید و

در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی، همه ما نیازمند نگاهی همه‌نگرانه و بصیرتمندانه با تکیه بر آموزه‌های ژرف و راهگشا هستیم و کلام امیر که امیر کلام‌هاست، مصباح هدایت ماست. آن هم از زبان رسا و گویای استاد فرهیخته و دانشور و مفسر بزرگ روزگار ما حضرت آیت‌الله جوادی آملی.

سخنان وی مفتاح مجله شد در جایگاه سرمقاله، تا به رسم مرسوم دقیق‌تر و با درنگ افزون‌تر خوانده و نیوشیده شود. این متن برگرفته از کتاب گران‌سنگ «ولایت فقیه» حضرت ایشان است.

انقلاب شکوهمند اسلامی، شهیدانی از روحانیت و مراجع علمی و دانشگاهی، دانشمندان مشهور و جوانان برومند، و زنان و مردان محروم و مستضعف ایثارگر، نثار اسلام کرد. حفظ خون این شهیدان گران‌قدر، مسئولیت بزرگی است برعهده ما. شرح این مسئولیت سنگین را امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای که جداگانه برای مردم مصر نوشت، بیان فرمود. این نامه، غیر از آن فرمان معروف است که حضرت به مالک اشتر (رض) دادند و در آن، آداب کشورداری و وظایف والی اسلامی را مقرر داشتند و مالک را به انتخاب وزیران و قضات شایسته و امور دیگر توصیه کردند. این نامه دوم نیز که آن حضرت به مردم مصر نوشتند، در نهج البلاغه موجود است.

حضرت در این نامه خطاب به مردم مصر فرمودند: ای مردم مصر! نگویید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی (ع) داریم، اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می‌خورید. به این اکتفا نکنید که رهبری چون علی و



ضرورت حضور

مهاجمان ضد دین موفق خواهند بود. ضریب ستیز دشمنان دین را قرآن کریم چنین ترسیم می‌فرماید:

۱. صهیونیست‌ها و اسرائیلی‌صفتان، همواره نقشه شوم تازه طرح می‌کنند: «لا تزال تطلع علی خائنة منهم» [مائده/۱۳].

۲. انگیزه خیانت آنان، تنها در مسائل سیاسی و نظامی و اقتصادی و... خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌کوشند که اسلام‌زدایی کنند و مسلمانان را از اسلام خارج سازند: «ولا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا...» [نقره/۲۱۷].

۳. هدف صاحبان مکاتب گوناگون الحاد یا شرک یا کفر نسبی، فقط خارج ساختن مسلمانان از حوزه اسلام نیست، بلکه داخل ساختن مسلمانان در قلمرو مکتب ضلال خود و تابع ساختن و دلیل کردن آنان را از هدف نهایی خود قرار داده‌اند: «ولن ترضی عنک الیهود ولا النصارى حتی تتبع ملتهم» [نقره، ۱۲۰].

۴. برای نیل به این هدف شوم، از جاسوسان و نفوذیان مدد می‌گیرند: «و فیکم سمّاعون لهم» [توبه/۴۷].

اکنون سرّ توصیه حضرت امام خمینی (رض) که همگان را به بیداری و شناخت خطر دشمن و نفوذ آنان در متن جامعه و به‌ویژه در حوزه و دانشگاه، و به ضرورت دفاع گسترده در مقابل تهاجم تیغ تبلیغ اغیار دعوت می‌کردند، روشن می‌شود؛ چنان‌که راز وصیت ایشان به دولت‌مردان در تهذیب نظام از کارگزاران بزهکار، و جذب خدمتگزاران شیفته خدمت و نه تشنه قدرت، و سپردن کار به دست مدیران پارسا و مدبران وارسته آشکار می‌شود.

فرو نمی‌برید، در حال جنگ نیز خواب را در حد مضمضه به شبکه چشمتان برسانید و نه در حد فرو بردن؛ زیرا جامعه جنگی، اهل خواب نیست.

این دستور علوی هم‌اکنون نیز زنده است؛ یعنی اگر مسئولین کشور به وظایف خود وفادار نباشند، خوابیده‌اند. اگر امت اسلامی در همه مراسم اجتماعی و سیاسی در صحنه حضور پیدا نکند، خوابیده است. اگر تلاش اسلام‌شناسان بر این محور نباشد که معارف بلند و عمیق دین را از چنگال و حجاب و هم و خرافات رها کنند، خوابیده‌اند. اگر احکام‌دانان دین نکوشند تا احکام الهی در جامعه به درستی تبیین و اجرا شود، خوابیده‌اند. اگر حکم‌شناسان دین نکوشند تا کلمات حکیمانه کسی که می‌گوید: «اعطیت جوامع الکلم» [بحار، ج ۸: ۳۸]. به درستی شناخته و عرضه شود، خوابیده‌اند. و اگر جامعه بخوابد، قطعاً بیگانگان بیدار می‌تازند.

اگر انقلاب اسلامی ایران، تداوم راه انبیاست که هست و اگر وعده نصر و پیروزی خداوند سبحان برای رسولان خود که فرمود: «کتب الله لاغلبن انا و رسلی» [مجادله/۲۱] و نیز «ولینصرن الله من ینصره» [حج، ۴۰] قطعی است که هست، ما نیز در تداوم انقلاب اسلامی، هم‌چون گذشته کوشا خواهیم بود و چشم امید به امدادهای غیبی خواهیم داشت و نصرت و یاری خداوند نصیب ما خواهد شد.

بیداری مردم، نگهبان خوبی برای صیانت از دستاوردهای انقلاب اسلامی است، چه این‌که خفتگی آنان سبب تهاجم بیگانگان خواهد بود و میزان بیداری هر امت، مرهون مقدار هوشیاری آنان است و به قدر هوشیاری خود، در ستیز با

اشاره

حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: «کسی که می خواهد خدا با او سخن بگوید، قرآن بخواند.»

هم چنین می فرمایند: «بهترین شما کسی است که قرآن را می آموزد و آن را آموزش می دهد.»

یکی از وصایای رسول اکرم (ص) وصیت به تلاوت قرآن است و فضیلت تلاوت و حفظ، حمل، تمسک، تعلم، مداومت و تدبیر در معانی و اسرار آن بسیار زیاد است. در شماره قبل بخش نخست آداب تلاوت از دیدگاه امام خمینی (ره) پیش روی شما عزیزان قرار گرفت در آن شماره موضوعات مربوط به صلوات، استعاذه، اخلاص از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت، در این شماره بخش پایانی و سایر موضوعات مربوط به آداب تلاوت از منظر معظم له پیش روی شماست.

کلیدواژه‌ها: آداب تلاوت، ظاهری، باطنی، صلوات، استعاذه

امام خمینی (ره) و آداب تلاوت قرآن کریم

بخش دوم و پایانی

تهمینه یزدان پناه سامانی
مدیر و دبیر دینی و قرآن منطقه ۱۳ تهران



۴. فهم عظمت، بزرگی، جلالت و کبریای قرآن کریم

یکی از آداب مهم قرائت کتاب الهی که عرفا و مردم عادی از آن انتظار نتایج حسنه و نیکو دارند و موجب نورانیت قلب و حیات می‌شود، تعظیم و بزرگداشت این تحفه آسمانی است که منوط به فهم و درک بزرگی، عظمت و جلالت آن است. این درک عالی مختص ذات مبارک نبی مکرم اسلام (ص) در محفل انس «قاب قوسین اوادنی» و تعداد معدودی از خالص‌ترین اولیای الهی، نظیر معصومین (علیهم‌السلام) است و دست‌اقرار عامه بشریت از آن کوتاه است. اما مصداق این ضرب‌المثل که:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

باید قاری قرآن سعی خود را در این باره مبذول دارد تا ان‌شاءالله به بارقه‌هایی از این درک عالی دست یابد.

۵. تفکر در آیات الهی و مقصد کتاب شریف

یکی دیگر از آداب مهم باطنی تلاوت، تفکر است و مقصود از تفکر آن است که از تلاوت آیات شریفه مقصود و مقصد را جست‌وجو کند. چون خود قرآن مقصد و هدف این صحیفه نورانی را هدایت به راه سلامت و خارج کردن از همه مراتب ظلمت به عالم نور و هدایت به راه مستقیم دانسته است، پس قاری باید با تفکر در آیات شریفه، مراتب سلامت نفس و روح را تا منتهی‌الیه آن که نیل به حقیقت قلب سلیم است، به دست آورد. سلامت جسم و قوای ملکوتی (جان)، گم‌شده قاری است که در این کتاب آسمانی موجود است، این گم‌شده موجودات را باید با «تفکر» از آن استخراج کرد.

وقتی شخص قاری مقصد را یافت، در تحصیل و به‌دست آوردن آن بینا می‌شود و راه استفاده از قرآن شریف بر او گشوده و درهای رحمت حق برایش مفتوح می‌گردد. عمر کوتاه عزیز خود و سرمایه تحصیل سعادت خویش را در امور پست صرف نمی‌کند و به درک مطالب و معارف بلندی از قرآن نایل می‌آید که تا آن زمان به هیچ وجه برایش ممکن نبود. در این هنگام شفا بودن قرآن را برای امراض قلبیه می‌فهمد: «و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خساراً»

۶. تطبیق مفاد قرآن با حال خود و شفای امراض به‌وسیله آن

مهم‌ترین امری که انسان را به نتایج بسیار و استفاده‌های بی‌شمار نائل می‌کند، «تطبیق» است. به این ترتیب که در هر آیه از آیات قرآن که تفکر می‌کند، مفاد آن را با حال خود منطبق کند و نقص خود را به واسطه آن برطرف سازد و امراض خود را با آن مداوا کند. مثلاً در قصه حضرت آدم (علیه‌السلام)، ببینید علت طرد شیطان از بارگاه قدس، با آن‌همه سجده‌ها و عبادت‌های طولانی، چه بوده است تا خود را از آن تطهیر کند. زیرا مقام قرب الهی جای پاکان است و با اوصاف و اخلاق شیطانی در آن بارگاه نمی‌توان قدم گذاشت. قاری باید همه معارف و احوال قلب و اعمال باطن و ظاهر خود را با کتاب خدا تطبیق دهد و عرضه دارد تا به حقیقت قرآن متحقق و قرآن صورت باطنی‌اش شود.

۷. قصد تعلیم داشتن و استفاده نمودن

مطلب مهمی که باید در نظر داشت تا راه استفاده از کتاب شریف برایتان باز شود و درهای رحمت، معارف و حکمت‌ها بر قلب گشوده شود، این است که به قرآن باید نظر تعلیم داشت و آن را کتاب آموختن و فایده بردن دانست و خود را به تعلیم و استفاده از آن موظف کرد. به این علت استفاده ما از این کتاب بزرگ بسیار کم است که یا به آن نظر تعلیم و تعلم نداریم و قرآن را برای ثواب و اجر تلاوت می‌کنیم، و یا اگر نظر تعلیم داریم، با نکات غیرضروری مانند وجوه اعجاز آن، سبب نزول آیات، اوقات نزول، مکی و مدنی بودن آیات و... خود را مشغول می‌کنیم که خود آن‌ها موجب دور شدن از معارف غنی قرآن و غفلت از ذکر الهی می‌شوند. این صحیفه الهی، کتاب احیای قلوب به حیات ابدی است. این کتاب خداست و انسان را به شئون الهی دعوت می‌کند. قاری و مفسر باید این شئون را بیاموزند و به مردم تعلیم دهند. مردم نیز باید برای تعلم و آموختن شئون الهی به آن مراجعه کنند تا استفاده از آن حاصل شود. چه خسارتی بالاتر از این که سال‌ها کتاب الهی را قرائت و به تفاسیر مراجعه کنیم، اما از مقاصد آن بازمانیم! (ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرین.)



۸. رفع موانع انس با کلام الهی

زمانی که عظمت کتاب خدا از همه جهات معلوم و راه استفاده از معارف غنی آن باز شد، قاری و مستعید به قرآن باید یکی دیگر از آداب مهم را به کار بندد تا استفاده به صورت تام و کامل صورت پذیرد و آن برطرف کردن موانع استفاده است که امام خمینی (ره) و سایر عرفا از آن‌ها به حجب بین مؤمن و قرآن تعبیر می‌کنند. در این مقاله به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) حجاب خودبینی

یکی از شاهکارهای مهم شیطان این است که شخص متعلم، خود را به واسطه این حجاب، از استفاده از قرآن بی نیاز بداند. انسان را به آن چه که دارد، راضی و قانع سازد و نیل به مراتب بالاتر را از نظر او ساقط کند. مثلاً اهل تجوید را به همان علم جزئی، اصحاب تفسیر را به پرداختن به ریشه‌های لغوی و ترجمه و اصطلاحات و... سرگرم کند و آن را در نظرشان جلوه‌های فراوان بدهد و آنان را از سایر علوم غافل سازد.

شخص قاری باید تمام حجاب‌ها و موانع را از پیش روی خود بردارد و از منظر بالاتر به قرآن بنگرد. وگرنه از قافله سالکان الی‌الله بازمی‌ماند و از دعوت‌های شیرین الهی محروم می‌شود. این امر از خود قرآن شریف نیز استفاده می‌شود که مؤمن نباید به یک حد معین قانع شود و در یک مرتبه بماند. بلکه باید برای نیل به مقام‌های بالاتر، به نمونه‌ها و اسطوره‌هایی نظیر موسی کلیم‌الله (ع) و حضرت ابراهیم خلیل‌الله (ع) و... نظر عبرت و درس‌آموزی بیفکند.

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم

ب) حجاب عقیده و روش باطل

در بعضی موارد ممکن است اعتقاد غلطی در انسان به صرف شنیدن از پدر و مادر یا بعضی از اهالی منبر یا استادان یا خواندن مطلبی در جایی در وجود انسان شکل بگیرد که این خود به مانع بزرگی بین ما و آیات شریفه قرآن تبدیل می‌شود و به راحتی حاضر نمی‌شویم که اگر هزاران آیه و روایت در اثبات خلاف این عقیده آورده شود، از عقیده باطل خود چشم پپوشیم. امام راحل (ره) این حجاب را مهم‌ترین عامل مهجور گذاشتن قرآن دانسته‌اند و بر این قضیه بسیار تاسف می‌خورند.

ج) حجاب عدم تفکر و تدبیر

یکی دیگر از موانع این است که بعضی‌ها معتقدند جز آن چه که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی حق استفاده از قرآن شریف را ندارد و تدبیر و تفکر در آیات را با تفسیر به رأی - که ممنوع است - اشتباه می‌گیرند. با این عقیده باطل، قرآن را از همه راه‌های استفاده و سود بردن عاری و آن را به کلی مهجور کرده‌اند. در صورتی که بهره‌های اخلاقی، ایمانی و عرفانی، به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیستند، چه رسد به تفسیر به رأی.

د) حجاب معاصی

یکی دیگر از حجاب‌هایی که مانع از فهم قرآن شریف و استفاده از معارف و مواظب این کتاب آسمانی می‌شود، حجاب گناهان و تاریکی‌های حاصل از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت قدس پروردگار عالمیان است.

باید دانست، هر یک از اعمال ما، چه حسنه و چه سیئه، دارای صورتی در عالم ملکوت است متناسب با آن. هم‌چنین، صورتی در ملکوت نفس انسان حاصل می‌شود که به واسطه عمل صالح در باطن ملکوت نفس نورانیت به دست می‌آید و قلب مطهر و منور می‌شود. در این صورت، نفس چون آینه صیقل می‌یابد و لایق ظهور حقایق و معارف الهی می‌شود. و یا عمل پلید و سیئه، نفس را ظلمانی می‌کند و قلب چون آینه زنگارزده و چرکین می‌شود که هیچ‌یک از حقایق غیبی در آن انعکاس نمی‌یابد. کم‌کم قلب تحت سلطه شیطان قرار می‌گیرد و حکمران آن ابلیس خواهد شد.

«لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»

قاری باید همه معارف و
احوال قلب و اعمال باطن و
ظاهر خود را با کتاب خدا تطبیق
دهد و به قرآن عرضه دارد تا
به حقیقت قرآن متحقق و قرآن
صورت باطنی او شود



۴) حجاب حب دنیا

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»^{۱۵}

ضخیم‌ترین پرده و حجاب بین ما و مواظ قرآن، حجاب حب دنیا است که به واسطه آن، قلب تمام هم خود را صرف آوردن مواهب دنیا می‌کند. چنین محبتی انسان را از ذکر خدا غافل می‌سازد. این حایل در برخی موارد به قدری غلیظ و ضخیم می‌شود که حتی نور فطرت الهی در وجود انسان به کلی به خاموشی می‌گراید و درهای سعادت به روی انسان بسته می‌شود. شاید قفل‌های قلب که در آیه شریفه:

«فَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» آمده است، همین قفل و بندهای علائق دنیوی باشد.

کسی که بخواهد از معارف قرآن استفاده کند و از مواظ الهی و انوار آیات کریمه قرآن بهره‌مند شود، باید قلب را از این ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها و عوامل اشتغال پاک سازد، زیرا که غیر مطهر محرم اسرار نیست. درخت حب دنیا و آرزو را باید از دل ریشه کن کرد تا قلب ساکن و مطمئن شود.

در ضمیر ما نمی‌گنجد به غیر از دوست کس

هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس

امام (ره) در «محرم اسرار» می‌فرماید:

این قفل‌ها را باز کن، از این قفس پرواز کن

انجام را آغاز کن، کانجا زیار آوا بود

این تارها را پاره کن، وین دردها را چاره کن

آواره شو، آواره کن، از هر چه هستی‌زا بود

بردار این ارقام را، بگذار این اوهام را

بستان ز ساقی جام را، جامی که در آن لا بود^{۱۶}

امام خمینی (ره) علاقه وافری به قرآن داشتند. ایشان شیفته قرآن بودند و انس با قرآن کریم در سر لوحهٔ امورشان قرار داشت. گویی قرآن نامهٔ محبوب است که الان به دستشان رسیده است، با اشتیاق فراوان به قرائت قرآن می‌پرداختند و از آن لذت می‌بردند. لذا ایشان می‌فرمود:

«اگر قرآن نبود باب معرفت الله بسته بود الی الابد.»

پی‌نوشت

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۶.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۵۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۲۰.

۵. مرآه العقول، ج ۱۲، ص ۱۰۹.

۶. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۶۳.

۷. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۶.

۸. اسرار الصلوه، ص ۱۱۵.

۹. استغذاه: یعنی پناه گرفتن و شیطان عبارت از هر متمریدی از انس و دواب (چهارپا و...) و جان (جن) است.

۱۰. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۳.

۱۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳.

۱۲. تفسیر سوره حمد، ص ۴۰، شرح دعای سحر، ص ۱۵۹، سرالصلوه، ص ۸۸.

۱۳. شرح دعای سحر، ص ۱۶۱ تا ۱۶۳.

۱۴. سیمای نماز در آثار علامه حسن‌زاده آملی، عباس عزیزی، ص ۱۳۶.

۱۵. اصول کافی، ج ۱، حدیث ۱، به نقل از امام صادق (ع)

۱۶. دیوان امام، ص ۱۰۳.

منابع

۱. سرالصلوه. امام خمینی (ره). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). ۱۳۸۷.

۲. امام در سنگر نماز، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۷.

۳. قرآن باب معرفت الله (مجموعه بیانات و نوشته‌های امام خمینی (ره) درباره قرآن) مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. ۱۳۷۴.

۴. تفسیر سوره حمد. امام خمینی (ره). ترجمه علی اصغر ربانی خلخالی. ۱۴۰۰ ه. ق.

۵. شرح دعای سحر. امام خمینی (ره). ترجمه سیداحمد فهری. انتشارات خیرخواه. ۱۳۵۹.

۶. فصل نامه بینات. سال یازدهم. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۳.

۷. سیمای نماز در آثار علامه حسن‌زاده آملی. انتشارات نبوغ. چاپ دوم. ۱۳۸۷.





مصطفی آل حبیب، حسین رجبزاده
دبیران دینی و قرآن



اشاره

قرآن کریم، بزرگ‌ترین کتاب آسمانی، تاکنون توسط مفسرین بسیاری تبیین و تشریح شده است. تفسیر «صافی» به نوبه خود توانسته است، در ارائه برخی از زوایای پوشیده قرآن با تکیه بر احادیث اهل بیت عصمت و طهارت (ع) گام‌های مؤثری بردارد. توجه عمیق فیض کاشانی در این تفسیر، حاکی از نگرش عالمانه این فرزانه دوران خود بوده است. ابوابی که فیض به گشودن آن‌ها موفق شد، فضایی جدید را بر روی مشتاقان علم و اندیشه گشود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، صافی، تفسیر و تفاسیر، اهل بیت (ع)، مفسرین، فیض

مقدمه

آنان فقیه، فیلسوف و عارف متبحر، ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۷ ه.ق) است.

شیخ حر عاملی در کتاب «امل‌الآمل» می‌فرماید: «مولای جلیل‌القدر محمدبن مرتضی، معروف به محسن کاشانی، فاضل عالم ماهر حکیم محدث فقیه شاعر و ادیبی از معاصرین بوده است» [عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۰۵].

تردیدی نیست که نخستین مفسر و شارح قرآن کریم پیامبر مکرم اسلام (ص) بوده‌اند و در پی ایشان، صحابه بزرگوار آن حضرت و در رأس آنان امیرالمؤمنین علی (ع)، نقش محوری در تبیین کلام وحی بر عهده داشته‌اند. در طول تاریخ اسلام نیز، علمای بی‌شماری به شرح آیات وحی پرداختند که یکی از

همچنین سید محمدباقر خوانساری در «روضات الجنات» (ج ۶، ص ۷۹)، اردبیلی در «جامع الرواة» (ج ۲، ص ۴۲)، شیخ عباس قمی در «الکافی و الاقبال» و علامه امینی در «الغدير» (ج ۱۱، ص ۳۶۲) از او به بزرگی یاد می کنند.

مرحوم ملامحسن فیض کاشانی یکی از استوانه های بلند و استوار علمی، فقهی و حدیثی قرن یازدهم هجری است که بین علمای اسلام منزلت بلندی دارد. او به مشرب فکری حجت الاسلام غزالی توسی گام برمی دارد و طرح برخی از آثار او، هم چون حجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، نیز بر منوال طرح آن متفکر اسلامی پدید آمده است [ذهبی، ۱۳۹۶ هـ. ق، ج ۲: ۱۴۵؛ خوانساری، ۱۴۱۱ هـ. ق، ج ۶: ۷۵؛ زرکلی، ۱۹۹۲، ج ۵: ۲۹۰].

سید نعمت الله جزایری، شاگرد برجسته او می گوید: «او بیش از ۲۰۰ کتاب و رساله دارد» [خوانساری، ۱۴۱۱ هـ. ق، ج ۶: ۸۷؛ بحرانی، بی تا: ۱۳۰].

فیض نخست در قم بود. هنگامی که او از ورود سید ماجد بحرانی به شیراز باخبر شد، عزم سفر کرد. پدر او مردد بود. متوسل به استخاره شد. آیه شریفه «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» آمد. همین آیه مشوق او به سفر شد. سپس به اشعار منتسب به علی (ع) تفأل جست که می فرماید:

«تَقَرَّبَ عَنِ الْاَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى

و سَافَرَ فِي الْاَسْفَارِ خَمْسَ فَوَائِدِ

تَفَرَّجَ هِمٌّ وَ اِكْتَسَابَ مَعِيشَةٍ

و عِلْمٌ وَ اَدَابٌ وَ صَحْبَةُ مَاجِدِ»

ترجمه: از وطن ها دوری گزین. در جست و جوی بزرگواری ها مسافرت را پیشه گیر، چون در سفر پنج فایده نهفته است: باز گشتن اندوه، کسب معیشت، اندوختن علم، اندوختن آداب و سنن و هم نشینی و مصاحبت با انسان شریف.

به این ترتیب او به شیراز رهسپار شد و در «منقول» از محضر سید ماجد و در «معقول» از محضر ملاصدرا سال ها استفاده کرد [بحرانی، بی تا: ۱۳۰؛ خوانساری، ۱۴۱۱ هـ. ق، ج ۶: ۱۷].

طبق گفتار زرکشی، صاحب «الاعلام»: «وی مفسری از علمای امامیه، متأله حکیم و از مردم کاشان می باشد» [زرکشی، ۱۹۹۲، ج ۵: ۲۹۰].

مرحوم خوانساری در «روضات الجنات»، ۲۶ صفحه کامل از کتاب خود را به شرح حال و معرفی این شخصیت علمی، تفسیری و حدیثی اختصاص داده و نکته باز نگفته ای در حق او باقی نگذاشته است. وی در سر آغاز مقال می نویسد: کار او در فضل و فهم، و آگاهی او بر فروع و اصول، و احاطه او بر معقول و منقول، و در کثرت تصنیف و تألیف، و زیبایی تعبیر و ترتیب، مشهورتر از آن است که بر احدی پوشیده مانده باشد. او از خاندان علم و معرفت می باشد. پدر، برادر و فرزند او نیز از شجره طایفه علم و معرفت می باشند. [خوانساری، ۱۴۱۱ هـ. ق، ج ۶: ۷۴].

«لامحسن فیض کاشانی به حق علم دار فقه، پرچم دار حدیث، مشعل دار فلسفه، گنجینه عرفان، کوه عظیم اخلاق و امواج خروشان علم و معرفت است» [ایازی، ۱۳۷۸: ۲۰۱].

«او محدثی فقیه و فیلسوفی عارف بود» [معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۷].

«لامحسن فیض کاشانی از اعظام علما و حکمای متأله امامیه است [خرمشاهی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۴۲].

ملا محسن، نگارش «الصادق فی تفسیر القرآن» را در سال ۱۰۵۷ هجری به پایان برد [بحرانی، بی تا: ۱۲۲؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۴۳، ج ۱۵: ۵].

محمد بن مرتضی بن فیض الله محمد کاشانی، فقیه امامی و مفسر اصولی است که به او ملامحسن فیض کاشانی هم گفته می شود. یکی از تألیفات مشهور او تفسیر «الصادق فی تفسیر کلام الله الوافی» است که به چاپ رسیده است [نویس، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۲: ۶۳۵؛ طاهر، ۱۳۹۸].

نسخه های خطی این تفسیر بسیار است. نفیس ترین نسخه، مورخه ۱۰۷۸ هـ. ق، از مخطوطات (نوشته های خطی) کتابخانه کاتب این سطور [خرمشاهی] در قزوین و سی نسخه در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (شماره ۱۱۱۴۰) و هفت نسخه در کتابخانه مرعشی قم موجود است [خرمشاهی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۴۲].

این تفسیر چاپ های متفاوتی دارد: چاپ اول از چاپ های حجرى، بمبئی، ۲ جلد، ۱۲۷۴ هـ. ق؛ تبریز، دارالطباعه محمد محمدی تبریزی، ۱۲۶۹ هـ. ق؛ تبریز، به خط محمدرحیم همدانی، مطبعة محمدتقی تبریزی، ۱۲۷۲ هـ. ق؛ قطع رحلی. چاپ و حروف چینی بیروت، مؤسسه اعلمین للمطبوعات، ۱۳۹۹ هـ. ق؛ قطع وزیری با مقدمه و تصحیح شیخ حسین اعلمی (همین چاپ در مشهد توسط دارالمرتضی در سال ۱۳۹۹ هـ. ق نشر یافته است). در ضمن، این تفسیر توسط محمدباقر ساعدی خراسانی ترجمه و در تهران توسط «انتشارات صفا» در سال ۱۴۰۵ هـ. ق/ ۱۳۶۳ هـ. ش منتشر شده است [ایازی، ۱۳۷۸: ۲۰۱].

آخرین چاپ این تفسیر در تهران مورخه ۱۴۱۶ هـ. ق/ ۱۳۷۴ هـ. ش توسط «انتشارات مکتبه الصدر» انجام گرفته است.

مقدمه دوازده گانه سر آغاز تفسیر

مفسر در آغاز تفسیر خود مقدمه ای مشتمل بر ۱۲ فصل نگاشته و در آن از شئون متفاوت قرآن و فضیلت آن، ثواب تلاوت و تفسیر و تأویل سخن گفته است. مقدمه این کتاب از جامع ترین مقدمات تفسیری است که به رشته تحریر درآمده و مؤلف آن کوشیده است، مواضع مفسران را نسبت به تفسیر مأثور و متکی بر روایات، و تفسیر عقلی متکی بر اجتهاد بیان کند و شایستگی ها و توانایی هایی را که لازم است هر مفسر

**بهترین تفسیر آن است
که مفسر، آیات مربوطه
را در یکجا فراهم آورد،
سپس با دقت آن‌ها را با هم
مقایسه کند، چرا که بعضی
آیات مفسر آیات دیگرند**

مفسرین حقیقی قرآن‌اند.

کسانی کاشفان اسرار و ظرایف قرآن‌اند، که آنان مخاطبین قرآن‌اند؟ چه کسانی مشکلات و معضلات آن‌را تبیین می‌کنند؟ و چه کسانی آیات خداوند را شرح و تفسیر می‌نمایند؟ جز کسانی که خداوند سینه‌هایشان را [فراشوی حقایق قرآن] گشوده است؟! از اهل بیت عصمت و طهارت (صلوات‌الله‌علیهم) روایات بسیاری در تفسیر و تأویل قرآن ثبت و ضبط شده است، مگر این که آن روایات، متناسب با سؤال سائلین متفرق بوده و لذا مناسب با فهم مخاطبین صادر گردیده است و از ترس دشمنان و از روی تقيه، بسیاری از زوایای قرآن گشوده نشده است و شاید گشوده شده، ولی به ما نرسیده است. چرا که راویان در تنگنای تقيه و شدت خطر به سر می‌بردند. کتاب در بین مردم و همراه آنان بوده، ولی در حقیقت همراه آنان نبوده است. چرا که علم لگام زده و اهل آن مظلوم بوده‌اند و راهی برای ابراز آن نداشتند. سپس کسانی جانشین آنان شدند که عالم به قرآن نبودند، لذا مردم به گروهی تکیه کردند که می‌پنداشتند عالم‌اند و تفسیر قرآن را از کسانی روایت می‌کردند که می‌پنداشتند بزرگان تفسیراند؛ مثل ابوهریره و انس و ابن عمرو و همانند آنان. و امیرالمؤمنین (ع) را نیز از جمله آنان محسوب می‌کردند و او را به‌صورت یکی از مردم عادی بر می‌شمردند. بهترین کسانی که به گفتار آنان استناد می‌کردند، ابن‌مسعود و ابن عباس بودند و برخی از افراد چه‌بسا مطالبی را از خود بدون ترس از سرانجام آن نقل می‌کردند و چه‌بسا آن‌را به پیامبر اکرم (ص) مستند می‌کردند و دریافت‌کنندگان حدیث به حقیقت حال آنان آگاهی نداشتند و نفهمیدند که اکثر آنان، اهل نفاق‌اند و به گستاخی بر رسول خدا (ص) افترا می‌بندند.

حال مردم، قرن‌ی پس از قرن‌ی دیگر بدین گونه بود و در هر قرن‌ی سرپرستانی راه گم کرده بر آنان ریاست می‌کردند و گاهی بعضی از امامان حق (ع) را در زمره رجال سلسله سند نیز نقل می‌کردند. ولی ائمه (ع) را چون سایر مردم عادی بر می‌شمردند. پناه می‌بریم به خدا از گروهی که محکومات کتاب را حذف کردند و خداوند رب‌الارباب را فراموش نمودند و باب‌هایی غیر از «باب‌الله» را نشان رفتند و غیر خداوند ربوبی را گزین کردند، در حالی که اهل بیت پیامبرشان در بین آنان حضور داشتند؛ همان کسانی که زمامداران به حق بودند و سنت صدق و شجره نبوت و موضع رسالت و محل رفت‌وآمد فرشتگان و جایگاه نزول وحی و گنجینه علم و منادی هدایت و حوائج الهی برای اهل دنیا و خزان اسرار وحی و معادن گوهرهای علم و تأویل، و امینان بر

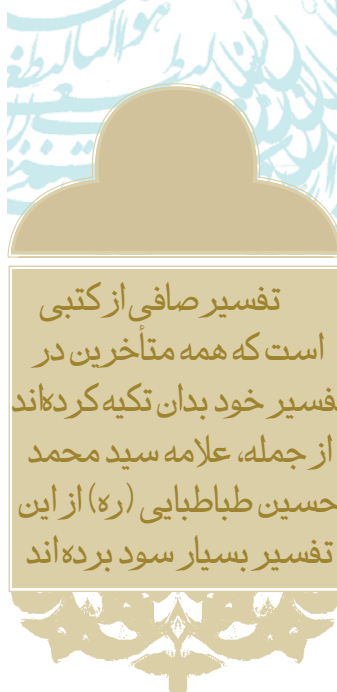
داشته باشد، توضیح دهد [معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۷].

این مقدمات به بحث‌های گران قدری می‌رسد که عبارت‌اند از:

۱. بحثی مبنی بر این که سراسر قرآن در حق خاندان عصمت و نبوت و شیعیان و پیروان آن‌ها و در مذمت دشمنان اهل بیت است.
۲. بحثی در تمسک به قرآن و فضیلت آن.
۳. بحثی در علم قرآن که همگی آن علم، نزد اهل بیت علیهم‌السلام است.
۴. گفتاری در معانی وجوه آیات قرآن و تحقیق و متشابهاً و تأویل آیات.
۵. بحثی در نهی و منع تفسیر به رأی آیات قرآن، و راز این نهی.
۶. گفتارهای قرآن و عدم تحریف و زیاده یا نقصان و تأویل آیات آن.
۷. گفتارهای قرآن مبین برای تمام امور دنیوی و اخروی است.
۸. گفتاری در اقسام آیات و متون و کیفیت تأویل و انواع لغات و قرائات معتبر.
۹. گفتاری در شأن نزول قرآن و تأویل آن.
۱۰. گفتاری در تمثیل قرآن به اهل خود در روز قیامت و شفاعت قرآن از آنان و ثواب حفظ و تلاوت آن.
۱۱. گفتاری در آداب تلاوت قرآن.
۱۲. گفتاری در اصطلاحات و کیفیت تفسیر قرآن [خرمشاهی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۴۲].

دیدگاه مفسر

فیض می‌گوید: «آن چه از تفسیر قرآن به واسطه امامان بزرگوارمان بیان گردیده، با بضاعت اندک و عدم توان دست‌یابی فرد به این صنعت، به میزان استطاعت خویش مطالبی عرضه داشتیم، چرا که مأمور، معذور است و می‌سور با دشواری رها نمی‌شود؛ به‌ویژه آن‌گاه که امری مهم به عهده‌اش واگذار گردد و این امر بس پرمخاطره است. مفسرین گرچه درباره معانی آیات الهی بسیار سخن راندند، اما احدی به ضرس قاطع بر صحت و حقانیت سخن خود مدعی ایفای وظیفه نشده است. چرا که قرآن کریم حاوی ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام، مبین و مبهم، مقطوع و موصول، فرائض و احکام، سنن و آداب، حلال و حرام، عزیمت و رخصت، ظاهر و باطن، حد و مطلع است و کسی نمی‌تواند آن را تشخیص دهد مگر این که قرآن در بیت او نازل شده باشد؛ و او کسی جز پیامبر عظیم‌الشأن اسلام و اهل بیت ایشان (ع) نیست، و هر چه که از بیت ایشان بر نیاید، نمی‌توان بدان تکیه نمود. بی‌تردید اهل بیت و عترت پیامبر (ص)



تفسیر صافی از کتبی است که همه متأخرین در تفسیر خود بدان تکیه کرده‌اند از جمله، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) از این تفسیر بسیار سود برده‌اند

متن عبارات تفسیری بیضاوی استفاده می‌کند و گاه بدون یک کلمه اضافه، همان عبارات بیضاوی را در شرح کلمات و تفسیر آیه می‌آورد [ایازی، ۱۳۷۳: ۵۰۴ و ۱۳۷۸: ۲۰۲؛ معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۷].

گذشته از این، تفسیر صافی یکی از تفاسیر متمایز فرهنگ شیعی به حساب می‌آید زیرا دیدگاه‌های امامیه را به‌طور گسترده شرح داده و به آن‌ها استدلال می‌کند. صاحب تفسیر در قسمتی از مقدمه کتاب خود می‌گوید: «برخی گمان کرده‌اند این روایات، ایهام، تناقض

و تضاد دارد، زیرا در بعضی از نقل‌ها، آیه درباره فضیلت شخصی آمده و در روایتی دیگر همین آیه، درباره فضیلت شخص دیگری. یا در روایتی، معنایی از کلام به گونه‌ای و در روایتی دیگر به معنایی دیگر تفسیر شده است.»

اگر چنین چیزی در روایات است، چنانچه نگوییم قرآن بی‌فایده شده، کم فایده شده است. وی در پاسخ می‌گوید: «این دسته از روایات نه از آن باب است که قرآن در حق انسانی خاص اختصاص یافته و نازل شده است. اگر چنین گفتیم، قرآن را در عده‌ای خاص و برای هدفی محدود تنزل داده‌ایم. قرآن شمول‌نگر و جاودان است و نمی‌تواند به گروه خاصی محدود باشد.»

این بیان از کلام محدث و فیلسوف بزرگی چون «فیض» نقل شد تا رهنمودی باشد برای نقد و بررسی و پالایش احادیث تفسیری و رفع شبهه که مبدا جامعیت و شمول‌نگری قرآن تحت‌الشعاع عقاید فرقه‌ای قرار گیرد [ایازی، ۱۳۷۸: ۲۰۲].

این تفسیر آمیزه‌ای از روایت، درایت، نقل و عقل است و شامل تمام آیات قرآن است. مؤلف در بیان عبارات خود به تفسیر «بیضاوی» عنایت ویژه داشته و غالباً، عبارات خود را از آن برگزیده و سپس متون روایات نقل شده از اهل بیت را ذکر کرده است [ایازی، ۱۳۷۳: ۵۰۲؛ ذهبی، ۱۳۹۶ هـ. ق، ج ۲: ۲۰۷].

تفسیر مذکور علی‌رغم چاپ‌های آن به زبان عربی و شیوه روایی و مشرب عرفانی، از مشهورترین تفسیرهای مختصر شیعی است که با مضامین روایات و احادیث مأثور از ائمه معصومین (ع)، از آغاز سوره «الحمد» تا پایان قرآن، سوره «الناس» را دربر می‌گیرد [خرم‌شاهی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۴۲].

مرحوم فیض در آغاز به تفسیر لغوی آیات پرداخته و در پاره‌ای از موارد اعراب مربوطه را هم بیان کرده و سپس روایات مأثور از اهل بیت (ع) را در تفسیر آیات آورده است. او در نقل احادیث بر تفاسیر قمی و عیاشی و دیگر کتاب‌های معروف

حقایق و خلفای بر خلائق؛ صاحبان امری که مردم به اطاعت آنان و اهل ذکر به سؤال از آنان مأمور شدند. اهل بیتی که خداوند، رجس و پلییدی را از آنان زدود و آنان را پاک و پاکیزه گردانید و آنان را سخنان در علم بودند که تأویل و تفسیر سراسر قرآن نزد آنان بود و با این همه آنان می‌پنداشتند که هدایت شدگان‌اند. انا لله و انا الیه راجعون [فیض کاشانی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۹].

منزلت تفسیر

تفسیر صافی از کتبی است که همه متأخرین در تفسیر خود بدان تکیه کرده‌اند از جمله، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) از این تفسیر بسیار سود برد. وی در تفسیر «المیزان» خود به گفتار مؤلف آن استشهاد نموده است. کسی که در تفسیر المیزان تتبع کند، این حقیقت را به وضوح می‌یابد. این امر بر اهمیت و منزلت تفسیر صافی و اعتماد بر مؤلف آن دلالت دارد [همان، ص ۶].

این تفسیر در مقایسه با تفسیرهای دیگر قرآن مختصر است و در گذشته مورد استقبال علمای حوزه و همواره مورد بهره‌برداری دانش پژوهان قرار گرفته است؛ تا آن‌جا که در دورانی، متن درسی طلاب حوزه علمیه بود [ایازی، ۱۳۷۸: ۲۰۲].

تفسیر صافی، در مجموع از تفاسیر نفیس و ارزشمند و فراگیر است که نزدیک به همه روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در ارتباط با تفسیر و یا تأویل آیات در آن گرد آمده است؛ گرچه در مواردی، مؤلف غث و سمین، و سره و ناسره را به هم آمیخته است [معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۷].

ویژگی تفسیر

تفسیر صافی در برگیرنده شرح بسیار مختصر آیات قرآن کریم است. اطالۀ کلام در آن وجود ندارد، مگر آن‌که در آیه چیزی بیاید که امکان اخذ آن به عنوان شاهی بر صحت اصل یا اصولش بوده باشد و یا دلیلی بر عقیده‌ای از عقایدش و یا دفاعیه‌ای که رأی از آرای مخالفینش را دفع نماید. هم‌چنین آن‌گاه که به شرح قصه‌ای از قصه‌های قرآن کریم و یا غزوه‌ای از غزوات پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد، آن‌را به درازا می‌کشاند [ذهبی، ۱۳۹۶ هـ. ق، ج ۱: ۱۴۹].

ویژگی مهم این تفسیر از دو جهت است:

اول) بهره‌گیری از روایات در تفسیر آیات به شکل گسترده و نقد و ارزیابی این روایات در دلالت بر آیه و جنبه‌های مختلف آن. دوم) استفاده از نکات ادبی و بلاغی. در این زمینه، از

تفاسیر روایی تکیه کرده است [معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۸]. در مقدمه چهارم از مقدمه‌های دوازده‌گانه، جمله‌ای دارد که می‌توان آن را به سبک تفسیرش اضافه کرد. بعضی الفاظ، در لغت معنایی دارد که اگر دقت نکنیم، فکر می‌کنیم معنای آن فقط همان است که در لغت آمده است. غافل از این که آن لفظ روح و معنای عمیقی با چندین مصداق دارد که یکی از آن‌ها در لغت آمده است. مثل کلمه «میزان» که در لغت به «ترازو» معنا شده است، ولی باید گفت: «میزان» به معنای وسیله سنجش است که یکی از مصادیق آن، ترازوست و ترازو خود چند نوع است. بعضی این را قبول ندارند که از هر لفظی این گونه برداشت شود. بلکه می‌گویند این کلمه یک معنای موضوع، له مستعمل را در آن زمان داشته که در کتب لغت نوشته شده است. اما به هر حال، این روش ایشان بوده و خواه و ناخواه در تفسیرش هم دخالت داشته است [استادی، ۱۳۷۷: ۱۵۲].

باید گفت: بهترین تفسیر آن است که مفسر، آیات مربوطه را در یک‌جا فراهم آورد، سپس با دقت آن‌ها را با هم مقایسه کند؛ چرا که بعضی آیات مفسر آیات دیگرند. اگر نتوانست آیه‌ای را با آیه‌ای دیگر تفسیر کند، از سنت یاری جوید؛ چرا که روایات، شارح قرآن‌اند [عک، ۱۴۱۴ هـ.ق: ۸۱]. ما در تفسیر صافی، بهره جستن از روایات معصوم (ع) را در تبیین و تشریح آیات الهی به وضوح مشاهده می‌کنیم.

جلد اول، در صفحه ۸۰ ذیل آیه «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم» [بقره/۷] آمده است: «و سمها بسمه يعرفها من یشاء من ملائکته و اولیائه، اذا نظر الیها بانهم الذین لا یؤمنون. فی العیون عن الرضا علیه السلام، قال: هو الطبع علی قلوب الکفار عقوبه علی کفرهم، کما قال عزوجل: «بل طبع الله علیها بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا» خداوند در دل‌های کافران نشانه‌ای می‌گذارد تا هر یک از فرشتگان و اولیای حق که آن را ببینند، بفهمند که آن‌ها کسانی هستند که ایمان نمی‌آورند. در کتاب «عیون» از حضرت رضا (ع) نقل شده است که آن حضرت می‌فرماید: «ختم» همان «طبع» است که به خاطر عقوبت و تعذیب کافران بر دل آن‌ها زده می‌شود، و این آیه را به استشهاد می‌فرماید: بل طبع الله علیها بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا» [نساء/۱۵۵]. خداوند بر اثر کفرشان دل‌های آنان را مهر کرد، پس جز اندکی ایمان نمی‌آورند [طالقانی، ۱۳۷۷: ۲۴۹].

تکیه مفسرین شیعه بر روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نشان از صحت برداشت و فهم صحیح از آیات قرآن کریم دارد. صاحب صافی نیز مانند سایر دانشمندان شیعی در تبیین و تفسیر آیات به روایات معصومین (ع) تکیه دارد. در جلد اول، صفحه ۸۰ این تفسیر آیه دیگری ذکر شده است که این ادعا را اثبات می‌نماید. «و اما الذین کفروا فیقولون ماذا اراد الله بهذا مثلا ای شیئا اراد به من جهة المثل یضل به کثیرا و یراهن به کثیرا». قیل هو جواب «ماذا»، «ای اضلال کثیر بسبب انکاره و هدایه کثیر من جهة قبوله».

اما کسانی که کافر شدند می‌گویند: خداوند با این مثال چه اراده فرموده است که بر اثر آن، عده زیادی گمراه می‌شوند و با پذیرش آن مثال عده‌ای هدایت می‌گردند. در تفسیر امام (علیه السلام) آمده است: «آن‌هایی که کافر شدند می‌گویند: مثل بی‌مورد و بی‌معنایی است. زیرا اگرچه هدایت شوندگان از آن نفع می‌برند، اما آن‌ها که به وسیله آن گمراه می‌شوند نیز زبان می‌بینند. خداوند سخن آنان را پاسخ داده و می‌فرماید: خداوند بر اثر این مثل، گمراه نمی‌کند، مگر فاسقانی را که از دین خدا خارج شدند و با ترک تأمل و تفکر، بر خویشتن ستم کردند و بر خلاف فرمان حق عمل نمودند. لذا می‌بینیم با بیان کوتاه و ساده مفسرین شیعه - که از مکتب اهل بیت (ع) بهره‌مند شده‌اند - مطالعه کننده، به راحتی به درک مقصود کلام خداوند واقف می‌گردد. بنابراین معلوم می‌شود که جدایی بین قرآن و اهل بیت (ع)، مسلمین را به گمراهی سوق می‌دهد و نجات و هدایت در تمسک به قرآن و اهل بیت (ع) می‌باشد» [طالقانی، ۱۳۷۷: ۲۵۱-۲۵۰].

محمد حسین ذهبی در این مورد می‌گوید: «و آن [تفسیر صافی] کتابی است که صاحب آن قرآن کریم را طبق اصول مذهب امامی اثنا عشری تفسیر می‌کند. مقام و موقعیت آن همانند موقعیت همه کتاب‌های تفسیر در پیشگاه امامیه اثنا عشری است که معتقدند: اهل بیت آگاه‌ترین مردم نسبت به اسرار قرآن و داناترین آنان نسبت به معانی قرآن هستند [ذهبی، ۱۳۹۶ هـ.ق ج ۱: ۱۵۹]. وی در بخشی دیگر از سخنان خود می‌افزاید: مؤلف درک کنندگان قرآن را به حدودی محدود و به قیودی مقید می‌سازد که ارتباط و پیوند قومی با مذهب شیعه دارد؛ آن‌جا که می‌گوید:

درست آن است که گفته شود. کسی که مخلصانه پیرو خداوند و رسولش و اهل بیت (ع) باشد و علمش را از آنان دریافت کند و از آنان تبعیت نماید، به برخی از اسرار آن‌ها آگاهی می‌یابد، به گونه‌ای که رسوخ در علم و وقار در معرفت برای وی حاصل شده باشد، در قلبش آبشخوری گشوده شود و با روح یقین ارتباط مستقیم پیدا کند. پس برای او جایز است که از برخی از غرائب قرآن بهره‌برد و بعضی از عجایب آن را استنباط نماید [همان، ج ۲، ص ۱۵۲].

اما آن‌گونه که ذهبی می‌اندیشد نیست. سخنان نیش‌دار ذهبی درباره فیض حاکی از تعصب بی‌معنایی است که او درباره فیض دارد که صاحب صافی حقیقتاً به آن اعتقاد ندارد. فیض، شخصیتی اندیشمند و متفکری با درایت است که برای تبیین سیمای آیات الهی به

نتیجه گیری

توجه عمیق به کیفیت تفسیر صافی ما را به این نکته رهنمون می‌شود که این تفسیر، علاوه بر این که تفسیری نقلی است، از خصوصیات و ویژگی‌های تفاسیر لغوی، عقلی و عرفانی نیز برخوردار است. چرا که مفسر در ارائه دیدگاه‌ها و نگرش‌های تفسیری خود به همه این جنبه‌ها و جهات توجه و عنایت دارد. این تفسیر از جمله تفاسیری است که بسیاری از علمای عامه نیز در کتب تفسیری خود از آن یاد کرده‌اند؛ به ویژه ذهبی که حدود ۴۰ صفحه از کتاب «التفسیر و المفسرون» خود را به اندیشه‌های این مرد بزرگ و به ویژه تفسیرش اختصاص داده است. شایسته است رهپویان حقیقت و فرزندگان واقعی مکتب به دیدگاه‌های ذهبی پاسخی منطقی و استدلالی ارائه دهند.

تمامی جوانب امر نظر دارد؛ کما این که ذهبی نیز گاهی به بیان واقعیات می‌پردازد. ذهبی بر خلاف لحن‌های سخت و تندش علیه فیض، از زبان او این گونه نقل می‌کند: «هر آن چه از آیات را که تفسیر، برای فهم مقصود به معانی آن نیازمند است و یا به تأویلی که در محل مشابه آن آمده یا به معرفت سبب نزول، که فهم آن متوقف بر آن است، و یا شناخت نسخ یا تخصیص یا صفتی دیگر در آن و آن چه را که به عنوان شاهی از آیات محکم یافتیم که بر آن دلالت دارد، ذکر کردیم، چرا که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند. ما از سوی ائمه (ع) مأموریم که مشابهات قرآن را به محکمت آن برگردانیم. اگر موفق شویم، حدیث موثق از اهل بیت (ع) را از کتابی معتبر از طریق اصحاب ما (رضوان الله علیهم) بیابیم، ذکر می‌نماییم، و گرنه آن چه را که از طریق عامه از ائمه (ع) نقل گردیده است، می‌آوریم. اگر هم به حدیثی از اهل بیت (ع) موفق نشویم، آن را از آن چه که از غیر ائمه یعنی از علمای تفسیر به ما رسیده است، نقل می‌کنیم؛ به شرطی که با قرآن و محتوای آن هماهنگ باشد. پس اگر از جهت استناد به آن تکیه نمی‌کنیم، می‌توانیم از جهت هماهنگی با احادیث شیعه به آن اعتماد نماییم.

رسول خدا (ص) فرمود: بر هر حقیقی، حقیقتی است و بر هر چیز درستی، نوری است. پس آن چه را که با قرآن موافق است بگیر و آن چه را که مخالف با قرآن است، نپذیر. امام کاظم (ع) فرمود: «هرگاه دو حدیث مخالف دیدی آن‌ها را با کتاب خدا و احادیث ما مقایسه کن. اگر همانند بود، حق و اگر نبود باطل است.»

و آن چه که در آن (موضوع) از اخبار فراوان آمده، اگر زیاد اختلاف نداشتند، به آن چه که جمع بین آن‌ها باشد اکتفا می‌کنیم و بقیه را از جهت اختصار و حفظ از اکثار ترک می‌کنیم. و اگر احادیث مختلف زیاد بود، صحیح‌ترین، نیکوترین و سودمندترین آن‌ها را نقل می‌نماییم. سپس تا آن اندازه که توانستیم به موضع اختلاف اشاره می‌کنیم و آن چه را که جز به شرح واژه و مفهوم و نکات متعلق به علوم نیاز نداشت و از معصوم (ع) نیز در اختیار نبود، از مفسرین نقل می‌کنیم؛ البته مفسری که تفسیرش نیکوتر و بیانش خلاصه‌تر و محکم‌تر باشد؛ هر کسی که باشد [همان، ص ۱۹۵].

بینش عمیق ملامحسن و اشاره صریح وی به روش تفسیر آیات الهی که از زبان ذهبی نقل شد، حکایت از حریت و آزادگی وی در فهم و تبیین و تشریح کلام خدا دارد؛ در عین حال که وی شخصیتی است که به عظمت و شأن علمی و پرهیزگاری او در مطلع کلام اشاره شده است.

- منابع
۱. آقابزرگ طهرانی. الذریعه الی تصانیف الشیعه. دارالکتب العلمیه. قم. ۱۳۴۳.
 ۲. استادی، رضا. آشنایی با تفاسیر قرآن مجید. مؤسسه در راه حق. ۱۳۷۷.
 ۳. امینی، الغدیر. مؤسسه اعلمی للمطبوعات. بیروت (لبنان). ۱۴۱۴ هـ. ق. ۱۹۹۴ م.
 ۴. ایازی، سید محمد علی. شناخت‌نامه تفسیر. انتشارات کتاب مبین. ۱۳۷۸.
 ۵. المفسرون حیاتهم و منهجهم. مؤسسه الطباعة و النشر. ۱۳۷۳.
 ۶. بحرانی، یوسف ابن احمد. لؤلؤه البحرین. مؤسسه آل البیت (ع). قم. چاپ دوم. [ابی تا]
 ۷. حر عاملی. محمد بن حسن. امل الآمال. دارالکتاب الاسلامی قم. تهران. ۱۳۶۲.
 ۸. خرمشاهی، بهاء الدین؛ صدر حاج سید جوادی، احمد؛ فانی، کامران و یوسفی اشکوری، حسن. دائره المعارف تشیع. زیر نظر بنیاد خیریه و فرهنگی شط. تهران. ۱۳۷۳.
 ۹. خوانساری، محمدباقر. روضات الجنات. چاپخانه مهر استوار. قم. [ابی تا].
 ۱۰. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. الدار الاسلامیه. بیروت. ۱۴۱۱ هـ. ق.
 ۱۱. ذهبی، محمدحسین. التفسیر و المفسرون. دارالکتب الحدیثه. چاپ دوم. ۱۳۹۶ هـ. ق. / ۱۹۷۶ م.
 ۱۲. زرکلی، خیرالدین. الاعلام. دارالعلم للملایین. بیروت (لبنان). ۱۹۹۲ م.
 ۱۳. طالقانی، سید عبدالوهاب. تاریخ تفسیر. انتشارات نبوت. تهران. ۱۳۷۷.
 ۱۴. طاهر، محمد. نیل السائرین فی طبقات المفسرین. مرکز اشاعه التوحید و السنه. پاکستان. [ابی تا].
 ۱۵. عک، خالد الرحمن. اصول التفسیر و قواعد. دارالنفائس، بیروت (لبنان). ۱۴۱۴ هـ. ش.
 ۱۶. فیض کاشانی، ملا محسن. التفسیر الصافی. انتشارات مکتبه الصدر. تهران. ۱۴۱۶ هـ. ق. / ۱۳۷۴ هـ. ش.
 ۱۷. معرفت، محمدهادی. تفسیر و مفسران. مؤسسه فرهنگی التمهید. قم. ۱۳۸۰.
 ۱۸. نویض، عادل. معجم المفسرین من صدر الاسلام الی العصر الحاضر. مؤسسه فرهنگی نویض. ۱۴۰۴ هـ. ق. / ۱۹۸۸ م.



محمود جهان‌دیده
دبیر دبیرستان های اردبیل

در اوصاف

رستخیزی تازه در دل‌ها کند، قرآن حق
عالم و آدم شود مهمان، کنار خوان حق
هم عبادات و عقود و حکم و هم ایقاع او
شاخه‌های فقه دین را خوب بنما جست‌وجو
شرح آن‌ها این چنین مکتوب تفسیر عظام
در کتاب خمس و صوم و اعتکافات همام
هم زکات و هم صلوه و هم طهارت، زان رسد
هم جهاد و امر و نهی از باغ فیضش می‌دمد
موضع اتقان آن، قاطع، متین و محکم است
موضعش در بحث‌ها، میزان، برای عالم است
آسمان‌ها و زمین از قدرت حق برقرار
با ستون‌هایی که نامرئی، ز چشم روزگار
او زمین را مرکب رامی برای خلق داد
هور و ماه و ارض را قانون گردیدن نهاد
هم مشارق هم مغارب، هم جبال و هم بحور
متجلی در ذکر او در آیه‌های ناب نور
کی شود سیراب، جان‌ها از کلام دلکشش
عقل بفزاید ز آهنگ و بیانات خوشش

قرآن کریم

نقص و مهمل جای، در قرآن ندارد این بدان
با وضو در محضر قرآن حق، لختی بمان
هم گل باغ طهارت از کلامش می‌دمد
هم امید تازه از گلزار پیغامش رسد
آیه‌هایش می‌دهد اندیشه‌ها را عطر ناب
پاک می‌سازد همه اندیشه‌ها را از سراب
می‌کند صحرای جان را آشنای بحر خود
کوچه زار دل، نماید آشنای شهر خود
عقل پست ژرفنای بحر بی‌پایان او
کوه مست و ناتوان، در عشقزار ناب او
بارش باران رحمت، صدر آیاتش وفور
گرد غم‌ها و گناهان را بشوید از صدور
خود کند یاریگرش یاری، خدای مهربان
علم او تغییر نپذیرد، خلاقی نی در آن
جان عالم را جهان نور حق، احیا نمود
عالمی دیگر، میان خانه‌ها بر پا نمود
ای «جهان‌دیده» کنار سفره ایزد نشین
بخت زیبای سبکباران به آیاتش ببین

تصویرگر: مرجان اندرودی

سوال‌های
پاسخ‌های جاری

بایسته‌های پاسخگویی به پرسشهای دینی و قرآنی کودکان و نوجوانان

حجت الاسلام و المسلمین غلامرضا حیدری ابهری



اشاره

زمانی که کودکان و نوجوانان نزد ما می آیند و سؤال هایی درباره مفاهیم و معارف دینی و قرآنی می پرسند، فرصتی پیش می آید تا با استفاده از میل درونی این گروه، آنان را یک گام به هدف زندگی و قدمی دیگر به قله کمال نزدیک سازیم. به راستی باید لحظه ای را که فرزندان یا شاگردان ما پرسشی مطرح می سازند، غنیمت شمرد. چون خود آنان آغازگر گفت و گو بوده اند، آمادگی بیشتری برای شنیدن دارند و پاسخ گویی ما به عنوان یک برنامه آموزشی- تربیتی، مؤثرتر، راحت تر و طبیعی تر پیش خواهد رفت.

این جانب که به لطف پروردگار چندین سال توفیق داشته ام که پاسخ گوی پرسش های کتبی و شفاهی کودکان و نوجوانان باشم، به تجربه های گران قدری در این باره رسیده ام که برخی از آن ها را تقدیم شما خوانندگان گرامی مجله رشد آموزش قرآن می نمایم. امیدوارم با راهنمایی شما عزیزان، این نوشتار کامل تر شود و در آینده ای نه چندان دور، به شکل اثری مستقل در مسیر نشر قرار گیرد.

شرح تفصیلی نکاتی که هنگام پاسخ گویی باید مورد توجه قرار داد، به امکانی بیش از یک مقاله نیاز دارد و ان شاء الله در نوشته های جداگانه ای تقدیم خانواده ها و مربیان می شود. در این جا تنها مهم ترین موارد را در قالب ۱۴ نکته تقدیم می کنیم:

کلید واژه ها: پرسش ها، دینی و قرآن، نوجوانان، پاسخ گویی

گوش سپردن هشیارانه به پرسش ها

هرگز از شنیدن پرسش فرزند یا شاگرد خود احساس رنجش نکنید. حتی زمانی که جواب سؤال او را نمی دانید، از گوش دادن به پرسش او طفره نروید. شنیدن سؤالش نوعی احترام به او شمرده می شود و بی اعتنائی به آن، ناراحتی اش را در پی دارد. افزون بر این، توجه به سخنان پرسشگر، از فشار روانی حاصل از پرسش که بر دل او سنگینی می کند، می کاهد. وقتی شما به پرسش کسی گوش می کنید، اگر جوابی هم به او ندهید، دست کم در

تحمل آن پرسش، شریک وی شده اید. بسیاری از کودکان و نوجوانان و گاهی برخی از بزرگسالان به دنبال کسی می گردند که سؤال هایشان را با وی در میان بگذارند. البته شاید به جواب سؤالشان هم نرسند، ولی از دغدغه روانی خود می کاهند.

پس به پرسش های کودکان و نوجوانان خوب گوش کنید و هنگام طرح سؤال از سوی آنان، چهره درهم نکشید. گوش دادن به پرسش های کودکان و نوجوانان، شما را با روحیه و افکار آنان و مسائلی که پیش رو دارند، آشنا می سازد و در برنامه ریزی درست تربیتی و تأمین نیازهای علمی و اخلاقی این گروه یاری تان می کند.

آیا می دانید بسیاری از احادیث اهل بیت (ع) در زمینه پرسش هایی است که از آن بزرگواران شده است؟ این نکته، نشانه و دلیل محکمی برای توجه آن بزرگواران به پرسش های همه اقشار جامعه است. سوره توحید که یکی از مهم ترین سوره های قرآن است و پاداش تلاوت آن با تلاوت ثلث قرآن برابر است و در پاسخ به پرسش یهودیان درباره خدا نازل شده است. بنابراین، پرسیدن و پاسخ گو بودن، روشی الهی و سنت خاندان پیامبر (ص) بوده است. با این حال، آیا نباید به پرسش های دینی و قرآنی فرزندانمان اهتمام ویژه داشته باشیم؟

درک دقیق پرسش

پیش از پاسخ گویی به پرسش فرزند یا شاگردتان، به طور دقیق حوزه پرسش او و ماهیت آن را مشخص کنید. برای این کار، با طرح چند پرسش می توانید به خوبی دریابید که سؤال اصلی وی چیست. مثلاً اگر نوجوانی از شما بپرسد: «برای آشنایی با قرآن چه کار باید بکنیم؟» برای پاسخ گویی درست، باید به طور دقیق بدانید که منظور او از آشنایی با قرآن، آشنایی با روحانی آن است یا آشنایی با تجوید قرآن یا ترجمه و تفسیر آن. در این گونه موارد بهتر است از خودش کمک بگیرید و با چند پرسش خیلی دقیق، چیستی پرسش او را مشخص سازید. درک دقیق پرسش، کار پاسخ گویی را آسان می سازد و مخاطب شما را نسبت به پاسخی که ارائه می دهید، مطمئن تر می کند.

سوره توحید که یکی از مهم ترین سوره های قرآن است و پاداش تلاوت آن با تلاوت ثلث قرآن برابر است، احتمالاً در پاسخ به پرسش یهودیان درباره خدا نازل شده است

پاسخ «نمی‌دانم»

هنگامی که پاسخ پرسشی را نمی‌دانید، از گفتن عبارت بسیار ارزشمند و عالمانه «نمی‌دانم» خجالت نکشید. در حدیثی از امام علی(ع) آمده است: «و لا یستحیی احدکم اذا سئل عما یعلم ان یقول: لا اعلم». اگر از شما سؤالی پرسیده شد که جوابش را ندانستید، هیچ کدامتان از گفتن «نمی‌دانم» شرم نکنند. بی‌گمان ما در همه زمینه‌ها و مسائل نمی‌توانیم پاسخ‌گوی پرسش‌های کودکان و نوجوانان باشیم. باید به آنان بیاموزیم که دانش، بسیار گسترده و بی‌کران است و هر انسانی، تنها به بخشی از گنج علم و دانش دسترسی دارد. در عین حال باید آنان را مطمئن کنیم که برای اغلب سؤال‌ها، جوابی روشن و آماده وجود دارد که نزد متخصصان آن موضوع است.

گفتن «نمی‌دانم» نه تنها جایگاه علمی شما را نزد کودکان و نوجوانان پایین نمی‌آورد، بلکه اگر با رعایت دیگر بایسته‌های پاسخ‌گویی همراه باشد، باعث می‌شود که آنان شما را فردی فکور و فرهیخته بدانند و تواضع و فروتنی را از شما بیاموزند.

حضرت صادق(ع) روایت است که: «ان من اجاب فی کل ما یسال عنه المجنون»: کسی که درباره هرچه از او می‌پرسند جواب می‌دهد، مجنون است.

شک نکنید که پرسشگر نیز به مرور زمان خواهد دانست که گفتن «نمی‌دانم» ناشی از عقل و درایت شماسست و هرگز آن را دلیلی بر ضعف اطلاعات شما نخواهد شمرد. چنانچه امیرمؤمنان(ع) فرمود: «قول لا اعلم نصف العلم»: این که بگویی نمی‌دانم، نیمی از دانش است.

درنگ در پاسخ‌گویی

کودکان و نوجوانان به دلایل بسیاری مانند خجالت کشیدن، ترس از واکنش بزرگ‌ترها و مهارت نداشتن در بیان پرسش‌ها، خیلی وقت‌ها نمی‌توانند سریع و راحت پرسش خود را با شما درمیان بگذارند و مجبور می‌شوند برای توضیح سؤال خود بارها مکث کنند. مبادا پس از شنیدن بخشی

از پرسش او، کار پاسخ‌گویی را آغاز کنید! شاید گاهی به‌طور کامل بدانید که آنان چه پرسشی را مطرح خواهند کرد، اما حوصله کنید تا پرسش خود را به‌طور مفصل بیان دارند. این کار شما، گذشته از این که نوعی احترام به آنان شمرده می‌شود، آمادگی روحی‌شان را برای دریافت پاسخ بیشتر می‌کند و اعتماد آن‌ها را به شما و پاسختان افزایش می‌دهد. در حدیثی از حضرت صادق(ع) می‌خوانیم: «من اخلاق الجاهل الاجابه قبل ان یسمع»: از اخلاق فرد نادان آن است که پیش از شنیدن سؤال، جواب می‌دهد.

درضمن، کمی مکث پس از شنیدن سؤال، آمادگی و شوق مخاطب را برای دریافت جواب و آمادگی شما را برای ارائه پاسخی منطقی بالا می‌برد. پس در ارائه پاسخ عجله نکنید. در حدیثی از امام علی(ع) آمده است: «من اسرع فی الجواب، لم یدرک الجواب»: کسی که در پاسخ‌گویی شتاب کند، به پاسخ درست دست نمی‌یابد.

دوری از رفتارها و پاسخ‌های اضطراب‌آلود

بسیاری از پدران و مادران هنگامی که می‌بینند فرزندشان درباره خدا، قیامت، نبوت، امامت و نزول قرآن پرسش‌هایی مطرح می‌کنند، سخت نگران ایمانش می‌شوند و چون علاقه زیادی به او دارند، دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند. آن‌گاه به گمان خودشان برای حفظ ایمان فرزند خود، با برخوردی تند، وی را به ایمان داشتن دعوت می‌کنند. باید توجه داشت که طرح این گونه پرسش‌ها از سوی کودکان و نوجوانان، گامی است که آنان به سوی ایمان کامل‌تر و یقینی استوارتر برمی‌دارند. این گونه پرسش‌ها نشانه کمال جویی فرزند شما و خداخواهی اوست. اگر او سؤال خود را با شما درمیان می‌گذارد، برای آن است که برای رسیدن به ایمانی بهتر یاری‌اش دهید. اما اگر

شما مضطرب شوید، این اضطراب به وی انتقال می‌یابد و احتمال دارد که برای همیشه، او را از طرح سؤال‌هایی از این دست، منصرف سازد. در نتیجه چنین وضعیتی سؤال‌های خود را در دل پنهان خواهد کرد و خدای ناکرده یکباره به نتایج غلطی خواهد رسید. از این گذشته، اضطراب و سراسیمگی باعث خواهد شد که

از حضرت صادق(ع) روایت است که: «ان من اجاب فی کل ما یسال عنه المجنون»: کسی که درباره هرچه از او می‌پرسند جواب می‌دهد، مجنون است

شما با جواب‌های پی‌درپی و پاسخ‌های بهم‌ریخته و دسته‌بندی‌نشده، ذهن فرزندان را آشفته کنید. هرگز نیز او را به پاسخ درست نخواهید رساند. در حدیثی از امیرمؤمنان می‌خوانیم: «اذا از دحم الجواب، خفی الصواب»: هنگامی که پاسخ‌ها زیاد و درهم شوند، حق مخفی می‌ماند.

همان گونه که خدای حکیم هدایتگر، بذر ایمان را در دل شما کاشت و آن را به نهالی تنومند تبدیل کرد، فرزند شما را نیز ان شاء الله به ایمانی پابرجا و استوار خواهد رساند. البته این سخنان هرگز به معنی توصیه به بی‌توجهی و مراقبت نکردن نیست، بلکه هشدار به کسانی است که به خاطر نگرانی از خطای فکری فرزند خود، دقیقاً در جهتی حرکت می‌کنند که خدای ناکرده سرانجام آن، انحراف فرزندشان است.

همان گونه که از امام علی (ع) شنیدید، پاسخ‌های زیاد و بهم‌ریخته، حق را از چشمان ما پنهان می‌سازد. به ظرفیت ذهنی فرزندان به‌طور کامل توجه کنید و پاسخی کوتاه و در عین حال، دسته‌بندی‌شده و منظم ارائه دهید. در تاریخ آمده است که وقتی پیامبر اعظم (ص) سخن می‌گفت، بیان کلماتش با فاصله بود و اگر کسی می‌خواست می‌توانست آن کلمات را بشمارد و سخن آن حضرت را به خاطر بسپارد. چه خوب است که ما نیز از این شیوهٔ پیامبر (ص) پیروی کنیم و پاسخ صحیح خود را در قالب جملاتی متین و شمرده ارائه دهیم.

پاسخ نگفتن هنگام دل‌مشغولی

پدر، مادر، معلم و مربی مانند دیگر انسان‌ها، همیشه از نشاط روحی و آمادگی برای گفت‌وگوهای ثمربخش برخوردار نیستند. شاید زمانی که آنان با پرسش روبه‌رو می‌شوند، دچار سردرد باشند و یا به خاطر یک مشکل کاری، حوصلهٔ گفت‌وگوی مؤثر با پرسشگر را نداشته باشند. در این وضعیت بهتر است به جای طرح پاسخ‌های نیپخته و شتاب‌زده، محترمانه و دوستانه از پرسشگر بخواهند که در زمان دیگری سؤالش را مطرح کند. اگر او هم فراموش کرد سؤالش را بپرسد، آنان پیش‌قدم شوند و از

وی بخواهند که سؤال خود را مطرح کند.

امیرمؤمنان علی (ع) حتی فردی را که کفشش تنگ است و به همین دلیل آزرده‌خاطر است، از داشتن فکر و نظر درست محروم می‌داند. زمانی که تنگ بودن کفش، آدمی را از ارائهٔ نظر درست محروم می‌سازد، تکلیف پاسخ‌هایی که در زمان سردرد، بی‌حوصلگی و ناراحتی ارائه می‌شوند، روشن است.

بازگویی پرسش با زبان ساده

در صورت نیاز، مناسب است که پرسش فرزند یا شاگرد خود را یک‌بار با ادبیات خودمان برای او تکرار کنیم. این کار، هم نوعی همراهی با پرسشگر به‌شمار می‌آید و هم او را برای شنیدن دقیق پاسخ آماده می‌سازد.

درضمن، با این کار شیوهٔ درست طرح پرسش را نیز به او می‌آموزیم. رسول خدا (ص) فرمودند: «حسن السؤال نصف العلم»: خوب پرسیدن، نیمی از دانش است. بر این اساس وقتی درست پرسیدن را به پرسشگر خود می‌آموزیم، او را از نصف دانش بهره‌مند ساخته و نیمی از راه کسب علم را برایش هموار کرده‌ایم. سپس با پاسخ درست و دقیق، نیم دیگر علم را به او می‌آموزیم.

پاسخ‌گویی پس از اندیشه و مطالعه

اگر برای پاسخ‌گویی شایسته به زمان نیاز دارید تا فکر یا مطالعه کنید و می‌توانید در فرصتی دیگر پاسخ بهتر و دقیق‌تری ارائه کنید، از مخاطب خود بخواهید که در زمانی دیگر، دوباره پرسش خود را مطرح سازد. جواب ندادن به سؤال، از ارائهٔ پاسخ‌های سست و سطحی به مراتب بهتر است. همان گونه که پیش از این نیز گفتیم، سراسیمگی در مواجهه با پرسش‌های اعتقادی، باعث خطاهای گوناگون در پاسخ‌گویی خواهد شد و بر مشکلات فکری کودکان و نوجوانان خواهد افزود.

این احساس که: «اگر من الان جواب ندهم، او گمراه خواهد شد»، باعث عرضهٔ پاسخ‌های ضعیف و تشویش‌آور می‌شود. البته ارائهٔ برخی مقدمات و برخی توضیحات تا زمان عرضهٔ پاسخ بهتر، اشکالی ندارد، ولی

اگر برای پاسخ‌گویی شایسته به زمان نیاز دارید تا فکر یا مطالعه کنید از مخاطب خود بخواهید تا زمان مناسب تری پاسخ خود را دریافت کند

نگران‌اند و بیم دارند که نتوانند به پرسش‌های بعدی آنان پاسخ دهند، جوابی را که می‌دانند نیز مطرح نمی‌سازند. شما اطلاعات مفید خود را به پرسشگرتان منتقل کنید و اگر با سؤال‌های دشوارتری روبه‌رو شدید، او را به افراد مطلع دیگری ارجاع دهید. و یا پس از پیدا کردن پاسخ در فرصت دیگری به گفت‌وگو با وی بپردازید.

حاصل تجربه ده‌ها مورد گفت‌وگو با کودکان و نوجوانان آن است که بچه‌ها با چند جمله کوتاه درست و مهربانانه، قانع می‌شوند و تا پدید آمدن پرسشی دیگر آرامش می‌یابند. البته تأکید می‌کنم، جوابی که ارائه می‌دهید، باید درست و در عین حال روشن و دور از پیچیدگی باشد. رسول خدا(ص) فرموده‌اند: «ما گروه پیامبران، فرمان گرفته‌ایم که با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن بگوییم.» پاسخ خود را با درک ظرفیت ذهنی کودکان، ارائه کنید و بدانید که اگر مثال‌ها و استدلال‌های شما در حد توان عقلی آنان باشد، در بیشتر موارد، پاسختان را می‌پذیرند.

بیان سابقه پرسش

اگر پرسش مطرح‌شده سابقه دارد، به پرسشگر خود یادآور شویم که پرسش تو یکی از سؤال‌های مطرح‌شده در

اگر با یک مطالعه، پاسخ بهتر و جامع‌تری می‌توان ارائه داد، در پاسخ‌گویی شتاب نکنید. رسول خدا(ص) فرموده‌اند: «درنگ از خدا و شتابکاری از شیطان است.» عمل به این حدیث شریف، در کار پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذهبی کودکان و نوجوانان ضروری‌تر و مهم‌تر است.

پاسخ‌گویی شجاعانه

ذهن بزرگ‌ترها پیچیده و تودرتو است، اما ذهن کودکان و نوجوانان این‌گونه نیست. برخی از ترس این‌که مبدا پس از پاسخ‌گویی به سؤال‌های کودکان یا پرسش‌های پیچیده‌تری روبه‌رو شوند، از ارائه پاسخی که می‌دانند نیز صرف‌نظر می‌کنند. مثلاً وقتی کودکی می‌پرسد: «آیا جن وجود دارد یا نه؟» بزرگ‌تر از پاسخ دادن طفره می‌روند. زیرا می‌ترسند که پس از جواب دادن به این پرسش، با پرسش‌های پیچیده‌ای درباره شکل و شمایل، و حال و وضعیت جن روبه‌رو شوند؛ البته این یک فرض بزرگسالانه درباره پرسش‌های ساده کودکان است.

من یقین دارم که بسیاری از پدران، مادران، معلمان و مربیان، از عهده پاسخ‌گویی به پرسش‌های کودکان و نوجوانان برمی‌آیند، ولی چون از ادامه پرسش و پاسخ



بعضی از بچه‌ها فکر می‌کنند که مسئله ذهنی‌شان تنها برای آن‌ها مطرح شده است و دانشمندان علوم اسلامی تجربه جواب‌گویی به آنان را ندارند. همین پندار باعث اضطراب آنان می‌شود

این زمینه است مثلاً می‌توانیم بگوییم که نوجوانان زیادی تاکنون از من و همکارانم پرسیده‌اند، که چرا قرآن به زبان عربی است؟»

بعضی از بچه‌ها فکر می‌کنند که مسئله ذهنی‌شان تنها برای آن‌ها مطرح شده است و دانشمندان علوم اسلامی تجربه جواب‌گویی به آنان را ندارند. همین پندار باعث اضطراب آنان می‌شود. اگر پرسشگران بفهمند که در این راه، هم‌سفران و همراهان بسیاری داشته و دارند، فشار این‌گونه پرسش‌ها را راحت‌تر تحمل می‌کنند. به قول معروف: «البلیه اذا عمت طابت»: بلا وقتی عمومی شد، گوارا می‌گردد.

یادآوری پاسخ‌های گوناگون

اگر یک پرسش، پاسخ‌های گوناگونی دارد، بهتر است این نکته را به پرسشگرمان یادآور شویم؛ البته نیاز نیست که ما همه پاسخ‌ها را ارائه دهیم. در این‌گونه موارد باید پاسخی عرضه کنیم که به ذهن مخاطب نزدیک‌تر و با ظرفیت علمی او متناسب باشد. در عین حال باید به وی گوشزد کنیم که این سؤال، چندین جواب دارد. مثلاً اگر دختری پرسید: چرا حضرت علی(ع) سخنانی در نکوهش زنان بیان فرموده است، می‌توانیم پاسخ آیت‌الله جوادی آملی را ارائه کنیم که می‌فرماید: «این حدیث درباره زنان همان دوران است که به خاطر نظام جاهلیت و ظلم مردان، از آموزش و رشد علمی و عقلی محروم بوده‌اند و منظور از این‌گونه احادیث، جنس زن نیست.» یعنی این احادیث به یک قطعه خاص از تاریخ اشاره دارند که بر اثر سنت‌های غلط جاهلی، زنان از کمترین حقوق انسانی خود محروم بودند و نمی‌توانستند در مسیر رشد و کمال حرکت کنند. در نتیجه نمی‌توان این احادیث را به دیگر مقاطع تاریخ و زنان دیگر دوران‌ها تسری داد.

هم‌چنین می‌توانیم پاسخ علامه شهید مرتضی مطهری را بیان کنیم که می‌فرماید: «این‌گونه احادیث بیانگر نسبت عقل و احساس در زنان و مردان است. به این معنا که زنان، به خاطر بر دوش کشیدن مسئولیت تربیت فرزندان، از عواطف بیشتری برخوردارند و مردان که عهده‌دار اداره خانواده و اقتصاد خانواده‌اند، قدرت تدبیر و برنامه‌ریزی بیشتری در این امور دارند. پس نباید چنین احادیثی را مذمت زنان شمرد، بلکه باید آن‌ها را توصیف احساسات و عواطف زن‌ها تلقی کرد.»

اگر درک پاسخ نخست برای مخاطب شما آسان‌تر است، آن را بیان کنید، ولی به وی یادآور شوید که جواب‌های

دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. با این کار، وی درمی‌یابد که حتی اگر پاسخ شما را نپذیرد، بالاخره این سؤال جواب دارد و سؤال بی‌جوابی نیست.

ارجاع به منابع معتبر

در برخی موارد، سعی کنیم پاسخ را از روی منابعی که در اختیار داریم، به پرسشگرمان ارائه دهیم. مثلاً اگر او پرسید: «فرستادن صلوات بر پیامبر هنگام شنیدن نام آن حضرت، واجب است یا مستحب؟» مسئله ۱۱۲۴ رساله را بیاورید و از روی کتاب برای او بخوانید که: «هر وقت انسان نام مبارک رسول‌الله(ص) را بگوید یا بشنود، مستحب است صلوات بفرستد.»

این نوع پاسخ دادن سه فایده دارد: اول، وی را به پاسخی که شما بیان می‌دارید، مطمئن می‌سازد.

دوم، شما راه پیدا کردن برخی پاسخ‌ها را نیز به وی می‌آموزید و به قول معروف به جای دادن ماهی، ماهی‌گیری را به وی یاد می‌دهید.

سوم، منابع معتبر را هم به او معرفی می‌کنید. البته ارجاع دادن به کتاب‌های معتبر هنگامی که زمان کافی برای پاسخ‌گویی ندارید، بسیار لازم است.

پاسخ‌گویی صمیمانه

هرگونه گفت‌وگویی آن‌گاه به ثمر می‌نشیند که شما با مخاطب خود ارتباط برقرار کنید و در فضایی صمیمی حرف‌های یکدیگر را بشنوید. این موضوع در مورد کودکان و نوجوانان، به‌ویژه زمانی که آنان پرسشی مطرح می‌سازند، اهمیت بیشتری می‌یابد. امیرمؤمنان علی(ع) در نامه ۳۱ «تهج البلاغه»، فرزند سی و چند ساله خود را با عبارت «یا بنی» (ای پسر) خطاب قرار می‌دهد و قبل از طرح دیگر مسائل، او را این‌گونه از عواطف خود بهره‌مند می‌سازد: «تو را دیدم که پاره‌ای از من هستی، بلکه دانستم که مرا همه جان و تنی. چنان‌که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده و اگر مرگ به‌سر وقت آید، رشته زندگی مرا بریده. پس کار تو را چون کار خود شمردم و این اندرزها را به تو راندم تا تو را پشتیبانی بود.»

در همین نامه، امام(ع) بیش از ۱۰ بار فرزندش را با عبارت «بنی» (پسر) خطاب قرار می‌دهد که نشان از اهمیت ارتباط عاطفی در زمان گفت‌وگوی مؤثر دارد.

روزی رسول
خدا(ص) در حال
سخنرانی بودند
که دیدند یکی از
حاضران زیر آفتاب
است؛ پیامبر(ص) از او
خواستند که به سایه برود

این شوخی، سؤال مرا گوش کردند و پاسخ دادند.»

البته در پاسخ‌گویی کتبی از روش‌های دیگری می‌توان بهره گرفت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

(الف) استفاده از نام پرسشگر: مثلاً می‌توان گفت: «آقا مهدی! آیا تا به حال درباره معنای نام خودت فکر کرده‌ای؟ آیا می‌دانی کلمه مهدی به چه معناست؟

مهدی به معنی هدایت‌شده است. مهدی یعنی کسی که راه درست را پیدا کرده و به هدایت رسیده است. قرآن هم کتاب هدایت است. یعنی راه درست زندگی کردن را به ما می‌آموزد. پس چه خوب است تو هم که نامت مهدی است، با کتاب هدایت بیشتر آشنا شوی. اگر خوب قرآن را یاد بگیری و به آیه‌های آن عمل کنی، آن وقت نام مهدی (هدایت‌یافته) برای تو زینده‌تر و شایسته‌تر است.»

(ب) استفاده از نام شهر: مثلاً اگر پرسشگر اهل شهر ری است می‌توان گفت: «آن‌شاءالله در پناه خدا سالم و سربلند باشی و در کنار حرم حضرت عبدالعظیم برای من و همکارانم نیز دعا کنی. امیدوارم قدر سرزمینی را که در آن زندگی می‌کنی، بدانی.»

شهری، یکی از بزرگ‌ترین مراکز علوم اسلامی در قرن‌های گذشته بوده و عالمان بسیاری را در خود پرورش داده است. هم‌چنین، مزار مقبره بسیاری از بزرگان دین و معنویت در شهری قرار دارد. شیخ صدوق، ابوالفتح رازی، ملاعلی کنی، رجبعلی خیاط و آیت‌الله شاه‌آبادی- استاد امام خمینی(ره)- از جمله بزرگانی هستند که در شهری به خاک سپرده شده‌اند.

شهر شما هم‌چنین در طول هشت سال دفاع مقدس ملت ایران در مقابل صدام و مزدورانش، شهدای بسیاری را تقدیم کرده که نام آن عزیزان، اکنون زینت‌بخش کوچه‌های شهری است.»

(ج) استفاده از زمان پاسخ‌گویی: مثلاً می‌توان این گونه نوشت: «پاسخ‌های من وقتی به دست می‌رسد که چند روزی بیشتر به ماه مبارک رمضان باقی نمانده و یا تازه این ماه عزیز فرا رسیده است. آمدن این ماه شریف را که بهار قرآن نام گرفته است، به تو تبریک می‌گویم. قدر این

اگر گفت‌وگوی شما با پرسشگرتان گفت‌وگویی خشک اداری باشد، چندان قرین توفیق نخواهد بود؛ زیرا فضای رسمی پرسش و پاسخ، او را از درک دقیق پاسخ محروم می‌سازد. ایجاد ارتباط با پرسشگر و برخورد صمیمانه با او، جسارت طرح پرسش‌های بعدی را به وی می‌دهد و اعتمادش را به پاسخ‌های شما بالا می‌برد. برای ایجاد فضای صمیمی، از این روش‌ها می‌توانید بهره ببرید:

(الف) جای مناسب و آرامی را برای گفت‌وگو تعیین کنید. اساساً باید جای پرسشگر در زمان دریافت پاسخ، جای مناسبی باشد. روزی رسول خدا(ص) در حال سخنرانی بودند که دیدند یکی از حاضران زیر آفتاب است. پیامبر(ص) از او خواستند که که به سایه برود.

(ب) نامش را از او بپرسید. البته این روش درباره پدران و مادران معنا ندارد. آن‌ها می‌توانند به جای پرسیدن نام فرزند، از کارهای روزانه او و برنامه‌های درسی‌اش سؤال کنند.

(ج) پیش از ارائه پاسخ، با یک شوخی دوستانه، فضا را تغییر دهید. یکی از طلاب می‌گفت: «من به آیت‌الله بهجت عرض کردم:

آقا اجازه می‌دهید سؤالی بپرسم؟ فرمودند: آیا سؤال تو کوتاه است؟ عرض کردم: بله. فرمودند: آیا جوابش هم کوتاه است؟ عرض کردم: بله. ایشان لبخندی زدند و فرمودند: تو از کجا می‌دانی؟ پس از



اگر خوب قرآن را یاد بگیری و به آیه‌های آن عمل کنی، آن وقت نام مهدی (هدایت‌یافته) برای تو زیبنده‌تر و شایسته‌تر است

وی را به رحمت بی‌پایان پروردگار
و عفو و بخشش خدای مهربان نیز
امیدوار کنید. با تصویری درست از
مهربانی و لطف خداوند، وی را به
اعتدال روحی برسانید.

در روایات اسلامی آمده است:
«هیچ بنده مؤمنی نیست مگر آن‌که
در دلش دو نور است: نور ترس و نور
امید که اگر هریک از آن‌ها را وزن

کنی، بر دیگری فزونی نیابد.»

زمانی که این تعادل ایمانی بر هم می‌خورد و کفۀ ترس
بر کفۀ امید غلبه می‌یابد، پیش از ارائه پاسخ، البته باید روح
را به تعادل مورد نظر اولیای دین بازگرداند. در نمایشگاه
بزرگ قرآن کریم، خودم با دختری روبه‌رو شدم که به خاطر
ترس افراطی از آخرت، به مشتی پوست و استخوان تبدیل
شده بود.

البته این هشدار نباید ما را از آموزش صحیح مفاهیم
دینی بازدارد، اما باید به اثرات روحی و اخلاقی پاسخ‌های
خود نیز دقت کنیم و به جای آن‌که فقط با ذهن مخاطب
مواجه شویم، باید عواطف و احساسات او نیز دقت کنیم
مثلاً بگوییم: «برادرم! دو سؤال اولت درباره عذاب‌های آخرت
بود. فکر می‌کنم درباره آخرت احساس نگرانی می‌کنی و
می‌ترسی که مبدا تو هم به آتش عذاب خدا گرفتار شوی.
اگر ترسیدن از عذاب خدا باعث دوری ما از گناهان شود،
بد نیست، اما این ترس نباید ما را از رحمت خدا غافل کند.
لطف، رحمت و مهربانی خدا را هرگز فراموش نکن. اگر کمی
به اطرافت نگاه کنی، می‌بینی که نشانه‌های رحمت خدا
در همه جا وجود دارند. به خودت نگاه کن و ببین خدا چه
نعمت‌هایی را برای راحت زندگی کردن به تو داده است؛
چشم، گوش، زبان، دندان، دست، پا و...»

مثال دیگر، سؤال برخی دختران است که می‌پرسند:
«چرا خدا، دخترها را آفریده است؟» زمینه ایجاد چنین
پرسشی، در دختران، سرکوب درخواست‌های منطقی آنان از
سوی خانواده یا اجتماع، رویارویی با محدودیت‌های بی‌مورد،
ناکامی‌های گوناگون در زندگی، بی‌توجهی و بی‌مهری والدین
به آنان، و برخی تبعیض‌ها میان دختران و پسران است که
آنان را آزرده ساخته و به طرح چنین پرسشی را داشته است.

ماه را بدان که ما خوبی و مهربانی
و دوستی و پرهیزگاری است.
چه خوب است که در بهار قرآن،
ارتباطت را با قرآن کریم، بیشتر
کنی. در ماه رمضان، دل انسان
نرم‌تر می‌شود و برای فهمیدن
آیه‌های قرآن آماده‌تر می‌گردد. این
فرصت بالارزش را غنیمت بدان که
فرصت غنیمت است، نباید از دست
داد.»

د) استفاده از سن مخاطب: مثلاً بگوییم «خوش‌حالم
می‌بینم، خواهر نه ساله‌ای مانند تو که به سن تکلیف رسیده
است، این قدر علاقه دارد با قرآن آشنا شود و آن را خیلی زود
یاد بگیرد. هر کس در هر سنی که باشد، می‌تواند دوستی با
قرآن را آغاز کند، اما آغاز این دوستی از کودکی و نوجوانی
بهتر و زیباتر است...»

ه) استفاده از دستخط، نوع پرسش‌ها و دیگر موارد:
دستخط پرسشگر، نوع پرسش‌های او و حتی نام مستعاری
که برای خود برگزیده است نیز می‌تواند راهی برای ایجاد
ارتباط باشد. مثلاً خطاب به پرسشگری که نام مستعار F را
برای خود برگزیده، این گونه می‌نویسیم: «چون نام خود را
نوشته بودی، من هم مجبور شدم با همان نام F که خودت
انتخاب کرده‌ای، تو را مورد خطاب قرار دهم. شاید نامت
فاطمه یا فریده یا فرهاد یا فریدون باشد. در هر حال تفاوتی
نمی‌کند، مهم این است که پرسش‌هایت اکنون پیش روی
من است و من باید به همه آن‌ها پاسخ بدهم.»

پاسخ‌گویی به پرسش‌های پنهان

گاهی از نوع پرسش‌های فرد معلوم می‌شود که او نگرانی
ویژه‌ای دارد. در این موارد، تنها پاسخ‌گویی به پرسش‌های
او، مشکل فکری‌اش را حل نمی‌کند. مثلاً اگر دیدید فرزند
شما درباره قیامت و عذاب‌های آن پرسش‌های گوناگونی را
می‌پرسد، شک نکنید که او دچار ترس افراطی از قیامت شده
و از مهربانی و رحمت پروردگار غافل گشته است. در این
موارد، هر قدر توضیحات شما از عذاب‌های قیامت دقیق‌تر
و جامع‌تر باشد، او را از دین دورتر کرده‌اید. البته نباید به
پرسش‌های او پاسخ غلط بدهید، اما هم‌زمان با این کار، باید

هر گونه گفت و گویی آن گاه به ثمر می نشیند که شما با مخاطب خود ارتباط برقرار کنید و در فضای صمیمی حرف های یکدیگر را بشنوید

آن حضرت محرومیم؟»

بخش های آغازین دعای ندبه، از نظر علمی به این سؤال پاسخ می دهد و روشن می سازد که این غیبت به دلیل عدم لیاقت امت در بهره مندی از امام بوده است. دعای ندبه، سرنوشت دردناک امامان گذشته را یادآور می شود و با این کار معلوم می سازد که اگر امام زمان (ع) غیبت نمی کرد، آن حضرت نیز به

سرعت شهید می شد. دعا با این پرسش که: «این الحسن این الحسین؟» (حسن کجاست؟ حسین کجاست؟) خواننده دعا را به تفکری عمیق فرامی خواند و به او گوشزد می کند که اگر تو به این سؤال پاسخ دهی که سرنوشت حسن (ع) و حسین (ع) چه شد، پاسخ این پرسش را هم دریافت خواهی کرد که چرا مهدی (ع) غیبت کرده است.

اما آیا این جواب دقیق علمی، روح شیعه شیفته و شیدای مهدی (ع) را آرام می سازد و حزن او را در محرومیت از ارتباط با امام (ع) برطرف می کند؟ هرگز! او دوست دارد صمیمانه ترین ارتباط را با امامش داشته باشد، به گفت و گو با حضرتش بنشیند و بی واسطه، از فیض وجود زاده زهر (علیها السلام) بهره مند شود.

بخش های پایانی دعای ندبه، به این میل شیعه عاشق، پاسخ عاطفی می دهد و با باز کردن راه گفت و گو با گل نرگس، شیرینی مناجات عاشقانه با مهدی را به کام او می چشانند. در این بخش ها، شیعه غریب عصر غیبت، به نیکی درمی یابد که امام او گرچه ظاهر نیست، ولی حاضر است و هر چند عصر ظهور نیست، ولی عصر حضور امام (ع) است. دعا به وی می فهماند که تو هم می توانی صمیمانه ترین ارتباط را با امام خود داشته باشی و بدون واسطه به او سخن بگویی و با حضرتش عاشقانه درد دل کنی:

هم چنین، عبارات آخر دعا، شیعه منتظر را متوجه می سازد که راه بهره مندی از فیض امام بسته نیست، تو می توانی مانند مردم امت های گذشته که از فیض اولیای الهی استفاده می کردند، از عنایاتی که خدا به برکت امام (ع) ارزانی می دارد، بهره مند شوی. پس دست به دعا بردار و بگو:

● «... و امن علینا برضاه»: (خدایا) بر ما منت گذار که مهدی از ما خشنود گردد.

در چنین موردی تنها بیان فلسفه آفرینش دختران و ستایش از جایگاه ممتاز آنان در هستی، پاسخ گویی مسائل ناگفته آنان و حل عمیق سؤال مطرح شده نخواهد بود. مربی، معلم و ولی باتجربه و دلسوز، از این پرسش راهی به مسائل ناگفته پرسشگر می گشاید و پس از تحلیل دقیق و

عمیق پرسش در یک گفت و گوی سازنده، او را به آرامش و آسودگی کامل می رساند. به این ترتیب، علاوه بر پاسخ گویی به سؤال او، گره های نهفته در آن را نیز بازمی گشاید.

پاسخ های عاطفی

در پایان این گفتار، جا دارد به یک اصل مهم در پاسخ گویی که ریشه در سیره و سخن اهل بیت (ع) دارد نیز اشاره کنم. این اصل مهم، پاسخ گویی علمی و عاطفی به طور هم زمان است. فرض کنید شما به فرزندان وعده داده اید که برای او اسباب بازی بخرید، ولی وقتی برای خریدن آن به بازار می روید، می بینید که مغازه ها بسته اند و شما مجبور می شوید دست خالی به خانه برگردید. فرزندان از شما می پرسد: «چرا برایم اسباب بازی نخریدی؟» اگر شما جواب بدهید: «مغازه ها بسته بودند»، او را از نظر ذهنی مجاب کرده اید، اما از نظر عاطفی ناراحتی او هنوز پابرجاست. او از نظر منطقی به شما اعتراضی ندارد، ولی هنوز از این که پس از ساعت ها انتظار، به خواسته اش نرسیده ناراحت است. او از شما دلخور نیست، ولی از اتفاقی که افتاده، دلگیر است.

در این جا شما باید در کنار توجیه ذهنی او، عواطف و احساساتش را نیز التیام ببخشید. برای این کار می توانید بگویید: «عزیزم، ناراحت نباش. صبح، ابتدا اسباب بازی تو را می خرم و بعد می روم سرکار.» یا می توانید به او مژده دهید که فردا علاوه بر خریدن اسباب بازی، بستنی هم برایش می خرید. در این وضعیت، آرامش کامل به قلب او بازمی گردد. نمونه این شیوه پاسخ گویی را در «دعای ندبه» می توانیم ببینیم. در تحلیل نویسنده، دعای ندبه پاسخ به سؤال شیعه دردمند و دور از امام عصر (ع) است که همواره می پرسد: «چرا امام زمان (ع) غایب است و چرا ما از ارتباط نزدیک با

اگر نتوانستید، تنها سورة حشر را بخوانید

که از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید در عملی که پیش می‌آید، رضای خداوند را مراعات خواهیم نمود. آن وقت در هر کاری که می‌خواهید انجام دهید، نفع آخرت را منظور خواهید داشت؛ به‌طوری که اگر نفع اخروی نبود، انجام نخواهید داد. و وقت خواب چهار پنج دقیقه به کارهایی که در روز انجام داده‌اید، فکر کرده و یکی یکی از نظرتان خواهید گذرانید. هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکر بکنید و هر کدام تخلف شده، استغفار. این رویه را هر روز ادامه دهید. این روش گرچه در ابتدا سخت است و در ذائقه نفس تلخ، ولی کلید نجات رستگاری است و هر شب پیش از خواب اگر نتوانستید سور مسبحات (حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن) را بخوانید و اگر نتوانستید، تنها سورة حشر را بخوانید و پس از ۲۰ روز، حالت خود را به بنده بنویسید. ان شاء الله موفق خواهید بود. والسلام علیکم. محمدحسین طباطبایی

محضر مبارک آیت الله العظمی جناب آقای طباطبایی، سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

جوانی هستم ۲۲ ساله که تنها ممکن است شما بتوانید به این سؤال من پاسخ گوید. در محیط و شرایطی زندگی می‌کنم که هوای نفس و آمال بر من تسلط فراوان دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب باز ماندن من از حرکت به سوی الله شده‌اند. درخواستی از شما دارم که بفرمایید به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم و این طلسم شوم را که همگان گرفتار آن‌اند بشکنم و سعادت بر من حکومت کند؟ لطفاً نصیحت نمی‌خواهم، بلکه دستورات عملی برای پیروزی لازم دارم.

جواب علامه طباطبایی به نامه آن جوان
السلام علیکم

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که در نامه مرقوم داشته‌اید، لازم است همتی برآورده و توبه‌ای نموده، به مراقبه و محاسبه بپردازید؛ به نحوی که هر روز، هنگام صبح

منبع
کتاب راهنمای معلم تدریس کتاب دینی و قرآن ۱، ص ۱۹۳.

اشاره

با توجه به جایگاه مهم آموزش‌های دینی و قرآن در نظام آموزشی کشور - و از جمله در دوره متوسطه - پژوهش حاضر با هدف طراحی برنامه درسی دینی و قرآن مطلوب صورت گرفته است. در طراحی این برنامه سعی شده است که از نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی و الگوهای طراحی برنامه درسی به منظور غنای نظری پژوهش استفاده شود. هم‌چنین به منظور نزدیک‌تر کردن طراحی حاضر به زندگی دانش‌آموزان و محسوس‌تر ساختن آن برای معلمان، به مصاحبه با دانش‌آموزان و دبیران دینی و قرآن دوره متوسطه پرداخته شده است. به همین منظور، ابتدا طراحی برنامه درسی موجود را مطالعه و سپس نقطه نظرات و انتقادات وارد بر آن را بیان کرده‌ایم و در طراحی نوین برنامه درسی، در رفع آن‌ها کوشیده‌ایم.

یافته‌های پژوهش در چهار بخش عمده: «توصیف و تحلیل وضع موجود، توصیف وضع مطلوب، تحلیل فاصله میان وضع موجود و مطلوب و پیشنهادها». سازمان‌دهی و ارائه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: دینی و قرآن، برنامه درسی، روش تدریس، ارزش‌یابی، الگوهای طراحی، مطالعه انتقادی.

مقدمه

متخصصان حوزه برنامه درسی به منظور نظم‌بخشیدن به فعالیت‌های خود و کسب موفقیت در تهیه برنامه‌های درسی مناسب، مجموعه فعالیت‌های برنامه درسی را به دو بخش «طراحی» و «برنامه‌ریزی درسی» تقسیم می‌کنند. در بخش طراحی، برنامه‌ریزان درسی با توجه به نوع نگرشی که تهیه برنامه درسی را حمایت می‌کند عناصر برنامه را تعیین می‌کنند [ملکی، ۱۳۸۸]. به لحاظ تاریخی، سه منبع اصلی اطلاعاتی برای برنامه‌ریزی درسی شناسایی شده است که هر یک به عنوان مبنایی در تصمیم‌گیری‌های متعدد مربوط به امر برنامه‌ریزی (و از جمله تعیین عناصر برنامه درسی و طراحی برنامه درسی) به کار گرفته می‌شود. این سه منبع عبارت‌اند از: موضوع‌های درسی مدون، دانش‌آموزانی که برنامه درسی برای آنان طراحی می‌شود و جامعه [مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۸].

مطالعه انتقادی برنامه درسی دینی و قرآن طراحی برنامه درسی دینی و قرآن براساس الگوهای طراحی

مرتضی شعبانی

کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی

Shabaneemorteza@gmail.comtel

موضوع‌های درسی مدون، معمول‌ترین و رایج‌ترین منبع اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به طرح برنامه درسی است. در طرح برنامه درسی مبتنی بر دانش‌آموز، نیازها و علاقه‌ها، توانمندی‌ها و تجربه‌های گذشته دانش‌آموز به عنوان مبنای تصمیم‌گیری درخصوص عوامل برنامه درسی انتخاب می‌شود. استفاده از جامعه به عنوان منبع اطلاعاتی، به برنامه درسی خاصی منجر خواهد شد که ارزش آن به عنوان شیوه‌ای برای فهم و اصلاح جامعه مد نظر است. برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی گهگاه از این منبع اطلاعاتی استفاده می‌کنند.

البته رویکردهای متأخرتر برنامه درسی نمایانگر بی‌اعتقادی و پای‌بند نبودن به مرزبندی‌های رایج به سه نوع منبع اطلاعاتی هستند و بدین لحاظ نوعی تخطی از روش‌های سنتی برنامه‌ریزی به‌شمار می‌روند و تلفیق و ترکیب آن‌ها را توصیه می‌کند. این رویکردها عبارت‌اند از: طرح قابلیت‌های خاص، طرح مهارت‌های فرایندی، دیدگاه انسان‌گرایانه از فرد و طرح مبتنی بر مسائل اساسی [مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۸].

طرح برنامه درسی مشهور به قابلیت‌های خاص، بر هدف‌های رفتاری به عنوان معرف آنچه دانش‌آموزان نیازمند فراگیری آن‌اند تأکید دارد. در طرح برنامه درسی، مهارت‌های فرایندی محتوای برنامه درسی را روش‌ها یا فرایندهایی تشکیل می‌دهد که تصور می‌رود قابلیت انتقال و استفاده از آن‌ها در زندگی حقیقی فرد بسیار بالاست و نه آن روش‌هایی که مختص تحقیق در یک رشته از علوم است. دیدگاه انسان‌گرایانه از فرد در حقیقت، معرف تلاشی جست‌وجوگرانه در راستای ارائه دیدگاهی نوین و ایجاد تحولی عمیق در عرصه برنامه‌ریزی درسی است. مهم‌ترین خصیصه‌های طرح برنامه درسی مبتنی بر مسائل اساسی نیز عبارت است از: اشتراک موضوع‌هایی که دانش‌آموزان فرا می‌گیرند و هم‌چنین اجرای برنامه در قالب زنگ‌هایی طولانی‌تر از آنچه مرسوم است.

معرفی عناصر اساسی هر طرح برنامه درسی

در فراگرد برنامه‌ریزی درسی، اولین تصمیماتی که باید اتخاذ شود، مربوط است به: تعیین هدف‌های برنامه، انتخاب محتوای مورد فراگیری، و انتخاب راهبردهای یاددهی-یادگیری مناسب [لوی، ۱۳۷۸]. بنابراین، تدوین

دیدگاه انسان‌گرایانه از فرد
در حقیقت، معرف تلاشی
جست‌وجوگرانه در راستای ارائه
دیدگاهی نوین و ایجاد تحولی عمیق
در عرصه برنامه‌ریزی درسی است

از روش‌های تدریس تقسیم‌بندی‌های متفاوتی به‌دست آمده است. مثلاً در یک تقسیم کلی می‌توان روش‌های تدریس را دو دسته کرد: «روش‌های سنتی و متداول تدریس» و «روش‌های جدید تدریس». روش‌های سنتی و متداول تدریس بیشتر در قالب و چارچوب الگوی پیش سازمان‌دهنده می‌گنجند و روش‌های جدید آموزشی با الگوی حل مسئله سنخیت بیشتری دارند (شعبانی، ۱۳۸۳).

در تقسیم‌بندی دیگر می‌توان راهبردهای آموزشی (روش‌های تدریس) را به دو نوع راهبردهای خرد و راهبردهای کلان تقسیم کرد [استیون ام راس و گری آر موریسون، ۲۰۰۸]. راهبرد آموزشی خرد به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا محتوایی خاص نظیر وقایع، مفاهیم و اصول را یاد بگیرند و راهبرد آموزشی کلان به جنبه‌های کلی آموزش اشاره دارد، نظیر این‌که چه‌طور باید اجزای آموزش را ترکیب کرد یا اصول توالی اجزای آموزش برای تدریس به چه نحوی باید باشد [رایگلوث، ۱۹۹۹].

اما آن‌چه در تمام این تقسیم‌بندی‌ها باید مد نظر قرار گیرد، آن است که روش‌های تدریس باید متناسب با اهداف انتخاب شوند، چراکه مطابق با نظر تایلر، اهداف مدارس باید با در نظر گرفتن نیازهای روانی و علاقه‌های دانش‌آموزان، زندگی روزانه و جنبه‌هایی از مواد درسی که برای هر کسی مفید است نه فقط متخصصان در رشته‌های علمی، اتخاذ شوند [مک‌نیل، ۲۰۰۹] و بنابراین، چنین اهدافی می‌توانند راهنما و معیاری مناسب برای انتخاب روش تدریس قرار گیرند.

آخرین عنصری که در تقسیم‌بندی تایلر وجود دارد، عنصر ارزش‌یابی است که از مؤلفه‌های مهم و حساس فرایند برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شود. حساسیت و اهمیت ارزش‌یابی در برنامه‌ریزی درسی از آن روست که هیچ فعالیت انسانی، خصوصاً آن دسته از اموری که پیچیدگی و ظرافت خاصی دارند، نمی‌توانند فارغ از بررسی کیفی مستقر باشند [فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۸]. ارزش‌یابی هم‌چنین موجب ایجاد مدار بازخورد در برنامه‌ریزی درسی می‌شود

اهداف را می‌توان سنگ بنای هر برنامه درسی مطلوب دانست؛ چراکه دیگر اجزای برنامه نظیر محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، مواد درسی، شیوه‌های ارزش‌یابی و... نیز از اهداف برنامه درسی متأثرند؛ و تمام افرادی که به نحوی از انحاء در تعلیم و تربیت افراد جامعه دخالت دارند، باید به هدف‌های تربیتی آشنا باشند [شریعتمداری، ۱۳۶۷]. اهمیت مرحله تدوین اهداف در فرایند طراحی برنامه درسی وقتی آشکارتر می‌شود که بر انواع الگوهای طراحی برنامه درسی که توسط متخصصان تدوین شده است، نظری بیفکنیم و به نقش و جایگاهی که تدوین هدف در الگوهای طراحی برنامه درسی ایفا می‌کند، توجه کنیم. رالف تایلر که از آن به عنوان پدر طراحی برنامه درسی یاد می‌کنند، الگویی طراحی کرده که شامل مراحل زیر است: ۱. تعیین اهداف تجارب یادگیری ۲. مشخص کردن فعالیت‌های یادگیری برای دست‌یابی به اهداف تعریف شده؛ ۳. سازمان‌دهی فعالیت‌های یادگیری برای حصول اهداف تعیین شده؛ و ۴. ارزش‌یابی و سنجش تجارب یادگیری [دنهام، ۲۰۰۲].

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعیین و تدوین هدف، در تمامی چهار مرحله الگوی تایلر تأثیرگذار است و تمامی مراحل به نوعی در ارتباط با مرحله اول که همان مرحله تدوین اهداف است، معنا پیدا می‌کنند.

عنصر بعدی برنامه درسی که باید بدان توجه داشت، محتواست. از نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی، محتوا یکی از عناصر مهم برنامه درسی است و تمامی صاحب‌نظران این رشته که برای برنامه‌ریزی درسی مراحل قائل شده‌اند، انتخاب محتوا را یکی از مراحل مهم این فرایند به حساب می‌آورند [راستین، ۱۳۸۳]؛ چراکه انتخاب محتوای برنامه و تنظیم فعالیت‌ها، روی کارایی آموزش و میزان و نوع تغییراتی که در رفتار یادگیرنده باید به‌وجود آید، اثر زیادی دارد [تقی‌پورظهیر، ۱۳۷۸]. به‌طور کلی می‌توان محتوا را اصول و مفاهیمی دانست که به فراگیران ارائه می‌شود تا ورود آنان را به فعالیت‌های آموزشی، میسر و رسیدن آنان را به هدفهای اجرایی امکانپذیر سازد [شعبانی، ۱۳۸۳].

در فرایند برنامه‌ریزی درسی، انتخاب روش‌های تدریس معمولاً بعد از مشخص کردن اهداف و انتخاب محتوا

صورت می‌گیرد [فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۸]؛

بنابراین، عنصر بعدی که در

مقاله حاضر بدان خواهیم

پرداخت، روش‌های

تدریس است.

**تعیین و تدوین هدف، در تمامی
چهار مرحله الگوی تایلر تأثیرگذار است
و تمامی مراحل به نوعی در ارتباط با
مرحله اول که همان مرحله تدوین اهداف
است، معنا پیدا می‌کنند**

و در نهایت، اصلاح و بهبود برنامه‌های درسی را به ارمغان می‌آورد [عصاره، ۱۳۸۶].

به طور کلی می‌توان ارزش‌یابی را فرایند یا خوشه‌ای از فرایندها تعریف کرد که فرد انجام می‌دهد تا داده‌هایی را گردآوری کند که به او امکان می‌دهد در مورد پذیرفتن، تغییر دادن یا حذف موضوعی تصمیم بگیرد [احقر، ۱۳۸۴].

گزارش نهایی

در این گزارش، به منظور پی بردن به برنامه درسی دینی و قرآن ۱، علاوه بر تحلیل کتاب دینی و قرآن ۱، به بررسی میدانی ۱۱ مدرسه دولتی و مصاحبه با معلمان و دانش‌آموزان پرداخته شد که در ادامه، نتایج مطالعات ارائه می‌شوند.

لازم به ذکر است که نتایج این گزارش در چهار بخش با عناوین: «توصیف و تحلیل وضع موجود، توصیف وضع مطلوب، تحلیل فاصله میان وضع موجود و مطلوب، و پیشنهادها» تدوین شده‌اند.

توصیف و تحلیل وضع موجود

ساختار و هدف کتاب دینی و قرآن ۱

کتاب دینی و قرآن ۱ که با هدف «آموختن راه زندگی بر مبنای قرآن» تألیف شده است حاوی ۳ مرحله و ۱۶ درس است. این مراحل و دروس (بر این اساس صفحه فهرست کتاب) به ترتیب عبارت‌اند از:

مرحله اول: آمادگی در اندیشه و قلب است که شامل دروس کتاب زندگی، انتخاب بزرگ، کدامین هدف، برترین هدف، تو را چگونه بخوانم، در حمد و تسبیح محبوب، در پناه ایمان و در وادی امن می‌شود.

مرحله دوم: آهنگ سفر است که شامل دروس عزم خوب زیستن، پایداری در عزم و در زمره بیداران است.

مرحله سوم: قدم در راه است که شامل دروس آیین رهروی، در حضور دوست، همدلی و همراهی، ادب دوستی و کار و گوهر زندگی است.

هم‌چنین، این کتاب بخشی با عنوان «دانش‌آموزان گرامی! دوستان عزیز! سلام بر شما» دارد که به تشریح قسمت‌های موجود در کتاب (از قبیل وظایفی که بر عهده دانش‌آموزان است، فعالیت‌های یادگیری پیشنهادی، پیشنهاداتی برای دبیران به منظور اجرا، شیوه‌های ارزش‌یابی، معرفی پایگاه اینترنتی رشد برای مطالعه بیشتر) می‌پردازد.

در بخش پایانی کتاب نیز «فهرست کلمات معنا شده» و «کتاب‌شناسی» (که کتاب‌های مرتبط با محوریت دینی و قرآن را معرفی می‌کند) وجود دارد.

محتوای کتاب دینی و قرآن

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان محتوای کتاب دینی و قرآن ۱ را به دو بخش تقسیم کرد: محتوایی که در آن دانش‌آموز منفعل و گیرنده است و محتوایی که در آن دانش‌آموز فعال است. ما بخش اول را «محتوای انتقالی» (که در آن هدف، انتقال اطلاعات و مفاهیم به دانش‌آموزان است) و بخش دوم را «محتوای فعال» (که در آن سعی می‌شود به نوعی دانش‌آموزان درگیر فعالیت‌ها شوند) می‌نامیم.

محتوای انتقالی کتاب دینی و قرآن ۱ عمدتاً در پی دستیابی به اهداف شناختی سطح دانش و فهمیدن است. به این صورت که ابتدا مفاهیم و موضوعات اصلی درس در قالب دو یا سه پاراگراف بیان می‌شوند. هم‌چنین بعد از ارائه آیات مربوط، نکاتی از آن آیات و توصیه‌هایی اخلاقی ارائه و بیان می‌شود که در اکثر موارد نمی‌توان از سطوح دانش و فهمیدن فراتر رفت [صفحات ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰ و ۲۱].

اما عمده فعالیت دانش‌آموزان، توسط محتوای فعال انجام می‌شود و اکثر اهداف حیطه‌های شناختی و عاطفی و روانی حرکتی نیز به واسطه همین نوع محتوا محقق می‌شود.

اهداف عالی‌تر حیطه شناختی نظیر به کار بستن، تجزیه و تحلیل و تفکر، با فعالیت‌های متفاوتی که در این قسمت محتوا در نظر گرفته شده‌اند، محقق می‌شوند. به این صورت که پس از این که موضوع آیات مورد نظر توسط محتوای انتقالی روشن شد، آیات مربوط با ترجمه‌های نیمه‌تمام بیان می‌شوند و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود ترجمه آیات را به کمک کلمات ترجمه شده‌ای از آیات بنویسند. بنابراین،

دانش‌آموزان قادر خواهند بود دانشی را

که از محتوای انتقالی (به کمک

خواندن معنای کلمات

قرآنی) به‌دست

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان
محتوای کتاب دینی و قرآن ۱ را به دو
بخش تقسیم کرد: محتوایی که در آن
دانش‌آموز منفعل و گیرنده است و
محتوایی که در آن دانش‌آموز فعال است

آورده‌اند، در قالب ترجمه کردن آیات قرآن به کار گیرند [صفحات ۱۷ و ۱۶].

هم‌چنین، به واسطهٔ فعالیت‌هایی نظیر پیام آیات که در آن‌ها از دانش‌آموزان خواسته می‌شود با تفکر در آیات بیان شده در درس، به سؤال‌های مربوطه پاسخ دهند، در این قسمت اهداف سطوح بالای شناخت نظیر تجزیه و تحلیل و حل مسئله محقق می‌شوند [صفحه ۹].

از دیگر نکات موجود در محتوای فعال توجه خاصی است که به پرورش تفکر خلاق و حل مسئله دارد. راهکاری را نیز که برای دست‌یابی به هدف فوق برگزیده، این است که در بخش‌هایی از محتوای فعال، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود برای برخی از موضوعات نامی انتخاب کنند و یا به جمع‌آوری اطلاعات در زمینهٔ موضوع خاصی بپردازند و اطلاعات به دست آمده را طبقه‌بندی و برای آن نامی انتخاب کنند. که این فعالیت‌ها به پرورش تفکر خلاق و هم‌چنین حل مسئله در دانش‌آموزان کمک خواهند کرد [صفحه‌های ۲۰ و ۲۸].

در محتوای فعال هم‌چنین، در زمینهٔ محقق ساختن اهداف عاطفی نیز تمهیداتی اندیشیده شده است. بخشی از اهداف حیطهٔ شناختی، نظیر دریافت و توجه کردن، در محتوای انتقالی کتاب و به صورت ارائهٔ اطلاعات و جلب کردن توجه دانش‌آموزان قرار دارد. [صفحه ۲۴].

اما در حیطه عاطفی نیز مانند حیطهٔ شناختی، عمده اهداف به واسطهٔ محتوای فعال محقق می‌شوند. برای مثال، در فعالیتی از دانش‌آموزان خواسته می‌شود فهرستی از اهداف را اولویت‌بندی کنند. در این فعالیت، دانش‌آموزان علاوه بر دریافت و توجه کردن به این اهداف و پاسخ دادن به آن‌ها که دو سطح اول حیطهٔ عاطفی هستند- به ارزش‌گذاری اهداف نیز می‌پردازند [صفحه ۳۲].

در محتوای انتقالی، عملاً امکان و قابلیت در نظر گرفتن اهداف روانی- حرکتی وجود ندارد. به همین دلیل، این حیطه صرفاً در محتوای فعال مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از مهارت‌هایی که دانش‌آموزان با استفاده از محتوای فعال در آن توانایی پیدا می‌کنند، مهارت حل مسئله است. همان‌طور که در اهداف حیطه شناختی نیز اشاره شد، دانش‌آموزان با انجام فعالیت‌های خاصی قادر به حل مسائل می‌شوند. اما نکته این است که در

محتوای فعال، به پرورش برخی از مهارت‌های حل مسئله توجه خاصی شده

است. برای مثال مهارت جمع‌آوری اطلاعات، یکی از ضروریات برای حل مسئله در دانش‌آموزان است که در این نوع محتوا، علاوه بر مواجه ساختن آنان با مسئله و چالش فکری، آنان را ترغیب می‌کند به جمع‌آوری اطلاعات، با بخشی که با همین عنوان نام‌گذاری شده است. به این طریق، به نوعی دانش‌آموزان را مرحله به مرحله تا حصول نتیجه و حل مسئله راهنمایی و هدایت می‌کند (صفحه ۲۸).

هم‌چنین، در بخشی از کتاب تحت عنوان «پیشنهاد»، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود فعالیت‌های خاصی نظیر نمایش، انجام تحقیق و گزارش نتایج آن به کلاس درس، نوشتن نمایش‌نامه و اجرای آن در کلاس را انجام دهند و بدین طریق خود را در زمینه‌های نامبرده توانا و به نوعی ماهر سازند [صفحه ۲۲].

شیوهٔ تدریس کتاب دینی و قرآن

کتاب دینی و قرآن ۱ چهار ساعت در هفته و به صورت دو زنگ دو ساعته تدریس می‌شود. عمده روشی که معلمان برای تدریس از آن استفاده می‌کنند، براساس شواهد تجربی و گزارش‌های دریافتی روش سخن‌رانی است. بدین نحو که معلم در ارتباط با موضوعات کتاب توضیحاتی ارائه می‌دهد. از مطالب کتاب سؤالاتی را طرح می‌کند که جواب آن‌ها در محتوای کتاب موجود است و همین سؤالات مطرح شده نیز منبع اصلی امتحان پایان ترم دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهد. گاهی نیز از فنون پرسش و پاسخ برای فعال ساختن دانش‌آموزان در فرایند تدریس استفاده می‌شود. از جمله شیوه‌های دیگری که توسط برخی از معلمان خلاق استفاده می‌شود، نمایش فیلم‌های مرتبط با مفاهیم و موضوعات کتاب است. البته همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، روش غالب در تدریس این درس، همان روش سخن‌رانی است.

شیوهٔ دیگری که گاهی اوقات برای درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند آموزش به کار می‌رود، از دانش‌آموزان

در بخشی تحت عنوان «پیشنهاد» از دانش‌آموزان خواسته می‌شود فعالیت‌های خاصی نظیر نمایش، انجام تحقیق و گزارش نتایج آن به کلاس درس، نوشتن نمایش‌نامه و اجرای آن در کلاس را انجام دهند

پیشنهاد شده‌اند، صرفاً سه سطح اول این حیطه (دریافت و توجه کردن، پاسخ دادن، ارزش‌گذاری) را شامل می‌شوند و برای سازمان‌دهی ارزش‌ها در شاکله شخصیتی دانش‌آموزان، تمهیدی اندیشیده نشده است.

بالطبع محتوای مطلوب باید تمامی ابعاد شناختی و عاطفی و روانی حرکتی را دربرگیرد که محتوای کتاب دینی و قرآن ۱ در زمینه توجه به ابعاد عاطفی و روانی حرکتی، تمهیدات لازم را نیندیشیده است. بنابراین، می‌توان محتوای مطلوب را در کتاب دینی و قرآن ۱ بدین نحو تعریف کرد: دانش سازمان‌یافته و اندوخته شده، اصطلاحات، اطلاعات، واقعیات، حقایق، قوانین، اصول، روش‌ها، مفاهیم، تعمیم‌ها، پدیده‌ها، و مسائل مربوط به درس دینی و قرآن ۱.

وضع مطلوب

تحلیل فاصله بین وضع موجود و مطلوب

وضع موجود

استفاده از روش‌های سنتی به همراه استفاده از نقش الگویی معلم

• تأکید بر دانش تربیتی و فناوریانه در کنار دانش محتوایی معلم
• تزکیه و تهذیب نفس معلمان

استفاده از روش‌های سنتی نظیر سخنرانی و پرسش و پاسخ

شیوه‌های تدریس کتاب دینی و قرآن ۱

همان‌طور که بیان شد، عمده‌ترین روشی که معلمان برای دست‌یابی به هدف این کتاب در نظر می‌گیرند، همان روش سخن‌رانی است. البته اگر هدف این کتاب را صرفاً آموختن راه زندگی بر مبنای قرآن در نظر بگیریم، شاید روش مناسبی باشد. اما اگر هدف را به صورتی که بیان شد اصلاح و کامل کنیم و قید «به‌کارگیری تعالیم در زندگی واقعی» را نیز بدان بیفزاییم، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که با سخن‌رانی معلم بتوانیم به آن هدف نائل آییم.

البته عمده‌ترین عامل برای تحقق چنین هدفی، گفتار و رفتار و اعمال خود معلم است. معلم باید خود نمونه بارز انسانی تربیت‌یافته باشد تا بتواند الگویی مناسب برای دانش‌آموزان شود. چنین معلمی در وهله اول با رفتار و اعمال خود دانش‌آموزان را تربیت خواهد کرد تا با سخن‌رانی و یا به عبارت دقیق‌تر، از برخوانی کتاب درسی. از آن‌جا که از نگاه افرادی چون آلبرت بندورا و افرادی که طرف‌دار یادگیری مشاهده‌ای هستند، دانش‌آموزان از طریق تقلید کردن و مشاهده کردن افراد دیگر نیز یاد می‌گیرند، پس چه بهتر که معلمان درس دینی و قرآن که هم دانش‌آموزان و هم والدین و هم دیگر معلمان به دید نمونه انسان‌های تربیت‌یافته به آن‌ها می‌نگرند، ابتدا به ساکن به تربیت

خود بکوشند و سپس سعی در تربیت دانش‌آموزان داشته باشند. همان‌طور که حضرت علی (ع) می‌فرمایند: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد [هادی‌زاده، ۱۳۸۶].

بنابراین، معلم درس دینی و قرآن باید پیش از آن که به دنبال پیداکردن شیوه‌ها و روش‌های نوین تدریس باشد، به تربیت نفس خود بپردازد تا از این رهگذر، آثار تربیت و تهذیب نفس در رفتار و گفتار او ظاهر شود و بر دانش‌آموزان مؤثر افتد.

منابع

۱. ارزشتاین، الن سی. هانکینز، فرانسیس پی. ترجمه قدسی احقر (۱۳۸۴). مبانی، اصول و مسائل برنامه درسی. دانشگاه آزاد اسلامی. تهران.
۲. مهرمحمدی، محمود و همکاران (۱۳۸۸). برنامه درسی، نگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها. سمت و آستان قدس رضوی. تهران.
۳. تقی‌پور ظهیر، علی (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی درسی و آموزشی. انتشارات آگاه. تهران.
۴. راستین، هما (۱۳۸۳). تحلیل محتوا و فرایند اجرای کتاب بخوانیم و بنویسیم پایه اول ابتدایی براساس اصول و اهداف زبان آموزی و رویکرد تلفیقی و فعالیت‌محور. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی (ره). تهران.
۵. شریعتمداری، علی (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت. امیرکبیر. تهران.
۶. شعبانی، حسن (۱۳۸۶). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. انتشارات سمت. تهران.
۷. عصاره، علیرضا (۱۳۸۶). مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش دوره اول متوسطه در کشورهای منتخب. یادواره کتاب. تهران.
۸. فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی. انتشارات ایران زمین. تهران.
۹. لوی، آریه. ترجمه فریده مشایخ (۱۳۸۳). برنامه درسی مدارس. مدرسه. تهران.
۱۰. متیواج، السون. بی. آر. هرگنهان. ترجمه علی اکبر سیف (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. نشر دوران. تهران.
۱۱. ملکی، حسن (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی درسی راهنمای عمل. پیام اندیشه. تهران.
۱۲. هادی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۶). حکمت‌های نهج‌البلاغه. تابان. تهران.
13. Charles M. Reigeluth (1999). Instructional-design theories and models.
14. Denham, Thomas. J. (2002). Comparison of two Curriculum / Instructional Design Models: Ralph W. Tyler and Sinena College Accounting Class, ACCT205.
15. MacNeil, John. D. (2009). Contemporary of curriculum. London. Wiley.
16. Steven M. Ross & Gary R. Morrison (2008). Research on instructional design.





مهدی مرجی
دبیر دینی و قرآن

کارگاه حلمسئله

کارگاه مهارت روش حل مسئله در قرآن

دلایل اجمالی آن شناخته بود^۱... می‌خواست از طریق استدلال‌ات روشن تر عقلی به حق‌الیقین برسد.^۲

۴- ساختن فرضیه دوم و آزمون آن: وقتی حضرت ابراهیم (ع) از آزمون فرضیه اول گذشته و به فرضیه دوم یعنی مشاهده ماه می‌رسد، ماه را بزرگ‌تر و منورتر از ستاره می‌بیند. باز شروع به فرضیه‌سازی می‌کند و می‌گوید: (هذا ربی): یعنی این پرورش دهنده من است.

۵- ساختن فرضیه سوم و آزمون آن: فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی هذا اکبر فلما افلت قال یا قوم انی بری مما تشرکون.

۶- رسیدن به نتیجه یا استنتاج: انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا و ما انا من المشرکین [انعام/ ۷۹].

پی‌نوشت

۱. در این مرحله از طرف خداوند معرفت و زمینه‌های رشد به حضرت ابراهیم افاضه می‌شود (سوره انبیا - آیه ۵۶)
۲. هم‌چنان که در جریان معاد نیز عرض کرد: و اذ قال ابراهیم رب ارنی کیف تحیی الموتی؟ پروردگارا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟
۳. می‌خواست شخصا درباره خداشناسی و معاد بیندیشد و معبودی را که در فطرت پاک خویش و در اعماق جانش می‌یافت، پیدا کند.

۱- تشخیص مسئله: اولین گام برای حل هر مسئله، تشخیص خود مسئله است و این روش در قرآن به زیبایی نشان داده شده است: اذ قال ابراهیم لابیہ ازرا اتخذانما الهه انی ارئک و قومک فی ضلال مبین [انعام/ ۷۴]: حضرت ابراهیم وقتی قوم خود را در گمراهی دید، تصمیم گرفت آن‌ها را از طریق مشاهده، به معرفت حقیقی یا توحید دعوت کند و خود هم به یقین برسد. بنابراین، توحید به عنوان نوعی معرفت حقیقی، مسئله‌ای است که ایشان تشخیص دادند.

۲- کسب معرفت برای یافتن راه حل: افاضه معرفت از طرف خداوند به حضرت ابراهیم (ع)^۱. کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیکون من الموقنین [انعام/ ۷۴]. یعنی این چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین گردد.

۳- ساختن فرضیه اول و آزمون آن: فلما جن علیه اللیل رءاکوکبا قال هذا ربی، فلما افل قال لا احب الافلین [انعام/ ۷۴]: یعنی وقتی ستاره را دید (که نورانی هم بود) گفت، این پروردگار من است (البته به صورت فرضیه و برای تفکر و اندیشه) [انعام/ ۷۵]. زیرا او خداوند را با نور عقل فطری خود و با



مهدی قه شیخو؛ مدیر سازمان دارالقرآن
در گفت و گو با فصلنامه رشد آموزش قرآن:



سازمان دارالقرآن الکبیر آمادۀ همکاری با آموزش و پرورش است

سازمان دارالقرآن، زیرمجموعه سازمان تبلیغات اسلامی است و در سال ۱۳۸۱ تشکیل شده است. مهدی قه شیخو، که از قاریان بین المللی جمهوری اسلامی ایران است با حکم حجت الاسلام والمسلمین سیدمهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، مدیریت دارالقرآن را به دست گرفته است. به دفتر مرکزی سازمان دارالقرآن؛ در خیابان خواجه نصیرالدین طوسی رفتیم. گفت و گو درباره وظایف این مرکز، مسائل موجود در عرضه فعالیت های قرآنی در کشور و ارتباط سازمان دارالقرآن با وزارت آموزش و پرورش است.

گفت و گو: رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی
یونس باقری

● **سپاس گزاریم به خاطر وقتی که در اختیار فصل نامه رشد آموزش قرآن قرار داده اید تا مخاطبان این مجله - دبیران دینی و قرآن مدارس کشور- با جناب عالی و وظایف سازمان دارالقرآن سازمان تبلیغات اسلامی آشنا شوند.**
ابتدا درباره خودتان بفرمایید.

○ در شهریورماه سال ۱۳۴۷ در محله امامزاده حسن، در جنوب غرب تهران، متولد شدم. از ۱۲ سالگی در مدرسه با قرآن کریم آشنا شدم. واسطه این آشنایی، معلم بسیار خوب ما در دوره راهنمایی تحصیلی بود. هنوز با ایشان ارتباط دارم و در آموزش و پرورش کار می کند. از همان موقع در جلسه های قرآنی حضور یافته ام که این کار هنوز هم کم و بیش ادامه دارد.

سال ۱۳۷۱ در مسابقه بین المللی قرآن که در ایران برگزار شد، در رشته قرائت قرآن به مقام اول دست یافته ام. البته قبل از آن در رقابت های کشوری نفر اول شده بودم. طبق مقررات نفر اول مسابقات کشوری، در مسابقات بین المللی در ایران شرکت می کرد و نفر دوم به مسابقات مالزی اعزام می شد.

از سال ۱۳۶۶ جذب سازمان تبلیغات اسلامی شدم و در سال ۱۳۷۳ به عضویت کمیته قرآن شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی درآمدم. در همین سال، به فعالیت در دارالقرآن دانشگاه علوم پزشکی ایران نیز پرداختم. این دارالقرآن را جهاد دانشگاهی اداره می کرد. عضویت بنده در شورای هماهنگی سازمان، به سال ۱۳۷۵ بازمی گردد. از سال ۱۳۸۲ در کمیته قرآن سازمان دارالقرآن شروع به فعالیت کردم و از اواخر سال ۸۸ هم در مدیریت سازمان دارالقرآن خدمت می کنم.

● **برای سازمان دارالقرآن چه وظایفی تعیین شده است؟**

○ می دانید که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، اولین مجموعه ای بود که به صورت تشکیلاتی به فعالیت در حوزه امور قرآنی پرداخت. در سال ۱۳۶۱ با تأسیس بخش قرآنی در معاونت فرهنگی سازمان، گسترش حوزه فعالیت قرآنی در سطح کشور تعقیب شد. آموزش با توجه به گرایش عموم مردم، بخش اصلی کار را تشکیل می داد. می توان گفت، بسیاری از نیروهایی که در کل استان ها در حوزه قرآنی در حال فعالیت هستند، در همان دهه ۶۰ در دارالقرآن پرورش یافتند و عده زیادی نیز از نیروهای آموزش و پرورش بودند که در دوره های تربیت معلم قرآن در اردوگاه شهید باهنر تهران شرکت می کردند. به طور کلی، در همه این سال ها، اصلی ترین فعالیت سازمان تبلیغات اسلامی، آموزش بوده است اما اوج فعالیت در حوزه قرآن، به دهه ۶۰ مربوط می شود.

● **با توجه به فراز و نشیب فعالیت قرآنی در سازمان تبلیغات اسلامی، این فعالیت ها را به چند دوره می توان تقسیم کرد:**

در کل فعالیت های قرآنی سازمان را به سه دوره می توان تقسیم کرد. دوره اول، از سال تأسیس سازمان تا سال ۱۳۷۳ که

دوره درخشانی به حساب می آید؛ در این دوره خیلی کارها انجام شد و بسیاری از طرح های قرآنی که هم اکنون در سطح کشور اجرا می شود، در همان موقع مطرح و اجرایی شدند.

دوره دوم که فاصله سال های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ را دربرمی گیرد، به دلایلی دوره کاهش و نزول فعالیت های قرآنی است.

دوره سوم با آمدن حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی خاموشی (سال ۸۰) آغاز می شود. آقای خاموشی بر تقویت فعالیت های قرآنی در سازمان تأکید داشت. سرانجام هم سازمان دارالقرآن تشکیل شد و جایگاه فعالیت های قرآنی در سازمان استحکام پیدا کرد. از نظر نیروی انسانی و امکانات و بودجه نیز مورد توجه قرار گرفت.

در این دوره هم، آموزش محور کار قرار گرفت، اما به حوزه های دیگر مانند تبلیغات و مسابقات و جشنواره ها نیز پرداختیم. یکی از موضوع هایی که در این دوره به صورت جدی به آن توجه شد، سازمان دهی مشارکت های مردمی در حوزه فعالیت های قرآنی است. زیرا بر این باوریم که ورود مردم در کارهای قرآنی، ثمربخش تر است و بخش های دولتی هر قدر تلاش و سرمایه گذاری کنند، نمی توانند نیازهای مردم را مرتفع سازند. از سال ۱۳۸۴ تاکنون، برای بیش از ۱۰۰۰ مؤسسه قرآنی مردمی مجوز فعالیت صادر کرده ایم.

تأسیس خانه های روستایی قرآنی نیز در همین دوره آغاز شد و تاکنون حدود ۱۳۰۰ واحد خانه روستایی قرآنی فعالیت تشکیل شده است. این طرح با توجه به حضور بخش مهمی از جمعیت کشور در روستاها، کلید خورد. خانه های روستایی قرآنی، متولی کارهای مربوط به قرآن در روستاها به حساب می آیند.

نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم، آموزش مفاهیم قرآن و ورود به حوزه های پژوهشی نیز از دیگر فعالیت های سازمان در این دوره است که سرجمع به حدود ۴۰ عنوان فعالیت می رسد. باید به این نکته هم اشاره کنم: در سال ۱۳۸۷ در اساس نامه سازمان تبلیغات اسلامی، بازنگری انجام و نتیجه خدمت مقام معظم رهبری ارائه شد. ایشان اساس نامه را برای اجرا ابلاغ کرد. در اساس نامه ابلاغی به سازمان تبلیغات اسلامی، برای کارهای قرآنی، سه محور اصلی تعریف شد؛ یکی نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم، دوم، آموزش همگانی قرآن و سوم، سامان دهی مشارکت های مردمی در فعالیت های قرآنی.

● **این برنامه ها چگونه اجرا می شوند؟**

○ بحث های کارشناسی، طراحی و تدوین برنامه را در سازمان مرکزی (سازمان دارالقرآن) انجام می دهیم. اجرای برنامه هم وظیفه سازمان تبلیغات اسلامی استان ها است.

برای آگاهی بیشتر عرض کنم که در مرکز هر استان، اداره کل سازمان تبلیغات اسلامی داریم که شعبه هایی در شهرستان ها دارد. دارالقرآن از واحدهای زیرمجموعه این ادارات کل به حساب می آید.

بازدید شوند. جدای از این، گروه‌هایی را از مرکز به استان‌ها می‌فرستیم تا بر کل برنامه‌های ابلاغی برای اجرا نظارت داشته باشند. گزارش گروه‌های اعزامی در شورایی مطرح می‌شود و نارسایی‌ها و ضعف‌های احتمالی به استان مربوط گزارش می‌شود تا برای رفع آن‌ها اقدام شود.

● **معیارهای بازرسی برای تعیین نقاط قوت و ضعف چیست؟**

○ خدمات آموزشی و حوزه تبلیغ و ترویج، هر کدام معیار خاص خود را دارد. در بخش مشارکت‌های مردمی، یعنی همان فعالیت مؤسسه‌های قرآنی، با توجه به مشخص بودن برنامه‌ها، عملکرد و شیوه کار بررسی می‌شود. برای نمونه، برنامه تفصیلی آموزشی که در اختیارشان قرار داده‌ایم، از ابتدای دوره تا پایان آن کاملاً واضح است.

در برنامه، چگونگی برگزاری آزمون ورودی، ساعات آموزشی، منابع آموزشی و نحوه امتحان‌ها تعیین شده است. مؤسسه نباید به سلیقه خودش، از منابع دیگر استفاده کند. سوابق علمی و میزان اطلاعات معلمان نیز ارزیابی می‌شود.

سطح مؤسسه‌ها را با درجه‌بندی مشخص کرده‌ایم؛ آن هم با ملاک‌هایی از پیش تعیین‌شده مانند: داشتن هیئت‌مدیره، داشتن فضای آموزشی استاندارد، رعایت بهداشت مناسب و دیگر ضوابطی که در دفترچه‌های مخصوص تدوین شده و در دست اداره‌های کل و شهرستان‌هاست. بدین ترتیب، کار بازرسی و نظارت آسان می‌شود و می‌توان نقاط قوت و ضعف را تعیین کرد.

● **آیا کسانی که در دوره‌های آموزشی این مؤسسه‌ها شرکت می‌کنند، باید شهریه هم بپردازند؟**

○ بخشی از هزینه را ما تأمین می‌کنیم. برای دوره‌های تخصصی، بخشی از شهریه را از شرکت‌کنندگان دریافت می‌کنند تا هم فعالیت فرد بیشتر و هم سبب گسترش و تداوم کار مؤسسه شود. میزان شهریه‌ای را که باید از داوطلب بگیرند، طبق دستورالعملی مشخص است.

● **همان‌طور که شما از مؤسسه‌هایی که بخواهند فعالیت قرآنی بکنند، حمایت می‌کنید، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم «مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی» به این نوع مؤسسه‌ها مجوز می‌دهد. آیا فرق نمی‌کند که متقاضیان برای گرفتن مجوز و خدمات حمایتی به کدام نهاد مراجعه کنند؟ اگر مجوز فعالیت را از ارشاد بگیرند، آیا شما از آن‌ها حمایت می‌کنید؟**

○ در حوزه قرآنی، مراکز متعددی فعالیت می‌کنند. تعداد مراکز البته خوب است، زیرا نیاز به کار در این زمینه زیاد است و در صورتی که همه هم تلاش کنند، باز قادر به برآوردن کامل نیازها نیستند

اما مشکل، نبود هماهنگی بین مراکزی است که فعالیت قرآنی دارند. این کار امکان آسیب‌رسانی نیز دارد. از جمله همین

زمان تأسیس سازمان دارالقرآن (سال ۱۳۸۱)، در کل کشور ۷۰ پست قرآنی داشتیم که به ادارات کل (مرکز استان‌ها) مربوط می‌شدند. با توجه به جهشی که در فعالیت‌های قرآنی پدید آمد، احساس کمبود نیروی انسانی متخصص کردیم و با حمایت رییس سازمان تبلیغات اسلامی، ۷۰ پست قرآنی به ۴۵۰ پست افزایش یافت. در پی آن، علاوه بر ادارات کل، باید در ادارات هر شهرستان نیز کارشناس قرآن جذب می‌کردیم که تاکنون برای ۳۰۰ پست، کارشناس مربوط جذب شده است. کارشناسان، اجرای برنامه‌های سازمان را به عهده دارند.

با عنایت به افزایش ابلاغ برنامه‌ها، بحث تشکیل مؤسسه‌های مردمی برای اجرای برنامه‌های قرآنی در دستور کار قرار گرفت. لذا مدیریت، نظارت، هدایت و نیز حمایت، با کارشناسان مرکز است و استان‌ها موظف شده‌اند تا ۸۰ درصد کارهای عملی و اجرایی را به این مؤسسه‌ها واگذار کنند. این کار سبب توسعه مشارکت مردمی می‌شود؛ ضمن این که کار در بخش مردمی با کیفیت بهتر اجرا می‌شود.

● **حمایت سازمان دارالقرآن از مؤسسه‌های قرآنی از چه جنبه‌هایی است؟**

○ اول حمایت مادی است. هر مؤسسه قرآنی که به ثبت می‌رسد و رسمیت قانونی را به سازمان دارالقرآن اعلام می‌کند، ما برای آغاز فعالیت تا سقف یک میلیون تومان، کمک بلاعوض به مؤسسه می‌کنیم. کمک دیگر، دادن برنامه‌های مدون برای اجراست.

با فراهم کردن تسهیلات از راه‌های گوناگون نیز حمایتشان می‌کنیم. برای مثال با صندوق مهر امام رضا(ع) مذاکره کردیم تا وام‌هایی از ۷ میلیون تا ۳۰ میلیون تومان با کارمزد کم به این مؤسسه‌ها بپردازند. با وزارت خانه‌های نیرو و نفت نیز مکاتبه داشتیم تا تعرفه‌های آب، برق و گاز آن‌ها را براساس تعرفه‌های آموزشی محاسبه کنند و موفق هم شدیم.

قرآن‌های مورد نیازشان را با قیمت مناسب در اختیارشان می‌گذاریم. می‌دانید که متأسفانه قیمت قرآن در کشور گران است. سال گذشته ما ۴۰۰ هزار جلد قرآن چاپ کردیم؛ بخشی را رایگان و بخشی را با قیمت تمام شده بین این مؤسسه‌ها توزیع کردیم. منابع آموزشی را با قیمت مناسب به آن‌ها می‌دهیم و تا حد ممکن، از مؤسسه‌های قرآنی مردمی حمایت خواهیم کرد. دبیران دینی و قرآن مدارس هم می‌توانند مؤسسه قرآنی تشکیل دهند ما هم مجوز می‌دهیم و هم حمایت مادی و معنوی می‌کنیم.

● **چگونه بر مؤسسه‌ها نظارت دارید؟**

○ طبق آیین‌نامه‌ای که برای نظارت تدوین کرده‌ایم، استان‌ها موظف به نظارت‌اند. باید در سال دو بار، از نزدیک شیوه‌های عملیاتی-اجرایی و کلاس‌های آموزشی مؤسسه‌های قرآنی

موردی که شما به آن اشاره کردید که نتیجه ناهماهنگی و تداخل کارهاست. غیر از ما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استان‌داری‌ها و نیروی انتظامی هم، چنین مجوزهایی می‌دهند. بعضی نهادهای دیگر هم این اجازه را دارند.

براساس تکلیف قانونی که در سازمان دارالقرآن به‌عهده ما گذاشته شده و بدان اشاره کردم، درصددیم نظم و انضباطی در این بخش به وجود بیاوریم. تاکنون با دوستان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان ثبت، گفت‌وگوهای کرده‌ایم. غرض ما این است که براساس اسناد بالادستی موجود در کشور، هر نهاد و سازمانی فقط به وظیفه خودش عمل کند تا در کارها تداخل و ناهماهنگی به‌وجود نیاید. امیدواریم به‌زودی به نتیجه خوبی برسیم.

درباره بخش دیگر پرسش شما؛ برای ما فرقی نمی‌کند که کدام مؤسسه از کجا مجوز فعالیت گرفته است. ما به توانایی گردانندگان مؤسسه نظر داریم. ما در مواردی به مؤسسه مردمی فعال در حوزه قرآنی کمک می‌کنیم که طبق برنامه‌ای که از ما می‌گیرند و شرح آن گذشت، عمل کنند. به همین ترتیب، نظارت هم داریم. حال از سازمان تبلیغات مجوز گرفته باشند یا وزارت ارشاد یا جای دیگر!

● اگر معلمان قرآن آموزش و پرورش در استان‌ها بخواهند مؤسسه‌ای در زمینه کارهای قرآنی تأسیس کنند، باید چه توانایی‌ها و امکاناتی داشته باشند؟ برای گرفتن مجوز به کجا بروند؟

○ متقاضی‌ها باید به سازمان تبلیغات اسلامی استان‌ها رجوع کنند و فرم‌های مربوط را بگیرند تا با شرایط اعطای مجوز آشنا شوند. از جمله، باید

امکانات سخت‌افزاری داشته باشند. اصل همان است که به سازمان محل اقامت خود بروند. در آن‌جا ضمن تشکیل پرونده، از امکانات در

خواست‌کننده بازدید می‌شود. در صورت تأیید، پرونده را برای ما در مرکز می‌فرستند. اگر در این‌جا تأیید نهایی شد، برای اداره ثبت ارسال می‌کنیم تا مجوز صادر شود.

● آموزش و پرورش در استان‌ها، ۶۰۰ واحد دارالقرآن و صدها مدرسه قرآن دارد. اگر مدیران این مراکز به دفاتر شما در استان‌ها و شهرستان مراجعه کنند، می‌توانند از امکانات در اختیار شما برای فعالیت خود بهره ببرند؟

○ اگر بخواهند مجوز بگیرند، طبق روالی است که عرض کردم.

● مجوزی که از آموزش و پرورش دارند، کفایت نمی‌کند؟

○ اکنون هم با دارالقرآن‌ها و مدرسه‌های قرآن آموزش و پرورش ارتباط داریم. دارالقرآن‌ها و مدارس قرآنی فعال‌تر، از امکانات قرآنی سازمان استفاده می‌کنند.

● ولی تا آن‌جا که ما اطلاع داریم این استفاده‌ها به‌صورت رسمی نیست.

○ اگر قرار باشد همکاری رسمی باشد، با آموزش و پرورش حرف جدی داریم. از اولین جاهایی که بنده برای اعلام همکاری نامه نوشتم، وزارت آموزش و پرورش است. نامه مفصلی را برای وزیر آموزش و پرورش فرستادم. در این نامه یادآوری کردم که با توجه به حساسیت جایگاه این وزارت‌خانه، سازمان دارالقرآن وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، ظرفیت‌ها و امکاناتی دارد که می‌تواند به آموزش و پرورش مدد برساند. ما قادریم به آموزش و پرورش خیلی کمک کنیم.

از جمله می‌توانیم با گذاشتن کلاس‌ها و دایر کردن کارگاه‌ها، اطلاعات معلمان قرآن را به‌روز کنیم.

این توانایی را داریم که در مدت سه سال

برای کل معلمان قرآن، کلاس‌های

دانش‌افزایی تشکیل دهیم. برای

نمونه در سال تحصیلی ۸۸-

۸۷، این کار را در استان کرمان

یکی از موضوعات

مورد توجه سازمان

تبلیغات اسلامی، سازمان‌دهی
مشارکت‌های مردمی در فعالیتهای
قرآنی است. از سال ۱۳۸۴ تاکنون
برای بیش از ۱۰۰۰ مؤسسه قرآنی
مردمی در سراسر کشور مجوز
صادر شده است



برای حدود ۱۵۰۰ معلم انجام دادیم. ابتدا با مدیرکل آموزش و پرورش استان هماهنگ شد و بعد کلاس‌ها را دایر کردیم.

تعداد مؤسسه‌های قرآنی سازمان دارالقرآن به ۱۰۰۰ واحد می‌رسد. این مؤسسه‌ها با نیروهای متخصص خود می‌توانند به آموزش و پرورش کمک قابل توجهی ارائه دهند. وزارت آموزش و پرورش می‌تواند بگوید، مثلاً آموزش قرآنی ۱۰۰ هزار نفر از دانش‌آموزان را کارشناسان قرآنی مؤسسه‌های مرتبط با سازمان دارالقرآن تقبل کنند. ما این کار را انجام می‌دهیم.

● حال که گفت‌وگو به آموزش و پرورش کشید و جناب‌عالی درباره کمک به آموزش معلمان قرآن یا درس قرآن دانش‌آموزان اشاره کردید، باید به نکته مهمی اشاره کنم. در هر نهاد آموزشی، به‌ویژه در آموزش و پرورش، آموزش به‌صورت مجموعه‌ای هدفمند مطرح می‌شود. در آموزش و پرورش، آموزش معلمان، کتاب‌های درسی و وسایل کمک آموزشی، به‌صورت بسته‌های آموزشی دیده می‌شود. اگر سازمان دارالقرآن بخواهد برای معلمان قرآن کلاس‌های دانش‌افزایی تشکیل دهد، باید اساس آموزش چنان باشد که معلم بتواند کتاب درسی را برای دانش‌آموزان در کلاس بهتر آموزش بدهد. نمی‌شود معلمان آموزش و پرورش را براساس منابع آموزشی رایج در سازمان تبلیغات اسلامی یا دارالقرآن‌های این سازمان آماده تدریس کرد.

○ به نظر بنده اگر معلمان به روش آموزشی مسلط باشند و به اطلاعات لازم قرآنی اشراف داشته باشند، می‌توان در جلسات محدودی آن‌ها را با نحوه تدریس در آموزش و پرورش هم آشنا کرد.

● معلمان آموزش و پرورش سه گروهند: گروهی که در دوره ابتدایی تدریس می‌کنند. گروه معلمان دوره راهنمایی و معلمان دوره دبیرستان. به نظر شما آنانی که نیاز به دوره‌های آموزشی شما دارند، در کدام گروه قرار دارند؟

○ به مجموعه آموزش و پرورش نظر دارم. شاید در جریان قرار گرفته باشید که بنده در ۸ سال گذشته در مناطق مطرح استان تهران، دوره‌های آموزشی دایر کردم و هم از شرکت‌کنندگان امتحان گرفتم. نمی‌خواهم اسمی از مناطق ببرم اما در کلاس

یک منطقه ۲۲۰ نفر از معلمان قرآن و مربیان

پرورشی شرکت داشتند و در یکی از

شهرستان‌های استان تهران حدود ۱۴۰

نفر در دوره آموزشی حضور یافتند. از

این عده آزمون ورودی گرفتیم حدود

۸۰ درصدشان نمی‌توانستند قرآن را

با کیفیت لازم بخوانند.

● معلمان چه مقطعی بودند؟

○ از دوره‌های راهنمایی و دبیرستان

بودند اما شک دارم که معلمان دوره

ابتدایی بودند یا خیر!

خدمت شما باید این توضیح را بدهم، کسانی که دینی و قرآن را در دبیرستان تدریس می‌کنند، بیش از ۹۵ درصدشان مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی دارند و هم چنین ۷۰ تا ۸۰ درصد معلمان قرآن دوره ابتدایی، مدرک کارشناسی گرفته‌اند که قرآن هم تدریس می‌کنند. در این دوره، ۳۰۰ هزار نفر کار تدریس فارسی و ریاضی و دروس دیگر را به‌عهده دارند. چند سالی است بخش‌نامه داده‌اند که این عده از معلمان، می‌توانند قرآن هم تدریس کنند. به همین علت تأکید دارم که مشخص شود، معلمان کدام دوره بودند که نمی‌توانستند درست قرآن را از رو بخوانند؟ توضیح دیگر این است که معلم ابتدایی که کتاب قرآن را تدریس می‌کند، فقط لازم است آیات موجود در این کتاب را بخواند. آیا لازم است قادر به قرائت تمام آیات قرآن باشد؟ اگر این توانایی را داشته باشد، عالی است اما انتظار آموزش و پرورش از معلم ابتدایی، احاطه به آن حدی است که در کتاب درسی آمده است. در این وضعیت، شما اگر از این معلم از قسمت‌های دیگر قرآن امتحان بگیرید، احتمال دارد که نتواند پاسخ بدهد.

○ از نظر من اشکال دارد. کسی که به کسوت معلمی درآمده است، نباید به حداقل اکتفا کند. می‌دانید خیلی از دانش‌آموزان در جلسات قرآنی خارج از مدرسه و در کلاس‌های مؤسسه‌های قرآنی حضور می‌یابند. اگر دانش‌آموزی از معلمش درباره مطلبی خارج از کتاب پرسید، آیا معلم قرآن باید بتواند پاسخ وی را بدهد یا نه؟!

به نظر من تعداد دانش‌آموزانی که در جلسات قرآن خارج از مدرسه شرکت می‌کنند ۳٪ نیز نمی‌شود.

از نظر بنده، کسی که معلم قرآن می‌شود، باید اطلاعات لازم درباره قرآن به همراه مهارت تدریس، هر دو را داشته باشد. خوب است ولی تا زمانی که نتوانیم نیروهای ماهر تربیت کنیم باید به حداقل‌ها اکتفا کنیم.

○ این مورد را هم اضافه کنم بد نیست. وقتی برای پست سازمانی قرآن می‌خواستیم نیروی کارشناس جذب کنیم، گزینش متمرکز را در سازمان مرکزی قرار دادیم.

دارندگان مدارک کارشناسی و کارشناسی

ارشد قرآنی می‌آمدند. خیلی از این افراد

نمی‌توانستند قرآن را از رو بخوانند.

مدارک کارشناسی قرآن داشتند، اما

به این علت که فقط اطلاعاتی را به

آنان منتقل کرده بودند و کار مهارتی

با آنان نشده بود، نمی‌توانستند قرآن

را بخوانند. در نتیجه، اگر معلم توانایی

حداکثری نداشته باشد، باید دارای

توانایی حد وسطی باشد تا از عهده

به دلیل سکونت
بخش مهمی از جمعیت
کشور در روستاها، ۱۲۰۰ واحد
خانه‌های روستایی قرآنی فعال
در روستاها تشکیل دادیم.
خانه‌های روستایی، متولی
فعالیت‌های قرآن در این
مناطق به حساب می‌آیند

تدریس و پاسخ به پرسش‌ها برآید.

● در دوره‌های آموزشی که می‌خواهید برای معلمان آموزش و پرورش برگزار کنید، آن‌ها را فقط به روخوانی و روان‌خوانی قرآن مسلط می‌کنید یا توانایی‌های دیگر هم پیدا می‌کنند؟

○ در دوره‌های آزاد تربیت‌معلم که برگزار می‌کنیم، عده‌ای از معلمان آموزش و پرورش هم شرکت می‌کنند. در این دوره‌ها یک بسته آموزشی تعریف شده است که باید در ۲۶۰ ساعت تدریس شود. بخشی از این بسته به صورت مستقیم به آموزش تخصصی حوزه قرآن مربوط است. بخش دیگر، از نیازهای معلم است که باید در آن زمینه‌ها اطلاعات لازم را برای ایجاد ارتباط درست با متعلمان داشته باشد؛ مانند روان‌شناسی و فن بیان.

● در دوره آموزشی که در کرمان اجرا کردید و به گفته شما، معلمان قرآن به روخوانی و روان‌خوانی مسلط شدند، از کدام منابع آموزشی استفاده شد؟

○ در ابتدای این دوره‌ها دو کار انجام می‌دهیم که در کرمان هم همین‌گونه عمل کردیم. ابتدا آزمون گرفتیم. در این آزمون، کسانی که در روخوانی و روان‌خوانی قرآن مشکلی نداشتند، گواهی‌نامه‌ای مبنی بر احاطه به روخوانی و روان‌خوانی قرآن دریافت کردند.

بعد از آزمون روش تدریس گرفتیم؛ آن هم به صورت کار عملی. مثلاً خواستیم در پای تابلو، درسی را تدریس کند. افرادی که در تدریس توانایی کافی داشتند، تأیید شدند، اما آنانی که در تدریس ضعف داشتند، در کلاس روش تدریس شرکت کردند و طبق برنامه پیش رفتیم.

● در آموزش معلمان قرآن از چه رسم الخطی استفاده می‌کنید؛ رسم الخط ایرانی یا رسم الخط دیگر می‌دانید که در آموزش و پرورش، معلم و دانش‌آموز ابتدایی از قرآن کم‌علامت استفاده می‌کنند و با علائم اضافی صداها کشیده و برخی موارد دیگر آشنایی ندارند. لذا نیازی به آموزش هم ندارند.

● یعنی نیازهای آموزش و پرورش را می‌شناسند؟

○ بلی! به موضوع دیگری هم در این دوره‌ها توجه داریم و آن ایجاد انگیزه در معلم است که البته

به پرنگی بخش‌های دیگر نیست. وجود انگیزه در معلم قرآن، در پیشرفت کارش خیلی تأثیر دارد. معلم با انگیزه با جان و دل به کار می‌چسبد و قصدش فقط رفع تکلیف نیست. ما هر دو نوع معلم را دیده‌ایم؛ با انگیزه و بی‌انگیزه. آنانی که تخصص دارند ولی علاقه و انگیزه ندارند. کسانی هم که انگیزه کار دارند، اما دانش لازم را

ندارند، باید در هر دو زمینه تلاش کرد. ما تا آن حد که وقت و امکانات اجازه بدهد، در هر دو زمینه کار می‌کنیم.

● دبیرخانه نهضت قرآن آموزی، چند سالی در سازمان دارالقرآن که اکنون جناب عالی مدیریت آن را دارید، مستقر بود. بودجه و امکانات مربوط را هم گرفته‌اید. اما شورای انقلاب فرهنگی با تصویب منشور توسعه فرهنگ عمومی قرآن، مدیریت آن را به وزارت آموزش و پرورش سپرده است. بفرمایید در این مجموعه برای جایگاه دارالقرآن (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) چه تعریفی کرده‌اند؟ ضمن این‌که با توجه به منشور مورد اشاره، احتمال انتقال دبیرخانه مستقر در سازمان دارالقرآن به آموزش و پرورش وجود دارد.

○ در شعار خیلی حرف‌ها گفتند، ولی در عمل هیچ نکردند! این عنوان در برنامه سوم توسعه کشور آمد، اما تا سه سال هیچ اقدامی نکردند. در سال چهارم، ما ریزنی کردیم؛ یعنی در آخرین سال اجرای برنامه سوم توسعه، آیین‌نامه مربوط تصویب شد. این عنوان در برنامه چهارم توسعه هم دیده شد، ولی حمایت نکردند. یعنی ساختار آن، کارآمد نبود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رییس معرفی شد و در سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه را مستقر کردند. بیش از ۱۰ دستگاه عضو بودند که بسیاری از آن‌ها هیچ ارتباطی با کار قرآنی نداشتند. در نتیجه انگیزه هم برای فعالیت نداشتند. رییس نهضت قرآن آموزی هم حمایت نکرد. عنوانی مصرف شد بدون فایده!

● برگردیم به کار سازمان دارالقرآن. تا آن حد که در جریانم، دارالقرآن دوره‌های آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم را دایر می‌کرد. دوره‌های ۶ ماهه تجوید تشکیل می‌داد. بفرمایید سازمان دارالقرآن در رویکرد آموزشی جدید، به چه مواردی توجه دارد؟

○ ما سه حیطه آموزشی را تعریف کرده‌ایم؛ آموزش‌های عمومی، آموزش‌های متوسط و آموزش‌های تخصصی. یعنی از حداقل آموزش مربوط به روخوانی را در سطح عمومی داریم تا آموزش روان‌خوانی و مفاهیم و سطح یک تجوید.

● مفاهیم را در چه سطحی و از چه منبعی پی‌می‌گیرید؟

○ از کتاب آقای مسعود وکیل برای آموزش مفاهیم استفاده می‌کنیم که مفاهیم هم سطح‌بندی دارد.

● پس در دارالقرآن از همان آغاز آموزش عمومی، همراه با روخوانی، مفاهیم را هم آموزش می‌دهید؟

○ این‌طور نیست. آموزش عمومی نیز براساس یک بسته دنبال

ما سه سطح
آموزشی را تعریف
کرده‌ایم؛ آموزش‌های عمومی،
آموزش‌های متوسط و
آموزش‌های تخصصی. یعنی
از حداقل آموزش مربوط به
روخوانی را در سطح عمومی
داریم تا آموزش روان‌خوانی و
مفاهیم و سطح یک تجوید

می‌شود؛ آن هم در سه سطح: اول روخوانی، بعد روان‌خوانی و سرانجام آموزش مفاهیم.

● پس در دوره آموزش عمومی، افراد می‌توانند فقط در برخی از دوره‌ها شرکت کنند؛ یعنی یک نفر می‌تواند در دوره روخوانی و روان‌خوانی شرکت کند، ولی در دوره آموزش مفاهیم حاضر نشود.

○ درست می‌فرمایید. در کل، آموزش ما از سطح روخوانی آغاز می‌شود و تا دوره تخصصی تربیت معلم و مدرس، قاری و حافظ، ادامه می‌یابد. حجم کار آموزشی ما در دوره‌های عمومی و متوسطه خیلی زیاد است، اما در دوره تخصصی از حجم کار کاسته می‌شود و به کادرسازی و تربیت معلم می‌پردازیم؛ آن هم کسانی را می‌پذیریم که ویژگی این کار را دارند.

● آیا اکتفا به آموزش روخوانی و روان‌خوانی، تعریف ناقصی از آموزش قرآن نیست؟

○ مجبوریم مقدماتی را آموزش بدهیم که برای آموزش موضوع‌های اصلی پایه‌ای است. به همین علت، در دوره‌های آموزشی، بحث‌های مفاهیم و تفسیر را در قالب‌های متفاوت گنجانده‌ایم. شرکت در این دوره، برای همگان آزاد است، اما نمی‌توان اجبار کرد که اگر کسی در کلاس روخوانی شرکت کرد، باید در کلاس روان‌خوانی و مفاهیم هم شرکت کند.

● بنابراین آموزش روخوانی با آموزش مفاهیم در هم تنیده نیست؟

○ این کار را به صورت دیگری آغاز می‌کنیم؛ زیرا احساس کردیم که باید در شیوه‌های آموزشی تجدیدنظر کنیم. در

مواردی باید به سمت آموزش محتوایی برویم.

● چه فایده دارد که دارالقرآن به یک نفر خواندن قرآن بیاموزد. و وی از اول تا آخر قرآن را بخواند و هیچ چیز نفهمد؟ باید با تغییر راهبرد آموزش قرآن، آموزش روخوانی را با فهم همراه کنیم؛ یعنی آموزش کاربردی‌تر شود.

○ با حرف شما می‌توان این نتیجه را گرفت که قرآن‌خوانی چه فایده‌ای دارد؟ یعنی فایده‌ای ندارد! اما این جوری هم نیست که بی‌فایده باشد. تدبیر پس از آن میسر است که بتوانی قرآن را بخوانی. تأکید هم بر خواندن قرآن تا حد ممکن شده است.

● نه این که همه اصالت در خواندن بدون فهم باشد. ○ خواندن قرآن هم اصالت دارد. خواندن قرآن بی‌فایده نیست. حتماً نباید همراه با فهم باشد. این‌جا بحث روان‌شناسانه مطرح است. اگر خواندن قرآن همراه با فهم آیات باشد که خیلی خوب است.

دبیران قرآن
مدارس موسسه قرآنی
تشکیل دهند ما هم مجوز
می دهیم و هم حمایت
مادی و معنوی می کنیم



● درست است که خواندن قرآن اصالت دارد، ولی هیچ‌جا نداریم که قرآن بخوان معنی آن را نفهم. در این صورت نباید دنبال فهم آن برویم؟

○ از اتفاق، بر فهم قرآن و تدبر در آن مکرر تأکید شده است؛ مثلاً؛ افلا یتدبرون القرآن و...

○ تدبر با فهمیدن تفاوت دارد...

● چه‌طور شما می‌توانید در قرآن تدبر کنید، وقتی معنی آن را نفهمید؟! لازمهٔ تدبر، فهم معناست.

○ فهمیدن با ترجمهٔ متن عربی مثلاً به فارسی، ارتباط پیدا می‌کند. فارسی‌زبان از طریق ارتباط با ترجمهٔ متن عربی می‌تواند آن را بفهمد. اما تدبر با تعقل و اندیشه‌ورزی ارتباط می‌یابد. لذا می‌خواهم عرض کنم، قرآن می‌گوید قرآن را بخوانید، نه این‌که بخوانید و هیچ نفهمید.

○ کسی نمی‌گوید قرآن بخوانید و هیچ نفهمید. چنین چیزی را هیچ‌کس تأیید نمی‌کند.

در کل کشور، آموزش قرآن را در روخوانی خلاصه می‌کنند و چیز دیگری نصیب فراگیر نمی‌شود. مقام معظم رهبری چند بار فرمودند- متن سخنان موجود است- من قبلاً فکر می‌کردم خواندن یک سوره تا پایان، خاصیتی دارد. اهل‌بیت (ع) برنامه‌شان این نبود که قرآن را برای تمام کردن بخوانند، بلکه آیه‌ای را می‌خواندند و معنایش را هم می‌فهمیدند.

● شما رویکرد آرمانی دارید. در برخی مواقع، در مورد آموزش قرآن، مرزهای آرمانی مطرح می‌شود، درحالی‌که به این ترتیب، رسیدن به موقعیت حداقلی را هم از دست می‌دهیم.

○ در روایت داریم که اگر سواد خواندن قرآن را نداری یا نابینایی، هر روز چند بار قرآن را باز کن و جلوی صورت بگیر. چرا؟ زیرا کلمات قرآن، خاصیتی دارند تأثیرگذار. ماجرای کربلایی کاظم را می‌دانید که بی‌سواد بود. ایشان را نزد آیت‌الله بروجردی بردند. آیت‌الله بروجردی برای این‌که او را آزمایش کند، کتاب دعا را جلوی‌ش گذاشت و گفت بخوان. کربلایی کاظم گفت: از این صفحه فقط پنج کلمه قرآنی است. پرسید از کجا متوجه شدی؟ پاسخ داد: این پنج کلمه نورانی است. بقیهٔ کلمه‌ها تاریک‌اند.

می‌خواهم بگویم، ارتباط حداقلی و حداکثری با قرآن داریم. به عبارت دیگر، ارتباط با قرآن مانند یک بستهٔ ارتباطی است. هر کدام در جای خودش اصل است. فیلم بستری بودن امام خمینی (ره) را در بیمارستان دیده‌اید که در حالت بیماری، قرآن می‌خواند. نباید به بهانهٔ فهم و تفسیر، خواندن قرآن مخدوش شود. اما در این حد ماندن و فقط روی خواندن تکیه کردن هم غلط است.

اما اکنون به آن رویکردی که اشاره داشتید، احساس نیاز

می‌کنیم. به نظر ما شاید دیگر ایجاد دوره‌های آموزشی صرفاً با هدف روخوانی و فراگیری صوت و لحن نتواند فراگیر شود؛ این آموزش‌ها متقاضیان خاص خود را دارد. اما گروه بسیار کثیری که می‌توانند قرآن را از رو بخوانند، ممکن است بپرسند که خب، این حد از ارتباط با قرآن کریم چه گرهی از مشکل را حل می‌کند؛ حال می‌خواهد مشکل شخصی و خانوادگی باشد، یا اجتماعی. آیا خواندن قرآن برای مراسم سوگواری به کار می‌آید؟

با توجه به این وضعیت، سازمان دارالقرآن دو موضوع را در دستور کارش قرار داده است:

الف) بازبینی در برنامه‌های آموزشی را دنبال می‌کنیم، با این هدف که روح حاکم در آموزش روخوانی، تربیت قرآنی باشد. در تربیت قاری هم، همین روح باید حاکم باشد و قاری را به سمت و سوی انسان قرآنی هدایت کند. نتیجه این نباشد که قاری خیلی خوب بتواند قرائت کند، اما اخلاق قرآنی نداشته و از همگان طلب‌کار باشد. به همین دلیل، «معاونت مطالعات راهبردی قرآنی دارالقرآن» گروهی را سازمان داده است تا نظام تعلیم و تربیت قرآنی را با رویکرد آموزشی آماده کند. از این نظام به‌صورت مستقیم، در دوره‌های آموزشی استفاده خواهد شد. درحقیقت، با این کار، نظام آموزشی به سمت و سوی ویژه‌ای هدایت می‌شود. ب) در زمینهٔ ایجاد «کارگاه آموزشی مهارت‌های زندگی قرآنی» با توجه به تجربه‌هایی که داشته‌ایم، درصددیم این کارگاه‌ها را سازمان‌دهی و گسترش بدهیم. اصول آموزشی در این کارگاه‌ها مبتنی بر اصول قرآنی است تا با توجه به اصول قرآنی، بتوانیم در موقعیت‌های متفاوت زندگی، براساس تعلیم قرآنی تصمیم‌بگیریم.

تاکنون بیشتر با هدف کادرسازی، حدود ۵۰ دوره از این کارگاه‌ها را به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی برگزار کرده‌ایم. این تغییرات در برنامه‌های ما براساس نیازهای جامعه به‌وجود آمده است تا قادر به پاسخ به ذائقه‌های گوناگون در استفاده از فایده‌های قرآن باشیم. لذا در حوزهٔ تربیت قرآنی، یکی قاری می‌شود. دیگری با توجه به موقعیت و علاقه‌اش می‌رود دنبال محتوای اخلاقی و اجتماعی قرآن، تا بتواند به صورت مستقیم در زندگی خود از آن بهره بگیرد.

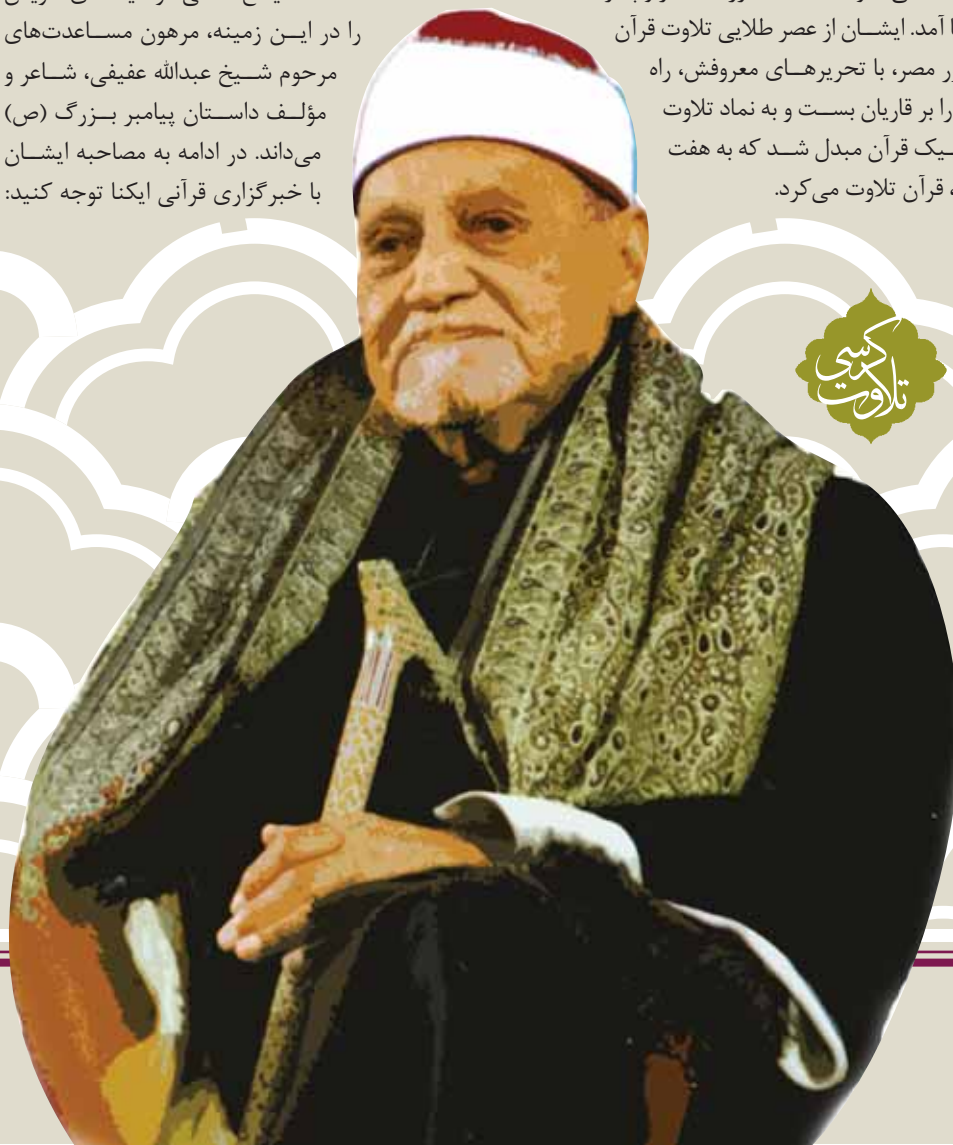
امیدواریم قادر به تأمین ابزار و امکانات لازم برای گسترش برنامه‌های جدید باشید که بر محور تربیت قرآنی تمرکز یافته است.

عصر طلایی قرائت قرآن در مصر

شعیشع: جریان تلاوت‌های ماندگار قاریان مصر
هم‌چنان ادامه دارد

استاد ابوالعینین شعیشع در ۱۲ آگوست ۱۹۲۲ میلادی، مطابق با ۱۳۴۳ قمری در «بیلا» از توابع استان «کفرشیخ» متعلق به مصر علیا، در خانواده‌ای پر جمعیت و به لحاظ مالی متوسط که ۱۱ فرزند دختر و پسر داشت، به دنیا آمد. ایشان از عصر طلایی تلاوت قرآن کشور مصر، با تحریرهای معروفش، راه تقلید را بر قاریان بست و به نماد تلاوت کلاسیک قرآن مبدل شد که به هفت قرائت، قرآن تلاوت می‌کرد.

از دیگر ویژگی‌های ممتاز تلاوت‌های این استاد بزرگ قرائت جهان اسلام، وزین و باوقار بودن صوت و دقت در ادای کلمات و بیان رسا و تلفظ قوی کلمات و حروف است که استاد شعیشع تمامی موفقیت‌های خویش را در این زمینه، مرهون مساعدت‌های مرحوم شیخ عبدالله عفیفی، شاعر و مؤلف داستان پیامبر بزرگ (ص) می‌داند. در ادامه به مصاحبه ایشان با خبرگزاری قرآنی ایکننا توجه کنید:



تلاوت کبیری

أبو العینین شعیشع، شیخ القراء مصر، با رد این گزاره که «مصر از عصر طلایی تلاوت و قرائت قرآن فاصله گرفته است»، تصریح کرد: جریان خروشان تلاوت‌های ماندگار و قرائت‌های آسمانی قراء گذشته مصر همچنان ادامه دارد.

أبو العینین شعیشع رئیس اتحادیه حافظان و قاریان مصر و رئیس مرکز بین‌المللی حفظ قرآن کریم، با بیان این مطلب، به ظهور پدیده‌های جوان در قرائت و تلاوت در سطح کشور مصر اشاره کرد و گفت: «أنور و محمود فرزندان مرحوم شحات أنور و یاسر و لواء فرزندان مرحوم عبدالباسط عبدالصمد، آینده درخشانی را برای مصر رقم خواهند زد و من به عنوان رئیس کمیته گزینش قراء در رادیو و تلویزیون مصر، تاکنون استعدادهای فراوانی را شناسایی کرده‌ام.

عضو شورای عالی امور اسلامی مصر، با تأکید بر اهتمام ویژه مصری‌ها به تلاوت و قرائت قرآن ابراز داشت: «من سالانه وظیفه دارم، دو قاری ممتاز و جوان را شناسایی و به جهان اسلام معرفی کنم که هر دو هم‌زمان با میلاد حضرت رسول اکرم (ص) و در حضور قرآن‌دوستان قرائت می‌کنند.»

این پیر استاد قرائت تصریح کرد: «حس هم‌گرایی و میل به هم‌بستگی ایرانی‌ها نسبت به مصری‌ها را از نزدیک حس کردم و این مشابه همان احساس، شور و علاقه مصری‌ها نسبت به ملت آزاده ایران است. پیامی که من به مصر خواهم برد، این است که ملت ایران احترام و محبت فراوانی نسبت به ملت مصر دارد.»

قاری مسجد حضرت زینب (س) مصر، آرزوی دیرینه خود را وحدت، همبستگی و یکپارچگی ملت‌های مسلمان و حکومت‌های اسلامی دانست و دلیل دودستگی و تشتت مسلمانان را حضور اشغال‌گران و دخالت استعمارگران در امور داخلی امت اسلام برشمرد.

شعیشع بر ضرورت و لزوم هوشیاری مردم و حکومت‌های اسلامی نسبت به بحران‌های ساختگی بدخواهان تأکید کرد و گفت: «استعمارگران نوظهور در تلاش‌اند که ملت‌ها و فرهنگ‌های اسلامی را دور از هم نگاه دارند تا اطلاعاتی از مشترکات همدیگر کسب نکنند.» او، آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای را میان ملت عرب، به‌ویژه مردم مصر، از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار دانست و افزود: «ایشان امروزه به‌عنوان پرچم‌دار اسلام راستین و رهبر نهضت اصیل اسلامی شناخته شده‌اند.»

شعیشع به مراسم نکوداشت خویش و تنی چند از قرآن‌پژوهان در ایران اشاره کرد و گفت: «بهترین و برترین بزرگداشت و تکریم برای من زمانی بود که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نماینده‌ای به نیابت از خود فرستاد و مرا مورد لطف قرار داد. من نیز برای آن حضرت آرزوی موفقیت و طول عمر کردم.»

أبو العینین شعیشع در پایان، دو صفت «استقامت» و «اخلاص» را برترین صفات قاری خوب عنوان کرد و گفت: «من در طول زندگی پرفراز و نشیب و همراه با عسرت و تنگدستی، با ایمان کامل به قادر لایزال هستی و کتاب‌گران‌سنگ او، توانستم مراحل و مدارج مهم را طی کنم.»

بهترین و برترین بزرگداشت و تکریم برای
من زمانی بود که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای،
نماینده‌ای به نیابت از خود فرستاد و مرا مورد
لطف قرار داد. من نیز برای آن حضرت آرزوی
موفقیت و طول عمر کردم

گفت و گو

مدیرکل
دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن کیمز

چاپ قرآن کیمز در جمهوری اسلامی ایران

قرآن کیمز در جمهوری اسلامی ایران بدون غلط چاپ می شود

گفت و گو:
رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی
یونس باقری

قرآنی که از طرف افراد حقیقی و حقوقی برای چاپ از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم ارائه می‌شود، تا زمان عرضه به بازار مراحل زیر را طی می‌کند:

۱. بررسی اولیه برای تشخیص قابلیت چاپ داشتن؛
 ۲. بررسی زیراکس یا پرینت تمام صفحات قرآن برای استخراج اشکالات احتمالی؛
 ۳. ارائه اوزالید فیلم متن اصلاح شده از طرف متقاضی برای بررسی به دفتر نظارت؛
 ۴. صدور مجوز چاپ در صورت نبود غلط در متن مربوط؛
 ۵. رفع اشکالات و غلط‌های احتمالی در صفحه‌های مربوط و ارائه اوزالید فیلم متن اصلاح شده همان صفحات به دفتر نظارت برای تأیید؛
 ۶. تحویل دو نسخه از قرآن چاپ شده قبل از صفافی، برای بررسی به دفتر نظارت؛
 ۷. تأیید نسخه‌های قرآن در صورت نبود هرگونه اشکال و غلط و صدور مجوز صفافی و نشر.
- * برای کم و کیف نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم و تصحیح قرآن گفت‌وگویی با آقای احمد حاجی شریف مدیرکل دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم دارالقرآن سازمان تبلیغات اسلامی انجام داده‌ایم که پیش‌روی شماست.

صحبت شد تا در مقابل مسابقهٔ رژیم پهلوی، مسابقه‌ای را در سطح کشور تدارک ببینند تا دوستانی که آن مسابقه را تحریم کرده بودند، در این رقابت حضور یابند. جایزه را هم اعزام ۲۰ نفر به زیارت خانه خدا قرار دادند. مسابقه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۵۶ برگزار شد.

مرحوم حاج آقا بیوک محمدی گفتند، هنگام اعزام قاریان به مکه، خوب است تعدادی قرآن هم با خود ببریم. بنده از ایشان خواستم قرآن‌ها را ببینم. ایشان قرآنی را که تهیه کرده بود، برایم فرستاد. پس از بررسی، مشاهده کردم متأسفانه با خیلی غلط چاپ شده است. موضوع را با ایشان در میان گذاشتم. پاسخ داد، حالا که خریده‌ایم. در نهایت به ساک هر قاری اعزامی، قرآنی دادند تا با خود به مکه ببرد. هدف این بود که بگویند در ایران هم قرآن چاپ می‌شود.

قرآن‌های چاپ ایران هم مثل قرآن‌های آن‌هاست و در ایران هم قاری قرآن وجود دارد. اعزام قاریان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۷ صورت گرفت. در سال ۱۳۵۹، یکی از روزنامه‌های عربستان، تیتیر درشتی زد که قرآن‌های چاپ شده در جمهوری اسلامی ایران پر از غلط است و یک صفحهٔ بزرگ هم، غلط‌های موجود در آن قرآن را چاپ کرد.

آن روزنامه را در شورای قرآن سازمان تبلیغات اسلامی،

بررسی کردیم و خطاب به آیت‌الله جنتی، رئیس وقت «سازمان تبلیغات اسلامی»، نامه‌ای نوشتیم و موضوع غلط‌های موجود در قرآن‌های چاپ شده را به اطلاع ایشان رساندیم. یادآوری کردیم، صلاح نیست در جمهوری اسلامی قرآن با غلط چاپ شود. حتی پیشنهاد کردیم مرکزی متولی بررسی قرآن، قبل از چاپ شود. نامه در شورای تبلیغات مطرح شد. شورا تصویب کرد که سازمان تبلیغات اسلامی این مسئولیت را به عهده بگیرد. دفتری تأسیس کند و قرار شد بدون مجوز سازمان تبلیغات اسلامی، قرآنی چاپ نشود.

پس از دو سال تحقیق، سرانجام در مردادماه سال ۱۳۶۴، دفتر «نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم»، کار خود را به‌طور رسمی آغاز کرد و اعلام شد، هرگاه هر نهاد حقیقی و حقوقی (اعم از خصوصی و دولتی) بخواهد قرآنی چاپ کند، باید آن را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل دهد. وزارت ارشاد نیز قرآن را به سازمان تبلیغات اسلامی بفرستد تا بعد از

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی
هیچ‌گونه نظارتی بر چاپ قرآن کریم
نبود و در بررسی قرآن‌های آن دوره،
به یادمانده است که بدون استثنا با
غلط چاپ و منتشر می‌شدند...

● دلیل تأسیس مرکزی که بر چاپ و نشر قرآن کریم در جمهوری اسلامی ایران نظارت کند چه چیزی بود؟

○ پیش از انقلاب اسلامی، هیچ‌گونه نظارتی بر چاپ قرآن کریم نبود. ناشرانی که می‌خواستند قرآن کریم چاپ کنند، قبل از اقدام به چاپ، آن را به افرادی که با قرآن آشنایی داشتند، می‌دادند. آنان نیز در حد توان می‌کوشیدند اشکالات موجود را برطرف کنند. اما در بررسی قرآن‌های چاپ شده در آن دوره، به یادمانده است که بدون استثنا با اغلاط چاپ و منتشر می‌شدند. در برخی قرآن‌ها غلط‌های مطبعی، عبارتی، کلمه‌ای و آیهای نیز مشاهده کردم.

در سال ۱۳۵۶، به مناسبت صدمین سال تولد رضاشاه، رژیم ستم شاهی مسابقه‌ای قرآن برگزار کرد که از طرف قاریان تحریم شد. به دنبال این اقدام، با برخی از سرشناسان قاریان، مثل مرحوم حاج بیوک محمدی و حاج آقا سلطانی

بررسی، مجوز چاپ صادر شود. بعد از صدور مجوز چاپ هم ناشر حق نشر ندارد. تا یک بار دیگر قرآن‌ها بررسی شوند و در صورت نداشتن اشکال، اجازه نشر آن‌ها داده شود.

● **ظاهراً حدود ۴۰۰ مورد غلطی را که آن «روزنامه عربستانی» فهرست کرده بود، قرآن معروف به «قرآن سلطانی» مربوط می‌شد.**

○ غلط‌ها، حدود یک صفحه بزرگ روزنامه بود. بنده غلط‌ها را به مرحوم حاج آقا بیوک محمدی یادآوری کرده بودم. البته هر قرآنی را اگر به همراه می‌بردند، این مشکل را داشت: قرآن موردنظر به خط طاهر خوش‌نویس بود.

برخی از قرآن‌ها، از جمله به خط طاهر خوش‌نویس، به «قرآن سلطانی» معروف‌اند اما این که کدام یک بود، به یاد ندارم.

● **آیا تشکیل اداره نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم، سبب شد که از تبلیغات منفی علیه جمهوری اسلامی ایران جلوگیری به عمل آید؟**

○ یکی از برکات تشکیل جمهوری اسلامی ایران تشکیل این دفتر بود. زیرا به هر دلیل - عمدی یا سهوی - با یک نقطه کم یا زیاد یا با جابه‌جایی، کل معنی تغییر می‌کند. در برخی از کشورها، به قرآن‌های منتشره در ایران با سوءظن نگاه می‌کنند. اکنون می‌توانیم ادعا کنیم قرآن‌های چاپ شده در ایران بدون غلط‌اند.

● **آیا درست است که یکی از قرآن‌های چاپ عربستان هم در ایران بررسی و غلط‌های موجود در آن استخراج و به آنان اطلاع داده شد؟**

○ در سال ۱۳۶۶، در دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن، یکی از قرآن‌هایی که در عربستان به خط عثمان طه چاپ شده و در جهان اسلام توزیع کرده بودند، بررسی شد و در متن قرآن دو اشکال و در انتهای قرآن - بخش ضمیمه - اشکالات بیشتری یافتند.

موارد اشکال در نامه‌ای تدوین و تحویل «مجمع ملک فهد» شد. ابتدا موارد مطرح را نپذیرفتند. اما حامل نامه خواست تا قرآن موردنظر را بیاورند. آن وقت با رجوع به صفحه‌های مربوطه و با مشاهده غلط‌ها، پذیرفتند.

● **با توجه به مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بررسی کتاب‌ها، چرا تصحیح قرآن‌ها را وزارت‌خانه مذکور انجام نمی‌دهد؟**

○ این مسئولیت از طرف اعضای شورای تبلیغات اسلامی وقت که چند وزیر از جمله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عضو آن هستند، به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شد.

● **درباره چگونگی تصحیح هم توضیح بفرمایید.**

○ برای تصحیح قرآن از نوار صوتی استفاده می‌شود. با

توجه به نوع قرآن و میزان تسلطی که مصحح دفتر دارد، از نوارهای ترتیل ۳۰ ساعتی یا ۴۴ ساعتی یا از نوارهای تحقیقی - آموزشی ۷۷ ساعتی استفاده می‌کند.

● **کدام نوارهای ترتیل بیشتر به کار تصحیح می‌آیند؟**

○ از نوار ترتیل ۴۴ ساعتی بیشتر استفاده می‌شود. این ترتیل، نه مانند نوار ۷۷ ساعتی تحقیقی - آموزشی کند است و نه مانند ترتیل ۳۰ ساعتی تند. مصحح‌های ما از نوار ترتیل و تلاوت درست شیخ محمود بهره می‌گیرند. زیرا اکثر مصحح‌های دفتر، قاری یا حافظ قرآن کریم‌اند، لذا از این تلاوت برای اعراب‌گذاری استفاده می‌کنند.

جالب است بدانید که در دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم، با توجه به نوع کتابت کلمات و چگونگی اعراب‌گذاری برای هر قرآنی که تحویل دفتر می‌دهند، یک آیین‌نامه تصحیح مربوط به همان قرآن تهیه می‌شود.

تمام نکته‌های مربوط به هر قرآن، در آیین‌نامه تصحیح ذکر می‌شود و در اختیار مصحح قرار می‌گیرد. مصحح‌ها نیز در سه سطح آموزش می‌بینند تا نسبت به انواع و اقسام کتابت‌هایی که برای قرآن کریم وجود دارد و نیز نسبت به انواع علامت‌گذاری‌ها در قرآن، اشراف داشته باشند.

● **افراد مصحح، باید از چه تخصص‌هایی برخوردار باشند؟**

○ اکنون ۹۰ نفر مصحح با دفتر همکاری دارند. هنگام جذب مصحح سعی می‌کنیم از فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم قرآنی، ادبیات عرب و الهیات برای همکاری دعوت کنیم. عده‌ای از مصححان از تحصیلات دانشگاهی یا حوزوی برخوردارند. آن‌هایی نیز که مدرک دیپلم دارند، خوش‌بختانه از اطلاعات قرآنی زیادی بهره‌مندند. این عده قاری یا حافظ قرآن‌اند و به صورت نسبی بر کتابت و علامت‌گذاری قرآن تسلط دارند و با آموزش‌هایی که به آنان می‌دهیم، سطح اطلاعات آنان در این زمینه افزایش می‌یابد.

● **مراحل بررسی برای صدور مجوز چاپ تا نشر چه مدت**

زمان می‌برد؟

○ تصحیح قرآن در هر یک از مراحل زیراکس یا پرینت و اوزالید ۳۰ روز طول می‌کشد. بررسی و تصحیح در مرحله چاپ نیز به ۱۵ روز فرصت نیاز دارد. قبلاً این مدت تا شش ماه به درازا می‌کشید. اما اکنون با جذب مصحح و دادن آموزش‌های لازم به مصححان، تلاش داریم این مدت را به حدود یک ماه برسانیم.

قرآن‌های خاص را که می‌توان کارشان را زودتر انجام داد، با افزایش تعداد مصحح تا ۱۵ نفر و تقسیم کار بین آنان، در طول یک هفته تصحیح می‌کنیم.

● **در تصحیح قرآن‌ها آیا از فناوری استفاده می‌کنید؟**

○ حدود سال ۱۳۸۲ از استادان رشته‌های مربوط در

دانشگاه‌های علم و صنعت، صنعتی شریف و امیرکبیر جداگانه دعوت کردیم و کار را نشان آنان دادیم. پرسیدیم: آیا می‌شود تصحیح را مکانیزه کرد؟ در آن سال گفتند: تا به امروز در دنیا این کار نشده است. افزودند که ما باید این کار را در پروژه‌های دوره دکترا اجرا کنیم و نتیجه را ببینیم. روزی یکی از مهندسان نزد بنده آمد. ایشان را از زمانی که در مدرسه مفید تدریس می‌کردم، می‌شناختم. موضوع را با او در میان گذاشتم. گفت من این کار را انجام می‌دهم. سه ماه بعد بازگشت و گفت: «کار شما را انجام داده‌ام.» اکنون این طرح مراحل تکمیلی را می‌گذراند.

● روی ترجمه‌های قرآن هم نظر می‌دهید؟

○ خیر. این مسئولیت به عهده ما نیست. در ۱۰ سال اخیر، مشکلاتی را در ترجمه‌های قرآن کریم دیده‌ایم. با نهادهای مربوط، از جمله «شورای عالی انقلاب فرهنگی» مکاتبه کرده‌ایم، و به مراجع معظم هم نامه نوشته‌ایم. البته رونوشت نامه‌های ارسالی برای مراجع را، به شورای عالی انقلاب فرهنگی داده‌ایم. در شورا مطرح شد و مسئولیت نظارت را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپردند.

● بیشترین قرآن‌هایی که با مجوز دفتر نظارت چاپ می‌شوند، با کدام نوع رسم الخط کتابت شده‌اند؟

○ در مجموع، دو سوم قرآن‌هایی که مجوز چاپ گرفته‌اند، با رسم الخط ایرانی کتابت شده‌اند. یک سوم بقیه را قرآن‌هایی با رسم الخط عثمان طه یا با رسم الخط‌های متداول در آسیای شرقی هستند.

● ولی این‌طور به نظر می‌رسد که قرآن‌های با خط عثمان طه رواج بیشتری دارد؟

○ به گفته شما «به نظر می‌رسد» چنین باشد. اکنون ۷۰۰ ناشر، قرآن چاپ می‌کنند. تعداد

قابل توجهی قرآن را با خط ایرانی چاپ می‌کنند. آنانی که قرآن عثمان طه را چاپ می‌کنند، به دلیل رایگان بودن امتیاز خط آن است. از دو سه سال پیش که ما خط عثمان طه را به رسم‌الاملاء تبدیل کرده‌ایم، تاکنون بیش از ۷۰ ناشر، چند میلیون نسخه از آن قرآن چاپ و منتشر کرده‌اند. البته مدتی است که چاپ این نوع قرآن متوقف شده است. ● شاید فقط تعداد مجوزی که برای چاپ قرآن با رسم الخط ایرانی داده‌اید، بیشتر است، اما قرآن‌های با خط عثمان طه در شمارگان افزون‌تری از قرآن‌های با خط ایرانی چاپ می‌شوند؟

○ خیر! این‌طور نیست. شک نکنید که در نهایت، هم تعداد مجوز و هم شمارگان چاپ و نشر قرآن با خط ایرانی بیشتر است. زیرا اطلاعات و آمار کامل را در اختیار داریم و می‌توانیم ارائه دهیم.

● با وجود بر سر زبان بودن رواج بیشتر قرآن عثمان طه، چرا قرآن چاپ شده با رسم الخط ایرانی با استقبال افزون‌تری مواجه می‌شود؟

○ خواندن قرآن با خط عربی مشکل‌تر است. زیرا «کتاب» را «کتب» یا «صالحات» را «صلحات» می‌نویسند. اما وقتی ما خط عثمان طه را تغییر دادیم، فردی مراجعه کرد و گفت: «خط این قرآن، همان خط عثمان طه است، اما من راحت‌تر آن را می‌خوانم. می‌توانید علت را به بنده بگویید؟» گفتم: «زیرا کتاب را همان‌طور که خوانده می‌شود، نوشته‌اند و... دلیل دیگر راحت خوانده شدن

رسم الخط ایرانی این است که خط ایرانی را علامت‌گذاری می‌کنیم و آموزش حرف‌ها همراه با اعراب است. برای مثال، اگر روی «م» علامت

در صدر اسلام، کتابت قرآن با خط کوفی نوشته می‌شد که در حال حاضر، خواندن این نوع قرآن‌ها برای ما ممکن نیست

قرآنی از صدر اسلام نداریم که به شیوه رسم‌المصحف نوشته شده باشد. اگر بنا بود کتابت قرآن اصل باشد، همان‌طور که خداوند به حضرت موسی (ع) لوح نازل کرد، به حضرت رسول (ص) نیز لوح می‌داد.

● به نظر شما دلایل رجحان رسم‌الخط بر رسم‌المصحف چیست؟

○ از چندین جهت رجحان دارد:

اول از نظر تاریخی. اگر شما قرآن‌هایی را که بعد از خط کوفی جان آن را گرفت، نگاه کنید، مشاهده خواهید کرد، اکثر آن‌ها - مگر تعداد اندکی - با رسم‌الاملا نوشته شده‌اند. اکنون در سایت ملک فهد ۹۰ قرآن را قرار داده‌اند یعنی صحت آن‌ها را تأیید کرده‌اند. قریب به اتفاق آن‌ها از رسم‌الاملا استفاده کرده‌اند.

● آیا قرآنی با خط ایرانی هم در این سایت هست؟

○ خیر! زیرا همه قرآن‌ها قدیمی‌اند و مربوط به قرن‌های پنجم یا ششم به بعد هستند.

دوم از نظر علمی. باید توجه داشت که کدام نگارش، از نظر علمی درست‌تر است. عرب‌ها مانند ایرانیان، صالحات، منافقین و اصحاب می‌نویسند، نه به شیوه رسم‌المصحف، صالحات، منافقین و اصحاب.

سوم از نظر آموزشی. این نکته می‌تواند، توجه آموزش و پرورش را نیز جلب کند. ما صالحات را بهتر می‌خوانیم یا صالحات بنویسیم و صالحات

بخوانیم؟ طبیعی است که اولی راحت‌تر خوانده می‌شود. یعنی کتابت مطابق آن چیزی است که قرائت می‌شود.

چهارم از نظر فقهی. به این علت که حوزه دین و شرع است، باید نظر فقهی مراجع معظم را بدانیم. بنده استفتاها را دارم. مراجع در پاسخ به این پرسش که: «آیا رسم‌المصحف بر رسم‌الاملا ترجیح دارد؟» بدون استثنا پاسخ گفتند: «ترجیح ندارد، بلکه رسم‌الاملا بهتر است» و فرمودند: «رسم‌الخط توقیفی نیست».

● چرا در ایران یک یا دو رسم‌الخط انتخاب نمی‌شود تا به همان رسم‌الخط‌ها هم مجوز کتابت قرآن و چاپ و نشر داده شود؟ تعدد رسم‌الخط مردم را سردرگم می‌کند.

○ در آموزش با همین مشکل مواجه هستیم. زیرا پس از ۳۰ سال، هنوز متولی واحدی برای امور قرآنی نداریم. نداشتن متولی واحد برای رسم‌الخط، این مسائل را به‌وجود می‌آورد.

«ن» باشد، «م» می‌خوانیم. اگر روی آن الف کوچک یا بزرگ باشد، «ما» می‌خوانیم. همین خواننده هر جا این علائم را ببیند، راحت کلمات را می‌خواند البته لحن، بحث دیگری دارد. حتی در مسابقات اتفاق افتاده، قاری به دلیل نوع اعراب‌گذاری حرفی را غلط قرائت کرده است.

● این مشکل که می‌فرمایید، وجود دارد. کسی که با رسم‌الخط ایرانی آموزش دیده، وقتی قرآن با خط عثمان طه را ببیند، دچار مشکل می‌شود. به نظر می‌رسد برای رفع این مشکل باید دنبال رسم‌الخط واحدی برای چاپ قرآن باشیم. آیا فکری در این مورد شده است؟

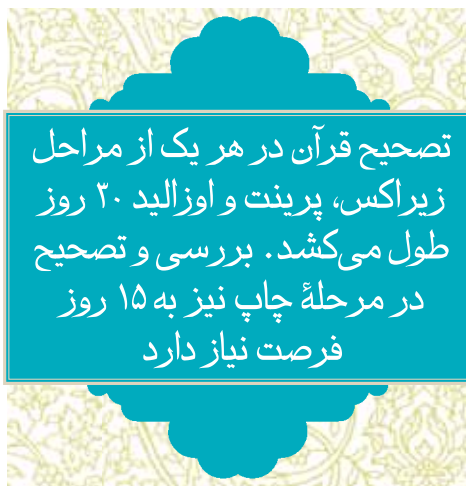
○ وقتی که گزارشی از وضعیت دفتر نظارت در شهر یورماه سال ۱۳۶۹ یا ۱۳۷۰ در زمان ریاست آیت‌الله جنتی در سازمان تبلیغات اسلامی خدمت مقام معظم رهبری ارائه شد. ایشان در پی‌نوشت نامه مرقوم داشتند: افرادی در مورد رسم‌الخط، با هم همفکری کنند تا به نتیجه واحد برسند.

برای یافتن افراد اهل نظر در کشور جست‌وجو کردیم. در نهایت دو جلسه خدمت مرحوم آیت‌الله هادی معرفت رسیدیم که بیشترین اطلاعات را در این زمینه داشت؛ زیرا کار جدی کرده بود. کتاب «التمهید» ایشان به عنوان کتاب مرجع در مصر معرفی می‌شود. ایشان افرادی را معرفی کرد تا زیر نظر خودش تحقیق کنند. پس از پایان تحقیقات، اولین جمله‌ای که بیان داشت، این بود:

«کتابت قرآن باید براساس قرائت باشد.» البته غیر از کلماتی که از صدر اسلام تاکنون در هیچ قرآنی تغییر نکرده‌اند. مثلاً «هذا» روی «ه» الف کوتاه (مقصوده) می‌گذاریم، اما «ذا» با همین املا نوشته می‌شود. تعداد آن‌ها هم زیاد نیست. فرمودند به این کلمات دست نزنید. بقیه را به همان شیوه‌ای که در ایران متداول است، کتابت کنید. ما هم همان‌گونه عمل می‌کنیم.

● یعنی همان خط طاهر خوش‌نویس، نیریزی و دیگران را تأیید کردند؟

○ بلی، تأیید کردند. معتقد بودند قرآنی که به شیوه رسم‌المصحف (شیوه عربی) است، غلط دارد. در کتاب «التمهید» آورده‌اند که در این نوع قرآن بیش از ۷۵۰۰ کلمه غلط هست. به یک فرد عرب بگویید بنویسد «صالحات»، مثل ما ایرانی‌ها می‌نویسد؛ یعنی با همان رسم‌الاملا. ما



تصحیح قرآن در هر یک از مراحل
زیراکس، پرینت و اوزالید ۲۰ روز
طول می‌کشد. بررسی و تصحیح
در مرحله چاپ نیز به ۱۵ روز
فرصت نیاز دارد

● اگر شما مخیر باشید که از میان رسم الخط‌های موجود، رسم الخطی را انتخاب کنید، کدام‌ها را انتخاب می‌کنید؟
○ در حال حاضر در کشور ما، حداقل سه شیوه رسم الخط رواج دارد. نمی‌توان رسم الخط را به یک شیوه منحصر کرد. در سیستان و بلوچستان، همان کتابت مرسوم در شبه‌جزیره حجاز متداول است. از شیوه رسم المصحف عثمان طه در خوزستان و برخی از استان‌های مرزی استفاده می‌کنند و بقیه نیز از شیوه رسم الاملائی که از گذشته در ایران رواج داشت، بهره می‌گیرند.

● دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم، رسم المصحف عثمان طه را به زعم خود به رسم الاملا تبدیل کرد. قرآن با این شیوه هم چاپ شد. چرا این کار متوقف شد؟ آیا اجازه آن را از عثمان طه نداشتید؟ و با وجود توقف چاپ قرآن از طرف شما سال گذشته ناشری از لبنان، قرآن با رسم الخط تغییر یافته عثمان طه را چاپ کرد و به نمایشگاه قرآن آورد. آیا هنوز قرآن با این رسم الخط در خارج از ایران چاپ و به ایران وارد می‌شود؟

○ ما تلاش کردیم که توسط خوش‌نویسان کشور، با رسم الخط عثمان طه، قرآن کتابت شود، کسی نپذیرفت. مجبور شدیم علی‌رغم میل باطنی خود، رسم المصحف عثمان طه را به رسم الاملائی متداول تبدیل کنیم. یادآور شوم که دنبال خط‌های موجود ایرانی هم بودیم، اما ناشران آن را در اختیار ما قرار ندادند.

زمانی که قرآن را با رسم الاملائی برگرفته از رسم المصحف عثمان طه، آن هم با شمارگان زیاد، چاپ کردیم، استقبال بسیار خوبی از آن شد. قبل از ما هم دو تن از ناشران (بهاران و پویشگر) این کار را کرده بودند و ما هم به آن‌ها مجوز دادیم. مشکلی هم پیش نیامد. هنوز هم چند ناشر با همین رسم الاملا در حال چاپ قرآن‌اند. اما وقتی ما به چاپ با این شیوه اقدام کردیم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارسال نامه‌ای، چاپ آن را برای ما ممنوع کرد. ما طی نامه‌ای علت ممنوعیت را خواستیم، باز همان پاسخ تکرار شد. بار دیگر در نامه‌ای یادآور شدیم: «قرآن‌های ایرانی همه با این شیوه چاپ شده‌اند. جلوگیری از این نوع چاپ، مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد.» از طرف وزارت ارشاد نامه‌ای به دست ما رسید که هرچه زودتر جلوی چاپ قرآن با این رسم الاملا را بگیرید.

در نهایت، مجوز تمامی ناشرانی که با این رسم الاملا قرآن چاپ می‌کردند، لغو شد. اعلام لغو مجوزها را طی نامه‌ای برای وزارت ارشاد فرستادیم. لغو مجوز ناشران سبب اعتراضات زیادی شد. آن‌ها به وزارت ارشاد نامه نوشتند. سرانجام از وزارت ارشاد نامه‌ای دریافت کردیم که در آن آمده بود، منظور قرآن‌هایی است که با خط تغییر یافته عثمان طه، دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم چاپ کرده است. بقیه ناشران و سازمان دارالقرآن می‌توانند قرآن‌های دیگر را چاپ کنند.

بعد ما این موضوع را مطرح کردیم که اگر اشکال شرعی یا قانونی دارد، فقط به کار ما باز نمی‌گردد، بلکه این اشکال در کار ناشران دیگر هم وجود دارد. زیرا آنان هم شیوه کتابت رسم المصحفی عثمان طه را تغییر داده‌اند و به همین شیوه قرآن چاپ می‌کنند.

حقیقت این است که ما همواره در پی چاپ قرآن

کریم با خط ایرانی بوده‌ایم. استفاده از خط مورد نظر ما، مثل استفاده از خط عثمان طه آزاد است؛ به این علت ناشران از آن بهره می‌گیرند. اکنون «خط نیریزی» که خط ایرانی است - بیش از ۳۵۰ ناشر در حال چاپ قرآن با خط ایشان هستند. استفاده از این خط هم آزاد است؛ گرچه خواندن این خط تا حدی مشکل است.

● آیا اجازه‌ای از عثمان طه برای تبدیل خطش نداشتید؟

○ از شخص عثمان طه نوشته‌ای روی همان قرآنی که با خط تبدیلی ایشان چاپ شد، داریم که از این اقدام تشکر کردند. فیلم مجوز عثمان طه از زبان وی را نیز داریم. عکس وی را که در حال نوشتن مجوز هستند، در اختیار ماست. شخص عثمان طه از ما درخواست کرد که ما تغییر در شیوه کتابت وی را روی قرآن جدیدش هم اعمال کنیم. گفته است کاری را که در دفتر انجام گرفته، روی کتابت قرآن قدیم اوست. روی کتابت جدید قرآن وی هم این تغییر ایجاد شود. قرآن کتابت جدید وی در ایران در حال چاپ است.

● شما به‌عنوان مرکزی که مسئولیت نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم را به‌عهده دارد، به قرآن چاپ شده از طرف مرکز طبع و نشر، اجازه چاپ و نشر داده‌اید؟

○ در زمینه نوع کتابت و علامت‌گذاری قرآن صحبت کردم از جمله گفتیم؛ اگر کتابت قرآنی از علامت‌گذاری منطقی

از کشورهای دیگر، قرآن را برای تصحیح نزد ما می‌آورند. نوع کتابت، نوع علامت‌گذاری و قرائت آن‌ها متفاوت است و به شیوه خودشان عمل می‌کنند

○ می‌گوییم قرآن با رسم‌الخط ایرانی را بهتر و راحت‌تر می‌توانند بخوانند. به دو دلیل: اول، به دلیل شکل کتابت، و دوم، به سبب علامت‌گذاری.

○ بنده در هفته تدریس می‌کنم. قرآن عثمان‌طه را جلوی فراگیران گذاشتم، نمی‌توانستند بخوانند. بعد قرآن کم‌علامت در اختیارشان قرار دادم، مشکل روخوانی در سر کلاس حل شد. با توجه به فرمایش شما، باید قرآنی با رسم‌الاملا چاپ شما را ببرم و در اختیارشان قرار دهم تا تجربه‌ام کامل شود که از میان قرآن‌های کم‌علامت و عثمان‌طه و با خط ایرانی، کدام را راحت می‌توانند بخوانند. اما در مقام مقایسه میان قرآن کم‌علامت و عثمان‌طه، ۷۰ تا ۸۰ درصد غلط‌ها هنگام خواندن از روی قرآن کم‌علامت کاهش یافت.

آموزش و پرورش، مثل شما می‌خواهد دانش‌آموزان قرآن را راحت بخوانند. براساس بررسی‌های به‌عمل آمده نشان داده شده که تا حدودی با قرآن کم‌علامت، این هدف تأمین می‌شود.

شما قرآن عثمان‌طه و کم‌علامت را مقایسه می‌کنید. بنده که قرآن عثمان‌طه را تأیید نکرده‌ام. بنده گفتم اگر رسم‌الاملا متداول باشد، راحت‌تر خوانده می‌شود و اگر علامت‌گذاری هم به شیوه ایرانی باشد، بهتر است.

● قرآن‌های چاپ‌شده توسط برخی ناشران متفاوت، شیرازه و صحافی مطلوب و در شأن قرآن کریم ندارند. آیا نمی‌شود در این مورد کاری کرد؟

○ فقط صحافی این وضع را ندارد. کیفیت چاپ‌ها هم خوب نیست. برای برخی از قرآن‌ها از کاغذ مناسب استفاده نمی‌کنند. هزینه هر تنظیم با چسباندن آن فقط ۱۰ تومان

برخوردار باشد، اجازه چاپ می‌گیرد. قرآن چاپ مرکز طبع و نشر از نظر کتابت، دارای پشتوانه منطقی است. اما اشکال ما به برخی علامت‌گذاری این قرآن است.

● اما کلیت این قرآن را تأیید کرده و اجازه چاپ و نشر داده‌اید؟

○ صدور مجوز ایرادی ندارد، زیرا این کار را دارای پشتوانه منطقی می‌دانیم؛ گرچه نوع کتابت و علامت‌گذاری آن به شیوه خاصی است.

باید هدف خود را از کتابت و علامت‌گذاری قرآن کریم مشخص کنیم. آیا هدفی غیر از این داریم که نوآموزان و قرآن‌خوانان، قرآن را به ساده‌ترین روش فراگیرند و بتوانند آن را بخوانند؟! و بعد هم دنبال درک مفاهیم باشند و عامل به آن شوند؟

● به نظر شما دانش‌آموزان کشور

از میان قرآن کم‌علامت،

قرآن با رسم‌الخط ایرانی

و قرآن عثمان‌طه،

کدام‌یک را راحت‌تر

می‌توانند بخوانند؟

پس از ۲۰ سال، هنوز متولی
واحدی برای امور قرآنی
نداریم

می‌شود، اما از این کار امتناع می‌کنند. درحالی‌که اگر برای هر قرآن یک تنظیم بگذارند، دیگر وقتی دوبار قرآن را باز کنی، ورق‌هایش از هم جدا نمی‌شود. به توصیه ما هم توجهی ندارند.

● قیمت‌گذاری چطور؟

○ برای برخی از قرآن‌ها از ۲۲۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان قیمت می‌گذارند. اخیراً هم قید قیمت قرآن در داخل آن رواج یافته است. گفتند که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناشران را ملزم کرده است. به ناشری گفتیم: «قیمت قرآنی که شما چاپ کرده‌اید، باید ۳۳۰۰ تا ۳۵۰۰ تومان باشد. چرا ۷۵۰۰ تومان برای آن قیمت گذاشته‌اید؟ آیا وزارت ارشاد ایراد نگرفت؟» گفت: «قیمت‌گذاری با ناشر است. ما هر قدر بخواهیم، قیمت را تعیین می‌کنیم.» مفهوم سخن ناشر این است که: «وزارت ارشاد می‌گوید فقط قیمت را در قرآن بنویس، اما هر چه می‌خواهی بنویس!»

از این بدتر را هم شاهدیم. برخی ناشران فلزی روی جلد قرآن چسبانده‌اند و قوطی هم برایش تدارک دیدند. آن را به قیمت ۱۲۰ هزار تومان می‌فروشند. با همه کارهایی که می‌کنند، قیمت قرآن نباید بیشتر از ۲۰ هزار تومان باشد. از مشتری ۱۰۰ هزار تومان اضافه می‌گیرند.

● اگر ناشری قرآنی را بدون مجوز دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن چاپ و منتشر کند، چه اتفاقی می‌افتد؟

○ دفتر نظارت فقط به وزارت ارشاد گزارش می‌دهد. ما کار دیگری نمی‌توانیم بکنیم.

● از زمان تأسیس دفتر نظارت تاکنون، برای چاپ چه تعداد قرآن مجوز چاپ و نشر داده‌اید؟

○ در چند سال اخیر برای چاپ و نشر حدود ۳۰ میلیون جلد قرآن مجوز داده‌ایم.

● برای دبیران علاقه‌مند به چاپ و نشر قرآن کریم چه توصیه‌ای دارید؟

○ چاپ قرآن در ابتدای کار هزینه زیادی می‌طلبد...

● آیا نهادی برای این کار یارانه هم می‌دهد؟

○ وزارت ارشاد قبلاً یارانه می‌داد، اما دیگر نمی‌دهد. بنده اعتقاد دارم که دولت باید برای چاپ و نشر قرآن کریم،

نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و مفاتیح‌الجنان یارانه بدهد. به دلیل قطع یارانه، در دو سال اخیر چاپ قرآن کریم کاهش یافته است؛ زیرا کاغذ حمایتی هم نمی‌دهند. در سال ۱۳۸۹ کاهش چاپ قرآن چشمگیر بود.

توصیه بنده به ناشرانی که قرآن چاپ می‌کنند، این است که قرآن‌ها را با کیفیت خوب چاپ و با کیفیت بسیار خوب صحافی کنند.

از صحافی با کاغذهای

سلفونی اجتناب ورزند، زیرا زود پاره می‌شود.

● به قرآن‌های بدون متن عربی (فقط متن فارسی) اجازه چاپ می‌دهید؟ تاکنون چاپ‌هایی از این نوع به بازار آمده است.

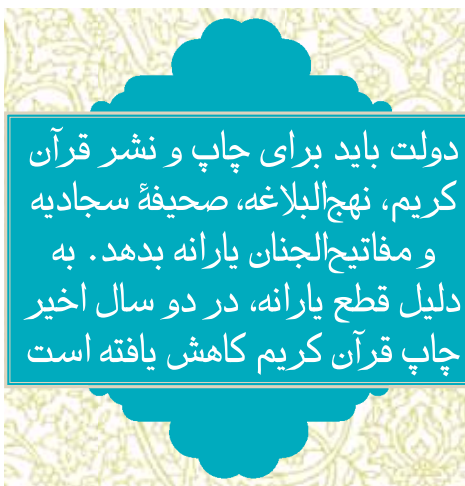
○ خیر! نه ما و نه وزارت ارشاد اجازه چاپ نمی‌دهیم. در این زمینه با ارسال نامه‌ای خدمت مقام معظم رهبری، نظرشان را خواستیم. عین نظر رهبری را که از طرف آقای خاموشی،

رییس سازمان تبلیغات اسلامی به ما رسید، به ناشران قرآنی اعلام کرده‌ایم. پس از دریافت نظر رهبری، دفتر نظارت و وزارت ارشاد برای چاپ این نوع قرآن مجوز نمی‌دهند. اگر چاپ تازه‌ای در بازار دیده شود، حتماً از چاپ‌های قبل است. از کشورهای دیگر، قرآن را برای تصحیح نزد ما می‌آورند. نوع کتابت، نوع علامت‌گذاری و قرائت آن‌ها متفاوت است و به شیوه خودشان عمل می‌کنند. خواندن آن قرآن‌ها خیلی مشکل است. برای تصحیح این قرآن‌ها، ابتدا شیوه کارشان، مثل علامت‌گذاری را یاد می‌گیریم. بعد آئین‌نامه‌ای تهیه می‌کنیم تا مصحح ما طبق آئین‌نامه، قرآن کشور دیگر را تصحیح کند. بعد حاصل کار را به سفیر کشور آن قرآن تحویل می‌دهیم تا در کشورش چاپ شود.

● تاکنون از چه کشورهایی قرآن را برای تصحیح به شما سپرده‌اند؟

○ تاکنون دو تا سه ناشر از ترکیه و از سنگال، تصحیح قرآن را به ما سپرده‌اند.

● از این‌که وقت خود را در اختیار مجله رشد آموزش قرآن قرار دادید از شما تشکر می‌کنم.



جدول

افقی

عمودی

۱. با توجه به آیه ۱۲۴ سوره شعرا، پیامبر قوم عاد است - سفارش به لفظ عرب (آیه ۱۲ سوره نسا).
۲. در آیه ۳۴ سوره بقره چه کسی بر آدم سجده نکرد - در سوره بقره آیه ۱۸۴ روزه در این حالت به ایام دگر موکول می شود.
۳. در آیه ۹۲ سوره نسا کسی که مؤمنی را از روی خطا بکشد، به غیر از آزادی یک مؤمن، چه چیز دیگری باید بپردازد - خراب
۴. یکی از حواس - آیه ۱۰۹ سوره بقره به معنای دوست داشتن.
۵. مانند و شبیه به لفظ عرب - در آیه ۳۲ سوره انعام خداوند می فرماید که حیات دنیا نیست مگر... و لعب - آخر، انتها و پایان.
۶. بها و قیمت - معنی باب.
۷. نامی دخترانه و در ضمن از نام گلی گرفته شده است - سوره انبیا، آیه ۹۶ «و هم من کل ...ینسلون».
۸. آیه ۳۷ سوره قیامت خداوند می فرماید: آیا نبود نطفه ای از... یمنی - شفا و بهبودی.
۹. آیه ۱۹ سوره آل عمران به درستی که دین نزد خدا... است - رنگی است.
۱۰. الفبای موسیقی - نام سوره ای است.

جدول حرفی قرآن

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱
									۲
									۳
									۴
									۵
									۶
									۷
									۸
									۹
									۱۰

افقی

۱. در آیات ۸۳، ۸۴، ۸۵ و ۸۶ سورة انعام نام چند پیامبر ذکر شده است - سورة کوثر چند آیه دارد - سورة فلق چندمین سورة قرآن مجید است.
۲. آیه «القارعه ما القارعه» در چندمین سورة قرآن مجید آمده است - در سورة شعرا چند بار آیه «ان فی ذلک لایه و ما کان اکثرهم مؤمنین» آمده است - آیه «والمرسلات عرفا» آیه چندم سورة مرسلات است.
۳. آیه «فبای آلاء ربکما تکذبان» در سورة الرحمن چند بار تکرار شده است - با توجه به آیه ۲۵ سورة کهف، اصحاب کهف چند سال در غار درنگ کردند.
۴. در سورة یوسف آیه ۴ حضرت یوسف چند ستاره در خواب دید - سورة بقره چند آیه دارد - تفاوت آیات سورة فلق و ناس چند آیه است.
۵. سورة ابراهیم چندمین سورة قرآن مجید است - با توجه به آیه ۱۰۱ سورة اسری، خداوند چند آیه بینه به موسی داده است - در آیه ۴۸ سورة نمل در مدینه چند نفر فساد می کردند.
۶. آیه ۸۹ سورة مائده کفاره لغو ایمان را طعم دادن به چند مسکین شمرده است - در آیه ۳۰ سورة مدثر تسعه عشر چند است.
۷. در آیات ۱۷۶، ۱۷۷ و ۱۷۸ سورة آل عمران، چند بار کلمه عذاب آمده است - تعداد حرفهای حروف مقطعه سورة مریم چهقدر است - آیه ۴۳ سورة حجر درهای جهنم را چند تا ذکر کرده است - در آیات ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳ و ۱۹۴ آل عمران، چند بار کلمه ربنا آمده است.

عمودی

۱. سورة هود چندمین سورة قرآن است - شروع سورة پنجاهم قرآن چند حروف مقطعه دارد - در آیه ۱۰ سورة مریم خداوند به زکریا فرمود چند شب با مردم سخن نگوید.
۲. در سورة توبه آیه ۸۰ خداوند چند بار استغفار را ذکر کرده است - آیه «تبت یدا ابی لهب و تب» در چندمین سورة قرآن مجید است.
۳. آیه «لا بذكر الله تطمئن القلوب» در چندمین سورة قرآن آمده است - در آیه ۵۱ سورة بقره خداوند موسی را چند شب وعده داد.
۴. خداوند در آیه ۷ سورة واقعه ازدواج را چندگانه ذکر کرده است. در آیه ۵۹ سورة بقره حضرت موسی با عصایش به سنگ زد، چند چشمه روان شد - تعداد حروف مقطعه سورة شوری، سورة چهل و دوم، چندتاست.
۵. در آیه ۷ سورة حاقه، خداوند چند روز عاد را مورد هلاک قرار داد - آیه «والفجر و لیل عشر» در چندمین سورة قرآن است.
۶. سورة حمد چندمین سورة قرآن است - آیه «یس و القرآن الحکیم» در چندمین سورة قرآن است - سورة اسری یا بنی اسرائیل چندمین سورة قرآن است.
۷. سورة نصر چندمین سورة قرآن است - در آیه ۲۳ سورة ص تعداد میشها چند تا ذکر شده است.
۸. «لیل القدر خیر من الف شهر» چندمین آیه سورة قدر است - «والشمس و الضحیها» در چندمین سورة قرآن است - در سورة ناس کلمه «ناس» چند بار تکرار شده است.

جدول عددی قرآن

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								
۶								
۷								



فاطمه آذرخش
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث
و دبیر دینی و قرآن دبیرستان

دکتر حسین مرادی زنجان
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

قرآن‌شناسی صحیح و شایسته در پرتو خود قرآن و تعالیم معصومان (ع)، زیربنای همه فعالیت‌های قرآنی از جمله «برداشت از قرآن» است. یکی از ابعاد این قرآن‌شناسی که در مسئله تدبر و برداشت از قرآن نقش اساسی دارد، شناخت معنا و مفهوم صحیح «آیه» است؛ از این رو که قرآن، مجموعه آیات خداست، هرگونه رفتاری با آن باید متناسب و هماهنگ با ماهیت و ویژگی‌های اساسی «آیه» باشد.

براساس معنای لغوی و هم‌آوایی آن با کاربرد قرآنی، «آیه» چیزی است که نکته‌ها و پیام‌ها و سخنان بسیار دارد، اما هیچگاه آن‌ها را آشکار نمی‌کند و هرگز حرف نمی‌زند و سخن نمی‌گوید، بلکه آن را باید به سخن درآورد و دست طلب و نیاز به سویش گشود. آن جاست که حرف‌ها و نکته‌هایش دیگر تمامی نخواهد یافت.

اگر آیه خدا را به سخن فراخوانیم، و به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) استنطاقش نکنیم، ناگزیر خود به جای او و از سوی او سخن خواهیم گفت و بدین سان، نه به خدا، که به خود خواهیم رسید و نه برداشت، که در آن به کاشت خواهیم پرداخت.

این نوشتار به تبیین معنا و مفهوم «آیه» و برخی از ویژگی‌های اساسی آن می‌پردازد و از رهگذر آن، به برخورد صحیح و شایسته با آیات خدا (استنطاق) راه می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: آیه، برداشت، سخن، استنطاق، برداشت از قرآن.

مقدمه

قرآن‌شناسی به معنای شناخت ماهیت و ویژگی‌های اساسی قرآن، زیربنای تمامی حرکت‌ها و فعالیت‌های قرآنی است. شخص مترجم بنابر تصور و شناختی که از ماهیت قرآن دارد، به ترجمه آن می‌پردازد و مفسر نیز براساس نگاهی که به چیستی قرآن دارد، به تفسیر آن همت می‌گمارد؛ حافظ و قاری قرآن، معلم قرآن، محقق و هنرمند قرآنی نیز، هر یک بر مبنای نوع دیدگاهی که به این پدیده دارند، به فعالیت‌های ویژه خود دست می‌زنند. در این میان، آن چه مهم و اساسی است، نوع این قرآن‌شناسی‌هاست که باید دید از کجا برمی‌آیند و از کدامین منشأ سرچشمه می‌گیرد.

در یک تقسیم، خاستگاه قرآن‌شناسی یا خود قرآن و قرآن‌شناسان راستین، یعنی معصومان (ع) هستند و یا مکاتب و مراجع دیگر. شکی نیست که قرآن‌شناسی صحیح و شایسته تنها در صورتی شکل خواهد گرفت که مبتنی بر تعالیم خود قرآن و قرآن‌شناسان حقیقی باشد و طبعاً فعالیت قرآنی صحیح و شایسته نیز، تنها زمانی تحقق خواهد یافت که بر قرآن‌شناسی صحیح و شایسته مبتنی باشد. از سوی دیگر، هرگونه قرآن‌شناسی که براساس خود قرآن و دیدگاه معصومان (ع) نباشد و از مکاتب و مراجع دیگر برخاسته باشد، ناقص و بلکه ناشایست است و بالطبع، هرگونه فعالیت قرآنی استوار بر این قرآن‌شناسی، به دور از انحراف نخواهد بود.

مسئله «برداشت از قرآن» نیز، از این قاعده مستثنا نیست و باید بر نوعی قرآن‌شناسی صحیح و شایسته استوار باشد؛ زیرا ما در پی آنیم که در قرآن تدبر و از آن برداشت کنیم. بنابراین در آغاز باید از خود قرآن و کارشناسان حقیقی آن جویا شویم که اصولاً قرآن چیست و آیا قابل برداشت است یا نه؟ بدون این قرآن‌شناسی، روند برداشت از قرآن به کجی خواهد

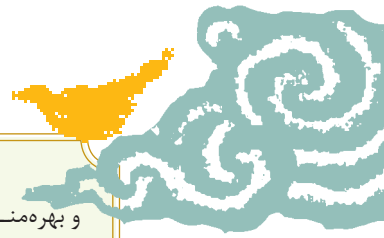
گروید و بیشتر به صورت کاشت خواهد بود تا برداشت، کاشت انواع محصولات بیرون از قرآن، در زمین قرآن!

ممکن است عمری در پی برداشت از قرآن باشیم و تحت همین عنوان، کارهای بسیار انجام دهیم، اما براساس قرآن‌شناسی ناقص، بی‌آن که خود متوجه باشیم، به دید یک کتاب غیرقابل برداشت بدان بنگریم و در نتیجه، انواع کاشت‌ها را به نام برداشت عرضه کنیم.

اگر مراد از موضوع «برداشت از قرآن»، فراگیری ترجمه و تفسیر آیات و دانستنی‌ها و «مفاهیم قرآن» (به معنایی رایج و مصطلح) باشد، در این صورت، قرآن‌شناسی - به معنایی که گفته شد - چندان ضروری نیست و بدون آن هم می‌توان ترجمه و تفسیر آیات را فراگرفت و با مراجعه به منابع، به اطلاعات و دانستی‌هایی در ارتباط با آیات و سوره‌ها دست یافت.

اما اگر مراد گفت‌وگو و انس با قرآن و استخراج و استنباط لطایف و ظرایف و نکته‌های حیاتی نهفته در آیات

ترجمه و تفسیر، به جای خود
خوب و لازم است، اما نباید
در ازا و معادل آیات الهی
قرار گیرد و منطق «این همان
است» را القا کند



و بهره‌مندی و بکارگیری آن‌ها به جوانب گوناگون زندگی باشد، باید گفت که بدون استواری بر قرآن‌شناسی صحیح و شایسته با مرجعیت خود قرآن و معصومان (ع)، به برداشت صحیح و شایسته از قرآن دست نخواهیم یافت.

آن روی سخن این است که اگر با مراجعه به خود قرآن و مکتب معصومان (ع)، بنا بر قرآن‌شناسی شایسته گذارده شود، انتظاری که از موضوع «برداشت از قرآن» خواهد رفت، بسیار فراتر از تصور غالب و رایج خواهد بود؛ در مورد سایر فعالیت‌های قرآنی نیز، همین طور؛ انتظارمان از قرائت و حفظ قرآن، آموزش قرآن و... دگرگون خواهد شد و بسیار فراتر خواهد رفت.

خلاصه در پرتو این قرآن‌شناسی، برخی از فعالیت‌های قرآنی تأیید و تقویت و یا تکمیل و تصحیح می‌شوند و چه بسا برخی دیگر، جایگاه خود را از دست‌بدهند و البته فعالیت‌های نوینی تعریف و جای‌گزین شوند.

پرواضح است که قرآن‌شناسی از نگاه خود قرآن

و معصومان (ع)، بسیار گسترده است

و ابعاد گوناگون دارد و شایان

تحقیق و بلکه تحقیقات گسترده

و جداگانه است و پرداختن

به آن، اگرچه فهرست‌وار،

در این نوشتار میسر

نیست. آن‌چه در این جا مدّ

نظر است، صرفاً بعدی از ابعاد

قرآن‌شناسی است که در موضوع

برداشت از قرآن، کاملاً اساسی و

راهگشاست و آن عبارت است از شناخت قرآن، از

این جهت که مجموعه‌ای است از آیات خدا.

قرآن متشکل از آیات خدا

یکی از اصول اساسی در موضوع تدبیر و برداشت از قرآن کریم، توجه به این حقیقت است که قرآن، متشکل از آیات خداست، چنان‌که خود نیز بارها بر این موضوع تأکید کرده است. [لقمان/۲؛ جاثیه/۶؛ قصص/۲ و...]. بنابراین هرگونه برخوردی با قرآن، باید متناسب و در شأن آیات الهی باشد. شناخت معنا و مفهوم «آیه» و ویژگی‌های آن، گامی است بسیار سودمند و کارساز در راستای برداشت از قرآن؛ زیرا چنان‌چه گفته شد، قرآن متشکل از آیات خداوند است. بنابراین، بدون شناخت صحیحی از آیه، برداشت از قرآن، آن‌گونه که شایسته است، تحقق نخواهد یافت.

معنای لغوی آیه

کلمه آیه از ریشه «أی» به معنای قصد کردن و تعمد و توجه داشتن است. اصل آن «أیه»، بر وزن فعله بوده که همزه دوم آن، به‌خاطر آسانی تلفظ، به الف تبدیل شده است. [ابن فارس، ۱۳۸۷ ش، مدخل آیی]

بر این اساس، آیه چیزی است که باید مورد قصد و توجه و تعمد قرار گیرد.

اگر از ریشه «أوی» یا «أیی» باشد، باز هم حاصل معنا یکی است؛ زیرا هر دوی آن‌ها به معنای توجه و تعمد کردن و قصد و عنایت داشتن هستند. [مصطفوی، ۱۴۱۶ق، مدخل آیه]. پس آیه چیزی است که باید آن را قصد و رو به سوی آن کرد و در آن تعمد داشت و در حق آن دچار سهو و نسیان نشد و برای رسیدن به مطلوب و مقصد، به آن متوسل شد و بسان یک مأوی بدان نگریست.

ممکن است آیه از «تأیی» گرفته شده باشد؛ به معنای:

نظر، انتظار، تأنی، تثبّت، تمرکز، توقف، مکث، حبس

و لبث [ابن منظور، ۱۹۹۷ و راغب

اصفهانی، مدخل «أی»]

بنابراین، آیه یعنی محل نظر،

تمرکز، تأنی و مکث و درنگ.

«وقف» بر سر آیات نیز،

که در علم تجوید و قرائت

مطرح است، گویی تمثّل و

نمایش ظاهری و صوری همین

تأنی و توجه عمقی و بهانه‌ای است

برای رسیدن به آن توقف و تمرکز

اصلی و حقیقی.

برخی نیز قایل‌اند که آیه از «أی» (کدام؟) اشتقاق

یافته است. بر این مبنا، آیه موجودی است که سؤال «أی»،

که همواره انسان مطرح می‌کند، پاسخ می‌دهد، اشتباه‌ها

و درهم آمیختگی‌ها را برای او تبیین می‌کند و مسائل را

از همدیگر باز می‌شناساند [پیشین]. یعنی انسان باید با

سؤال «أی» با آیه روبه‌رو شود. از هر آیه‌ای بپرسد که حامل

کدامین نکته‌ها و پیام‌هاست، اشاره‌اش به کدامین سمت و

سو است. هم‌چنین، از او کدام عبرت‌ها را باید گرفت و با

اشاره او به کدامین جهت‌ها باید نگریست و در پرتوش به

کدام دلالت‌ها باید دست یافت و در آیینۀ گویایش، کدامین

صورت‌ها را باید به تماشا نشست.

آیه با کلمه «أیه» نیز می‌تواند هم‌خانواده باشد. «أیه»،

اسم فعل است؛ یعنی: بیشتر برآیم سخن بگو [قبومی، مدخل

«أیه»]. بر این اساس، آیه چیزی است که انسان باید از آن،

مدت زمانی

است که ما شب را به صبح و
صبح را به شب می‌رسانیم، اما
بسیاری از ما تاکنون نکته‌ای از
نکات بی‌نهایت این کتاب الهی را
دریافت نکرده‌ایم و درسی از آن
نگرفتیم

سخن طلب کند و همواره در مواجهه با آن، زبان حال و قالش این باشد که باز هم برایم سخن بگو!

با توجه به معنای لغوی آیه و با نگاهی گذرا به کاربرد قرآنی آن، که هم آوا با مفهوم لغوی است به این نتیجه مهم و اساسی دست می‌یابیم که: آیه در یک نگاه، چیزی است که حرف‌های بی‌شمار برای گفتن دارد، اما هیچگاه حرف نمی‌زند، بلکه باید آن را به سخن درآورد. در آن صورت، حرف‌هایش دیگر تمامی نخواهد داشت و البته این خاصیت همه آیات است.

آیه‌های جهان آفرینش نیز همین گونه‌اند عمری است که ما شب را به صبح و صبح را به شب می‌رسانیم، اما بسیاری از ما تاکنون نکته‌ای از نکات بی‌نهایت این آیه بزرگ را دریافت نکرده‌ایم و درسی از آن نگرفته‌ایم.

ممکن است سال‌ها از زیر درختی که در حیاط خانه یا کوچه و خیابان قرار دارد، عبور کنیم و در این مدت، حتی یک اشاره هم از آن نبینیم و صدایی از آن نشنویم و اصولاً آن را به عنوان یک آیه که حرف‌ها برای گفتن دارد، نشناسیم؛ طوری که گویی آفرینش آن باطل است!

یا این که سال‌ها با آب زندگی کنیم و از آن بی‌اشامیم و یک بار هم آن را به سخن فرا نخوانیم و به تعبیر قرآن، عمری آن را بنوشیم، اما یک بار هم آن را نبینیم [واقعۀ ۶۸]!

در مورد قرآن نیز، جریان همین گونه است. ممکن است عمری، مثلاً سورة حمد و یا ناس و فلق را بخوانیم، اما از آن نکته‌ای نشنویم و درسی نگیریم و حضوری احساس نکنیم. یا این که سال‌ها به قرائت و استماع قرآن مشغول باشیم و حتی ترجمه و تفسیر آن را هم بدانیم، اما با این حال آیات با ما حرفی نزنند، و برای ما استادی نکنند و اشارات و لطایف و ظرایف خود را از ما دریغ کنند.

ممکن است حتی قاری و حافظ قرآن، یا کاتب و معلم قرآن و در سطحی بالاتر مترجم و مفسر قرآن هم باشیم، اما قرآن با ما حرف نزند و برای ما خودی ننماید و زیبایی‌هایش را به ما نشان ندهد و پیام‌هایش را در اختیارمان نگذارد. چنانچه ممکن است کسی ستاره‌شناس یا گیاه‌شناس باشد و عمری با ستارگان و گیاهان به سر برده باشد، اما یکبار هم با آن‌ها گفت‌وگو نکند و درسی از آن‌ها نیاموزد و اصولاً به چشم آیه به آن‌ها ننگرد.

رفتارهای خوب و بد با آیات

قرآن کریم از انواع برخوردها و رفتارها با آیات خدا سخن می‌گوید؛ رفتارهایی شایسته و بایسته هم‌چون: دیدن و شنیدن آیات، تدبر، تفکر، تفقه و تعقل در آیات و تذکر از آن‌ها، شکر، گریه، سجده و ازدیاد ایمان در برابر آیات، یقین به آن‌ها و... و رفتارهای ناشایست و ناپسند مانند: کسری و کوری در قبال آیات، بی‌توجهی و غفلت و اعراض از آن‌ها، مجادله و خوض باطل در آن‌ها، نسیان آیات، کوچک شمردن و استهزای آن‌ها، مرور از کنار آیات و بی‌توجهی به آن‌ها، دریافت آیات و منسلخ شدن از آن‌ها، فروختن آیات به بهای ناچیز، ظلم و مکر در حق آیات و بستن راه مردم به سوی آن‌ها، کفر، جحد، الحاد، عناد و تکذیب آیات و... [المعجم المفهرس/ مدخل آیه]

ممکن است با خود چنین بیندیشیم که شکر خدا! ما در قبال آیات الهی، از این رفتارهای ناپسند نداریم و بنابراین، کفر و تکذیب و نسیان و استهزا و... در برابر آیات را ویژه دیگران بدانیم. اما با دقت در آیاتی که این تعبیر را دربر گرفته‌اند، درمی‌یابیم که گستره این مفاهیم بسیار است و اغلب ما را فرا می‌گیرد.

به عبارت دیگر، اگر ما در قبال آیات رفتارهای شایسته و پسندیده نداشته باشیم، ناخودآگاه در برابر آن‌ها رفتارهای ناشایست و ناپسند خواهیم داشت.

دانشمند فرزانه‌ای را در نظر بگیرید که در یک شهر یا دانشگاه، تمام هستی خود را وقف مردم و دانشجویان کرده است، اما کسی به او مراجعه نمی‌کند و از او سؤالی نمی‌پرسد و رهنمودی نمی‌طلبد و از دنیای گفتنی‌های او بهره‌ای نمی‌برد. این در حالی است که همه به او احترام می‌گذارند آیا این سان رفتار با او، جز کفر، کفران، غفلت و اعراض، چیز دیگری است؟

ظلم در حق آیات

یکی از اوصاف ناپسند در قبال آیات الهی، «ظلم» به آن‌هاست و این ظلم چیزی نیست، مگر نداشتن رفتار و دیدگاه شایسته در برابر آن‌ها. یکی از ابعاد این ظلم، آن است که برای هر آیه‌ای، صرفاً تفسیر و توجیه علمی قائل

قرآن متشکل از آیات خداوند است. بنابراین، بدون شناخت صحیحی از آیه، برداشت از قرآن، آن گونه که شایسته است، تحقق نخواهد یافت

فهم و درک آیات

«فهم قرآن»، تعبیر رایجی است که به صورت‌های گوناگون در میان ما مطرح است؛ من این آیه و سوره را نمی‌فهمم، فلان شخص قرآن را خوب می‌فهمد و... جالب است که بدانیم نه در خود قرآن و نه در لسان احادیث، تعبیر «فهم قرآن» یا کلمات مترادف آن، به معنایی که ما به کار می‌بریم، مشاهده نمی‌شود و باید هم این‌گونه باشد؛ قرآنی که با خواندن چند ترجمه و تفسیر بشود آن را فهمید، دیگر قرآن نیست، آیات خدا نیست، بلکه صرفاً متنی تاریخی است که باید توضیحاتی در ازای آن قرار داده شود تا فهمیدنی شود.

آیات خدا را باید تلاوت و در آن تدبّر کنیم. آن‌ها را به سخن درآوریم، آسمان شفا و رحمتشان را بر سر خود ببارانیم، به آن‌ها عشق ورزیم، از آن‌ها نکته و درس بگیریم، در یکایک اجزایشان دقت و تمرکز کنیم و نه تنها کلمات، بلکه از یکایک حروف آن‌ها نیز، پیام و مفهوم برداشت کنیم و... اما این که آن‌ها را بفهمیم، چنین دستور یا توصیه‌ای به ما نرسیده است و اصولاً چنین چیزی ممکن نیست. قرآن ترسیم در بیان معصومان (ع)، آن قدر عظیم و بی‌انتهاست که شاید بتوان گفت ادعای درک و فهم آن، چیزی مانند درک و فهم خود باری تعالی است. [حویزی، ۱۴۱۲ ق ۲۶۴]. مگر خدا را می‌شود فهمید و درک کرد و با خواندن چند جلد کتاب بر او تسلط یافت؟!

شویم و از آن فراتر نرویم و بدین سان، جان و جریان را از او بازستانیم.

یکی از موجبات بی‌توجهی به آیات الهی، اکتفا به همین تفاسیر و توجیهات علمی است که براساس آن‌ها، آیات عظیم الهی، در پایین‌ترین سطح ممکن، برای ما عادی می‌شوند. آن سان که عمری مثلاً با شب و روز (این دو آیه عظیم الهی) به سر می‌بریم، اما هیچ توجهی به آن‌ها نداریم و از دریای بی‌انتهای اسرار و گفتنی‌هایشان بهره‌ای نمی‌گیریم. با اتکا و اکتفا و به این قبیل تفسیر و توجیه علمی که: شب و روز دو پدیده طبیعی‌اند و در اثر چرخش خاص زمین به دور خود حاصل می‌شوند و...!

یا از این سوئی، عمری با سوره‌های ناس و فلق سپری می‌کنیم و جرعه‌ای از لب لعلشان نمی‌چشیم و از بیکران معانی و مفاهیمشان طرفی نمی‌بندیم و برای حضور در گوشه ناچیزی از زندگی، از آن‌ها دعوت به عمل نمی‌آوریم، با این تصور که ما ترجمه این دو سوره را می‌دانیم و تفسیر آن‌ها را هم خوانده‌ایم و از شأن نزولشان نیز با خبریم و...

ترجمه و تفسیر، به جای خود، خوب و لازم است، اما نباید در ازا و معادل آیات الهی قرار گیرد و منطق «این همان است» را الفا کند، و الا راهزنی خواهد کرد و شور و حرارت، راز و رمز، جان و جریان را از آیات خواهد زدود و زبان گویای آن‌ها را گنگ خواهد کرد و از یک آیه، به جای اقیانوس اشارت‌ها و رهنمودهای حیاتی، ما را به اطلاعات ناچیزی دلخوش خواهد کرد و این چیزی نیست جز ظلم در حق آیات. ظلم یعنی بی‌توجهی به آیات و متذکر نشدن به آن‌ها.

«و من اظلم ممّن ذکّر بآیات ربّه ثمّ اعرض عنها...» [سجده، ۲۲/۳۲]

در این آیه کریمه مشاهده می‌شود، ظلم عبارت است از اعراض در برابر آیات خدا و حقیقت اعراض هم چیزی نیست، جز بی‌توجهی به آیات و تذکار نگرفتن از آن‌ها. بنابراین، در برابر هر آیه - خواه آیات قرآن و یا آیات آفرینش - اگر نکته‌ها و تذکارهای آن را دریافت نکنیم و در پرتو آن به حقایق گوناگون دست نیابیم، در حق آن آیه ظلم کرده‌ایم و بلکه از یک نظر مصداق ظالم‌ترین انسان خواهیم بود!

ظلم، صرفاً یک نمونه از رفتارهای ناشایست در قبال آیات است که مختصراً توضیح داده شد؛ سزااست که یکایک این رفتارها از جمله کفر، کفران، استهزا، تکذیب، انکار و... از دیدگاه قرآن و حدیث، بازیابی و بازخوانی شود و معنا و مفهوم صحیح و حیطة شمول آن‌ها مورد تأمل و تدبّر قرار گیرد.

در پرتو

قرآن‌شناسی، برخی از
فعالیت‌های قرآنی تأیید و تقویت
و یا تکمیل و تصحیح می‌شوند و
چه بسا برخی دیگر، جایگاه
خود را از دست بدهند

تعبیر «فهم» در مورد آیات آفرینش نیز، چندان صحیح نیست؛ مثلاً «آب» را نمی‌توان فهمید و صحیح نیست که با مطالعه برخی مطالب، ادعا کنیم آب را فهمیده‌ایم! ما در برابر آب، وظایف بسیاری داریم، اما فهم آن تکلیفی است که برعهده ما نهاده نشده است. ما باید با آب دوست شویم، با آن انس بگیریم و گفت‌گو کنیم، از یکایک اسما و اوصاف آن درس زندگی برداریم؛ از این که پاک است و پاک‌کننده و هم می‌تواند پاکی خود را از دست دهد و پس از آن دوباره در پی پاکی باشد، از این که زلال است و جریان دارد و می‌تواند از جریان بازایستد و راکد شود، از این که از آسمان می‌آید و دوباره می‌تواند به آسمان رود، از این که بی‌رنگ است، اما خاستگاه تمامی رنگ‌هاست؛ از این که حیات می‌بخشد و اگر طغیان کند، حیات نیز می‌گیرد، از این که طعمی ندارد، اما هر طعمی از اوست، از این که ... باید از هر کدام از این اوصاف و حالات، ده‌ها و صدها درس زندگی برداشت کنیم، نه این که صرفاً با اتکا و اکتفا به مجموعه‌ای از فرمول‌ها و قوانین علمی - که به جای خود لازم و شایسته است - پرونده آب، این آیت بزرگ خدا را یکسره کنیم، با این تصور که آن را فهمیده‌ایم!

تنها یکی از درس‌های بی‌شماری که از آب باید گرفت، درس جهان‌شناسی و دنیاشناسی است؛ جایگاه و آغاز و انجام حیات دنیا و ماهیت و ویژگی‌های آن را در آینه زلال

آب به وضوح می‌توان و بلکه باید به تماشا نشست: «آما مثل الحياه الدنيا كماء...» [یونس، ۲۴/۱۰]

درس دیگر، معادشناسی است. اگر جریان نزول آب از آسمان و سیر و سفر آن در زمین را به‌خوبی ببینیم و دنبال کنیم، دیگر با معاد و آخرت و امکان زنده شدن مردگان و... مشکلی نخواهیم داشت، چراکه صحنه‌هایی به مراتب شگفت‌انگیزتر از قیامت و رستاخیز، تنها در یکی از کارکردهای آب، چشمان ما را خیره خواهد ساخت [ق، ۱۱/۵۰].

پی‌نوشت

آتک: هاشمی خوبی، ۱۵۷/۹؛ حسینی شیرازی، ۴۱۷/۲؛ جعفری، ۸۲/۲۶؛ ابن میثم بحرانی، ۲۷۳/۳.

انیز: مکارم شیرازی، ۲۶۸/۱۹؛ نجفی خمینی، ۳۲/۱۷

[برای نمونه، رک: حر عاملی، ۳۶۴/۳؛ مجلسی، ۲۴۵/۷۷]

[برای نمونه، مارک: حویزی، ۷۳۹/۱، ۱۵۵، ۲۷۵، ۵۲۲]

منابع

۱. ابن فارس. ابوالحسن احمد. ترتیب مقایس اللغه. ترتیب: علی عسگری و حیدر مسجدی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم. ۱۳۸۷ ش.
۲. ابن منظور. جمال‌الدین محمد بن مکرم. لسان العرب. دارصادر. بیروت. ۱۹۹۷ م.
۳. اصفهانی. راغب. معجم مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: ندی. م. مرعشلی. المکتبه‌المترتضویه لاحیاءالانثارالجعفریه.
۴. بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم. شرح نهج‌البلاغه [المصباح، شرح کبیراً خدمات چاپی ۳۹۶. تهران. چاپ دوم. ۱۴۰۴ ق.
۵. جعفری، محمد تقی. ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. چاپ هفتم ۱۳۷۶.
۶. حر عاملی. تفصیل وسائل الشیعه. مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث. قم. چاپ دوم. ۱۴۱۴ ق.
۷. حسینی شیرازی، سیدمحمد. توضیح نهج‌البلاغه. دار تراث الشیعه
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه. تفسیر نورالثقلین. مؤسسه اسماعیلیان. تهران. چاپ چهارم. ۱۴۱۲ ق.
۹. زمانی نجف‌آبادی، مصطفی. نهج‌البلاغه از دیدگاه قرآن. انتشارات پیام اسلام. قم. چاپ اول. ۱۳۶۰.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیرالقرآن. مؤسسه نشر اسلامی. قم. ۱۴۰۲ ق.
۱۱. مجلسی. محمدباقر. بحارالانوار. مؤسسه‌الوفاء. بیروت. ۱۹۸۳ م.
۱۲. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. چاپ اول. ۱۴۱۶ ق.
۱۳. مغنیه، محمدجواد. فی ظلال نهج‌البلاغه. دارالعلم للملایین. بیروت. چاپ اول. ۱۹۷۲ م.
۱۴. هاشمی خویی. میرزا حبیب‌الله. منهاج‌البراعه فی شرح نهج‌البلاغه. مکتبه‌الاسلامیه. تهران. چاپ چهارم. ۱۴۰۵ ق.

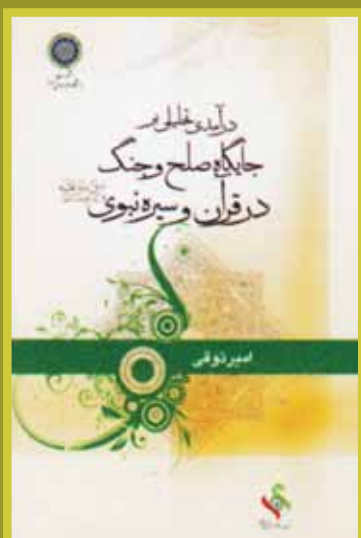
اگر آیه را

به سخن فرا نخوانیم، و به تعبیر
امیرالمؤمنین (ع) استنطاقش نکنیم،
ناگزیر خود به جای او و از سوی او
سخن خواهیم گفت و بدین سان،
نه به خدا، که به خود خواهیم
رسید



فریبا انجمنی
دبیر منطقه ۲ تهران

مجموعه کتاب های قرآنی دانشگاه امام صادق (ع)

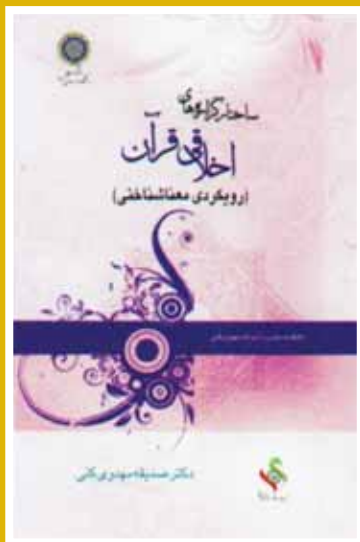


درآمدی تحلیلی بر جایگاه صلح و جنگ در قرآن و سیره نبوی (ص)

تألیف: امیر ذوقی

سال نشر: ۱۳۸۸ - چاپ دوم، ۱۳۸۹

یکی از مسائلی که از ابتدای حیات اجتماعی اسلام، تبیین سیاست و راهبرد مشخص و تعریف شده‌ای در خصوص آن ضرورت یافت، نوع و نحوه تعامل مسلمانان و جامعه اسلامی با دیگر ملل و پیروان سایر ادیان و آیین‌ها بود. آموزه‌های پرتوانی هم‌چون جهاد، شرک‌ستیزی و سلطه ناپذیری که در متن فرهنگ دینی جای دارد، ممکن است به ذهن چنین تبادر کند که سیاست اسلام به عنوان دین خاتم در قبال سایر فرهنگ‌ها سیاستی بسته و تهاجمی است. اما جدا از این که این مفاهیم در بعضی موارد به آفت بدفهمی دچار شده‌اند، اهمیت موضوع ضرورت بازخوانی و واکاوی نصوص دینی خصوصاً قرآن کریم و نیز مطالعه دقیق سیره نبوی (ص) را ایجاب می‌کند. این اثر به عنوان نمونه‌ای عملی از فقه قرآنی، به تبیین جایگاه صلح و جنگ و بایستگی آن در فقه اسلامی پرداخته است. کتاب از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول با عنوان «تعاریف و کلیات» به بررسی واژه‌ها و اصطلاحات پر کاربرد و محوری کتاب هم‌چون جهاد، جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، صلح، هدنه (مهادنه)، کافر، اهل کتاب، مشرک و کافر حربی، پرداخته است. بخش دوم با عنوان «قتال» به این مباحث می‌پردازد: قتال در نگاه اسلام، سیر تشریع جهاد در اسلام، جهاد دفاعی از دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت، جهاد ابتدایی از دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت، ضابطه مشروعیت جنگ با کافران، و عدم منافات وجوب آمادگی نظامی و دفاعی در جامعه اسلامی با اصالت صلح. بخش سوم با عنوان «صلح و هم‌زیستی» در مورد مباحث زیر بحث می‌کند: اهمیت صلح و هم‌زیستی، صلح و هم‌زیستی در قرآن، روایات و فقه اسلامی، احکام هم‌زیستی با کافران و ادله آن، ترجیح و تقدم صلح بر جنگ از دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت، هم‌زیستی با کافران و مبارزه فرهنگی با آنان.



ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (ویکرد معناشناختی)

تألیف: دکتر صدیقه مهدوی کنی

سال نشر: ۱۳۸۸ - چاپ دوم، ۱۳۸۹

اخلاق موضوع ارزشمندی است که از دیرباز و در طول تاریخ بشر، ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود مشغول کرده است. ادیان الهی نیز در دعوت‌های خویش، هدایت و تربیت اخلاقی انسان‌ها را هدفی اصلی برشمرده و برای رسیدن به این مقصود، با توجه به مبانی خود، تعالیم ویژه‌ای را عرضه کرده‌اند. اسلام نیز در تمام شئون زندگی، براساس مبانی خاص خود، آموزه‌های بسیاری در این زمینه ارائه کرده که در آیات قرآن و روایات امامان معصوم علیهم‌السلام قابل مشاهده است. در این کتاب، نویسنده بر آن است تا با استفاده از روش نقلی، عدم تفکیک گزاره‌های قرآنی را هم از حیث موضوع و هم از حیث محمول، نشان دهد و در صورت یکسانی سبک و سیاق، بعضی از نتایج را که در دیگر مباحث قرآنی گرفته شده، به اخلاق تعمیم دهد. هم‌چنین، برای طرح مباحث نظری اخلاق، از روش اخلاق تحلیلی یا فرا اخلاق استفاده کرده است که به واسطه آن، از روش معناشناسی، مفاهیم اساسی گزاره‌های اخلاقی، روابط معنایی موضوعات و محمولات این گزاره‌ها و اصول حاکم بر آن‌ها، نظام اخلاقی قرآن و ساختار حاکم بر این گزاره‌ها را بازخوانی می‌کند.



حیات؛ معمای انسان در بیان قرآن

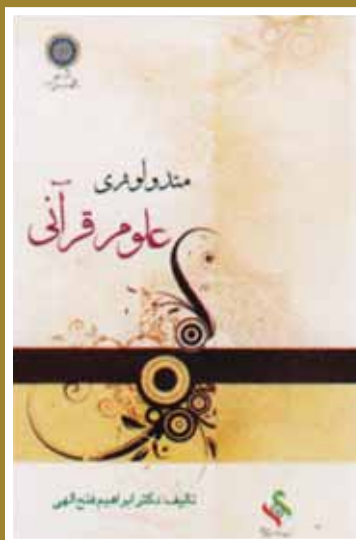
تألیف: سید محمدعلی علوی

سال نشر: ۱۳۸۴

در این کتاب، در چهار فصل، ابعاد مختلف «حیات» از دیدگاه قرآن بررسی شده است. در فصل اول، ابتدا به شناخت واژگان «حیات» و «موت» و جمع‌بندی معنای کاربردهای این دو واژه و دیگر واژه‌های هم‌خانواده پرداخته شده است و سپس برای آشنایی با مفهوم حیات و موت در علوم مختلف و امکان مقایسه با مفهوم قرآنی آن، به‌طور مختصر، دیدگاه سه علم زیست‌شناسی، فلسفه و عرفان در این باره بیان شده است. در فصل دوم، اصل تشکیکی بودن (ذومراتب بودن) حیات با استفاده از آیات قرآن بیان و برخی مراتب حیات معرفی شده است، از جمله: حیات خداوند متعال، حیات انسانی و حیات حیوانی.

فصل سوم اختصاصاً به حیات انسان و جوانب و مراحل گوناگون حیات انسان پیش از تولد تا پس از مرگ در قرآن، می‌پردازد. فصل چهارم نیز به بررسی حیات برتر انسانی (حیات طیبه) اختصاص یافته است.

متدلوژی علوم قرانی

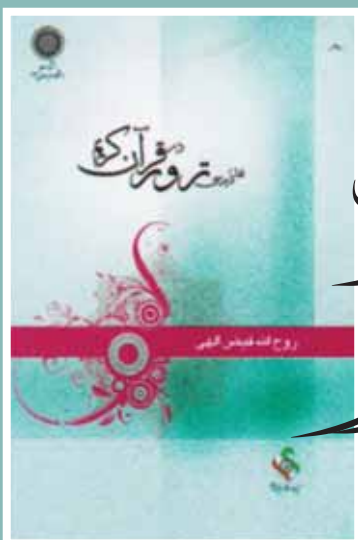


تألیف: دکتر ابراهیم فتح‌الهی

سال نشر: ۱۳۸۸ - چاپ دوم، ۱۳۸۹

کتاب حاضر در صدد ارائه تعریفی جامع و مانع برای علوم قرآنی و سپس طراحی نوعی نظام رده‌بندی علمی برای این علوم و در نهایت ارائه الگویی برای روش‌شناسی مطالعات مربوط به علوم قرآن است. هم‌چنین، نگارنده کوشیده است نوعی مطالعه مبادی‌شناسانه در علوم قرآن انجام دهد. موضوع اصلی کتاب، خود علوم قرآنی و چیستی آن، سیر تاریخی رده‌بندی و روش‌شناسی هر یک از این علوم است. در بخش اول کتاب با عنوان «تعریف علوم قرآنی»، ضمن نقد و بررسی تعاریف گوناگونی که برای علوم قرآنی ارائه شده، مدخلیت و مقدماتی بودن نقش علوم قرآنی برای فهم و تفسیر قرآن به عنوان ملاک اصلی تلقی شده است. در بخش دوم با عنوان «رده‌بندی علوم قرآنی»، برای دستیابی به شکل نظام‌یافته‌ای از علوم قرآن و برقراری ارتباط منطقی میان اطلاعات فراهم آمده در علوم قرآن، ملاک‌های گوناگون رده‌بندی علوم قرآن (موضوع، روش، برون قرآنی یا درون قرآنی بودن مباحث، کارآمدی و مدخلیت در تفسیر، نسخ مطالعه و هم‌چنین نحوه شکل‌گیری این علوم) نقد و تحلیل شده است. در بخش سوم با عنوان «روش‌شناسی علوم قرآنی»، ضمن آشنایی با چیستی روش‌شناسی و بررسی اقسام روش‌های تحقیق، ضرورت روش‌شناسی علوم قرآنی مورد بحث قرار گرفته است و با توجه به چند تباری بودن مباحث قرآن و برخورداری این علوم از موضوعات کثیر و متنوع، روش پژوهش ترکیبی برای علوم قرآنی پیشنهاد شده است.

نقد و بررسی ترور در قرآن کیم



تألیف: روح‌الله فیض‌اللهی

سال نشر: ۱۳۸۹

تروریسم یک از مهم‌ترین مسائل و مشکلات کنونی است. در دنیا صدها سمینار و کنفرانس، برای شناختن و بررسی علل و ریشه‌های آن و روش‌های جلوگیری از آن تشکیل شده و هزاران کتاب برای پژوهش درباره آن از دیدگاه‌های گوناگون و در زمینه‌های متفاوت مانند جامعه‌شناسی، سیاسی و حقوق منتشر شده است. تصور برخی این است که هر آن‌چه را در گفتمان رایج، بد و زشت خوانده می‌شود، باید مستند به گزاره‌های دینی نفی کرد و هر آن‌چه را که به عنوان خوب شناسانده می‌شود، باید مستند به آیات و سیره تأیید کرد. حال آن‌که اسلام در این خصوص پیرو خواست دیگران نیست و دارای دیدگاه مستقل دارد. لذا باید در پی فهم آن و تنظیم سیاست‌ها براساس آن‌ها بود. نکته دیگری که در هر تحقیق علمی باید در نظر داشت، این است که واژه‌هایی مانند ترور به معنایی که از آن در نظر عموم مردم تداعی می‌شود، همانند واژه‌های قتل و جنایت و ضرب و شتم، بار عاطفی منفی دارند. این کتاب در هفت فصل تدوین شده است که فصل اول آن به روشن شدن تعریف ترور اختصاص دارد. اساساً در حوزه علوم انسانی، با توجه به گستردگی و تشتت آرا و ارائه نظرات و تعریف متعدد از هر پدیده، همواره مشکل اول در تحقیق، ارائه تعریف است.



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دانشگاه فرهنگستان

دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله های رشد آشنا شوید

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی دبستان)

رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه و پیش دانشگاهی)

مجله های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله های بزرگسال و دانش آموزی اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست شناسی ♦ رشد آموزش زمین شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه ای ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش جویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

اسامی مشخصات مؤسسات عضو اتحادیه تشکلهای قرآنی کشور

مهد قرآن - اصفهان

مدیر عامل: آقای خاکساری

نشانی: اصفهان، خ سجاد، نرسیده به گلستان شهدا،

ابتدای خ شهید خلیلی، پست نور

کدپستی: ۷۶۱۲۷۵۲۷۲۴

مهد قرآن - تهران

مدیر عامل: حجت الاسلام و المسلمین آقای مصطفی فومنی حائری

نشانی: تهران، خ خراسان، بعد از سه راه لرزاده،

کوچه مسجد آیت الله فومنی

تلفن: ۲۲۵۲۲۵۰۰ - ۳ دورنگار: ۲۲۲۲۵۵۰۰

کدپستی: ۱۱۷۷۸۵۵۱۱۲

مهد قرآن - کاشان

مدیر عامل: آقای محمد مهدوی

نشانی: کاشان، بلوار شهید مطهری، مقابل رستوران جوان

تلفن: ۵۵۷۷۸۸۰ - ۵۵۷۷۸۹۰ - ۲۶۱ دورنگار: ۵۵۵۰۸۸۰ - ۲۶۱

مهد قرآن - میاندوآب

مدیر عامل: آقای مهدی عباس نژاد

نشانی: میاندوآب، میدان انقلاب، روبه روی شهرداری

تلفن: ۲۲۲۱۱۵۰ - ۴۸۱ دورنگار: ۲۲۲۸۸۴ - ۴۸۱

مهد قرآن - نجف آباد

مدیر عامل: آقای علی اکبر نجفیان نجف آبادی

نشانی: نجف آباد، خ ۱۷ شهرپور، نبش کوچه ستاد،

مسجد مجتهد (حاج آقا میرزا)

تلفن: ۲۲۴۴۷۴۱ - ۲۲۱ دورنگار: ۲۲۲۱۵۱۱ - ۲۲۱

کدپستی: ۸۵۱۲۶۵۱۷۷۱



جهاد اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال

اسامی و مشخصات مؤسسات عضو اتحادیه تشکلهای قرآنی کشور

مهد قرآن و عترت - آذربایجان شرقی

مدیر عامل: آقای رحیم وظیفه شعاع

نشانی: تبریز، خ ارتش جنوبی، چهارراه باغ شمال،

پشت کلینیک دانشگاه، مقابل موزه استاد شهریار

تلفن: ۵۵۲۲۴۶۷-۰۴۱۱ دورنگار: ۵۵۲۹۱۲۴-۰۴۱۱

مهد قرآن جوادالائمه (ع) - یزد

مدیر عامل: حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حمیدرضا مطهریان

نشانی: یزد، ابتدای خ سید گل سرخ، کوچه ششم،

ساختمان شماره ۷۰

تلفن: ۱۲۶۷۵۲۶-۰۲۵۱ دورنگار: ۱۲۶۱۸۶۱۵-۰۲۵۱

کدپستی: ۸۹۱۹۶۲۷۸۶۴

مؤسسه میقات القرآن - تهران

مدیر عامل: آقای مرتضی مخملباف

نشانی: تهران، میدان قزوین، خ قزوین شرقی، خ شهید جوادیان

(قلمستان)، پلاک ۱۹۷

تلفن: ۵۵۲۷۰۵۱۷-۵۵۲۹۰۱۴۴ دورنگار: ۵۵۲۹۴۹۷۲

کدپستی: ۱۲۲۵۷۱۲۲۹۱

مؤسسه نشر معارف اسلامی (انوارالحکمه) - شهریار

مدیر عامل: آقای حسن پاشایی

نشانی: شهریار، سرآسیاب، خ شهید مصیب‌زاده، پلاک ۸۶۹

تلفن: ۶۴۷۴۵۱۲-۰۲۶۱ دورنگار: ۶۴۷۴۵۱۲-۰۲۶۱

مؤسسه نور مبین - قم

مدیر عامل: حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حمید صفار هرنودی

نشانی: قم، خ امام خمینی، چهارراه شهید غفاری، کوچه شهید قدوسی

(نوربخش سابق)، پلاک ۱۴۶ و ۱۴۸

تلفن: ۶۱۰۹۸۵۷-۰۲۵۱ دورنگار: ۶۱۰۹۸۵۷-۰۲۵۱